دوره‌ی مقدماتی آموزش

زبان جدید و بین‌المللی اِسپِرانتو (Esperanto)

مورد تصویب و تأیید یونسکو جهت معرفی و آموزش در کلیه‌ی مدارس و دانشگاه‌های جهان

مدرس: مهندس احمدرضا ممدوحی، سرنماینده‌ی «سازمان جهانی اسپرانتو» (دارای روابط رسمی با سازمان ملل متحد و یونسکو) در ایران

رئیس «اتحادیه‌ی بین‌المللی مدرسین اسپرانتودان» (ILEI)

و عضو فرهنگستان اسپرانتو (AdE)

ویرایش پانزدهم: تیر 1404

برگشت به فهرست مطالب

فهرست مطالب

توجه: با کلیک روی هر عنوان به آن قسمت بروید،
و با کلیک بر روی «**برگشت به فهرست مطالب**» در پائین هر صفحه، به این فهرست برگردید.

فهرست مطالب 1
مقدمه 6
1– خواندن و نوشتن یا تلفظ و املاء 10
آوائی نبودنِ الفبای فارسی و انگلیسی 10
آوائی بودن صددرصدِ الفبای اسپرانتو 11
حروف صدادار 11
سیلاب یا بخش 13
بخش یا سیلاب در زبان‌های قومی یا ملی 14
آکسان، تکیه یا اِسترِس 15
حروف بی‌صدا: نام یا اسمِ «حروفِ بی‌صدا» 16
جدول حروف بی‌صدا 17
2– الفبای اسپرانتو 18
جدول الفبای بریل اسپرانتو 19
شکل الفبای بریل اسپرانتو 20
تمرین‌های یادگیری الفبای بریل اسپرانتو (ویژه‌ی نابینایان) 20
حرفِ ترکیبی c 22
حرفِ c 22
حرف نیمه‌صدادار ŭ 22
حرف ŭ 22
تفاوت حرف v با حرف ŭ 23
حرف v 23

هِجی کردن کلمات در اسپرانتو 23

حرفِ x به جای کلاه حروف 26

3- از فارسی تا ... اسپرانتو 29

نوشتن فارسی با الفبای اسپرانتو: فارسانتو (Farsanto) 30

4- تمرین مفصلِ خواندن واژگان اسپرانتو با آکسان صحیح 34

حرف نیمه‌صدادار ŭ 45

5- گرامر زبان اسپرانتو 47

* در تلفظ صحیح این کلمه دقت کنید: کی‌او (نه: کی‌یو). 47

پایانه‌های مصدر و سه زمان ساده‌ی افعال 47

مکالمه: «شما کیستید؟» Kiu estas vi? 49

سوال با «آیا؟» Ĉu...? 50

منفی کردن افعال و جملات 51

موارد استفاده از حروف بزرگ 53

پسوندهای -ist– و -ant– 54

مکالمه: «چه‌کاره‌اید؟» Kio estas vi? 56

پسوند ابزار -il– 60

مکالمه: «آن چیست؟» Kio estas tio? 60

6- حرف تعریف La 62

پیشوندِ - -mal-- 62

مقایسه‌ی پیشوندِ - -mal-- با انگلیسی 63

تفاوتِ نَفی با تضاد (- -ne-- با - -mal--) 65

7- اسم و صفت 69

روش تشخیص اسم و صفت در فارسی 69

شکل ظاهریِ اسم در فارسی، انگلیسی و اسپرانتو 71

اسم در اسپرانتو 71

صفت در اسپرانتو 72

صفت و موصوف (اسم): --o –a 73

برگشت به فهرست مطالب

خاصیت جابجائی صفت و موصوف 73
جمع بستن اسم 75
مطابقت پایانه‌های صفت با موصوف... 75
مضاف و مضاف‌الیه 76
سه نوع ترکیب در اسپرانتو، فارسی و انگلیسی... 77
8- پایانه‌ی مفعولِ مستقیم n-- (را) و افعال لازم و متعدی 78
افعال لازم و متعدی و کاربرد پایانه‌ی n-- 79
9- پایانه‌های یازده‌گانه‌ی اسپرانتو 85
9- ضمایر شخصی 89
نحوه‌ی ساختن ضمایر ملکی و ضمایر مفعولی از ضمایر فاعلی 89
نحوه‌ی جمع‌بستنِ ضمایر ملکی و ضمایر مفعولی 90
مطابقت پایانه‌های ضمایر ملکی با اسامی‌شان... 90
ضمیر انعکاسی si و ضمیر مجهول oni.. 92
نحوه‌ی جمع‌بستنِ ضمایر ملکی و مفعولی si و oni 95
ضمایر تأکیدی با استفاده از تک‌ایستای mem 95
11- ساختار جمله... 96
مقایسه‌ی انعطاف و تنوع جمله‌بندی در بیان، در اسپرانتو، انگلیسی و فارسی.. 98
11-1 تک‌ایستاهائی که محل‌شان در جمله تعیین‌کننده است 100
12- آوندها (پیشوندها و پسوندها)Afiksoj (prefiksoj kaj sufiksoj) 102
پیش‌آوندها یا پیشوندهای اسپرانتو... 102
پس‌آوندها یا پسوندهای اسپرانتو.. 106
باقاعدگی و قابلیتِ تعمیم بی‌نهایت در زبان اسپرانتو 107
مقایسه‌ی پسوند مکان در اسپرانتو، انگلیسی و فارسی.. 107
استفاده از چند آوند (پیشوند/پسوند) در یک کلمه:.. 108
کلیه‌ی پسوندهای اصلی Ĉiuj ĉefaj sufiksoj 110
مقایسه‌ی سه پسوند -ebl--، -ind-- و -end-- 111
مقایسه‌ی دو پسوند -ebl--، و -iv-- 112

برگشت به فهرستِ مطالب

نوشتن اسامی خاص با حروف بزرگ 113

اسم کشورها چگونه ساخته می‌شوند؟..114

اسم تبعه‌ها یا شهروندانِ کشورها چگونه ساخته می‌شوند؟ 115

باقاعدگی و قابلیتِ تعمیم بی‌نهایت در زبان اسپرانتو 118

نحوه‌ی استفاده از پسوند -uj– در اسپرانتو – و مقایسه‌ی آن با زبان فارسی و انگلیسی.......................118

13– سه وجه فعل (بودن، شدن، کردن): لازم و متعدی کردن افعال..119

14– مکالمه: هم‌کلاسی Sam.klas.an.o 123

15– کلمات جدولی یا هم‌بسته‌های اسپرانتو Korelativaj vortoj..126

جدول و نمودار درصد استفاده از هر یک از هم‌بسته‌های اسپرانتو 127

جدول بسامد استفاده از تک‌واژهای هم‌بسته‌های اسپرانتو 128

سه نکته‌ی مهم در مورد دو ستون و یک سطر جدول هم‌بسته‌ها 128

16– اعداد Numeraloj/Nombraj vort.et.oj 131

ساختن کلمات دیگر (کلمات ترکیبی) از اعداد 133

17–مکالمه: اسم شما چیست؟?Kiu estas via nomo 133

18– کمی بیشتر درباره‌ی پیشوند - --mal...136

کلمات متضاد از ریشه‌های متفاوت (نوآوری/نوواژه یا Neologismo)...................................137

19– حروف اضافه Prepozici.oj/Rol.vort.etoj 139

قاعده‌ی اسپرانتو در مورد حروف اضافه و مقایسه‌ی آن با فارسی و انگلیسی.................................142

20– مکالمه: خارج‌از ایران Ekster Irano...143

کاربردهای چهارگانه‌ی پایانه‌ی n-- یا آکوزاتیو 145

21– تک‌ایستاها Partikuloj/Sol.star.iv.oj/Vort.et.oj...147

22– مکالمه: سفری به شیراز Vojaĝo al Ŝirazo 150

23– فعلِ حرکتی 152

مقایسه‌ی استفاده از آکوزاتیو برای مقصد حرکت در لاتین و اسپرانتو 153

24– مکالمه: بیائید کنارِ دریاچه!!Ven.u ĉe la lagon 154

25– انواع مختلف جمله Diversaj specoj de frazoj...157

26– حذف در کلمات اسپرانتو Elizio...159

مثالی برای حذف در اشعار اسپرانتو: شعر «راه» از دکتر زامنهوف La Vojo 162

27- اصوات و آواها Interjekci.oj/ek.kriaj vort.et.oj kaj son.imitoj 163

28- حروف ربط بستگی‌زا و حروف ربط پیوندزا 165

Subjunkci.oj/fraz.enkonduk.iloj kaj Konjunkcioj/kunligaj vort.etoj 165

29- سرود اسپرانتو: «امید» اثر دکتر زامنهوف La Espero 167

30- قواعد شانزده‌گانه‌ی اسپرانتو 16 reguloj de Esperanto 168

گوگل به‌مناسبت 150امین سال‌گرد تولد دکتر زامِنهوف، آفریننده - یا به‌گفته‌ی خود او «آغازگرِ» - زبان اسپرانتو، پرچم اسپرانتو را در لوگوی خود قرار داد.

مقدمه

تفاوت‌های اصلی زبان‌های قومی، طبیعی یا ملی با زبان‌های بین‌المللی، فراساخته یا طراحی‌شده

در آموزش زبان‌های قومی، طبیعی یا ملی (مانند زبان انگلیسی، فرانسوی یا ...)

معلم به شاگردان:

"از همه‌ی شما انتظار دارم افرادی متفکر، مستقل، نوآور، خلاق و نقاد باشید و دقیقاً همان چیزی‌را بگوئید، که من می‌گویم!"

"I expect you all to be independent, innovative, critical thinkers who will do exactly as I say!"

خلاقیت، تعمیم و نوآوری که در زبان‌های قومی، ملی یا طبیعی، در بسیاری از مواقع با محدودیت و ناکامی روبرو می‌شوند، در زبان‌های بین‌المللی، فراساخته یا طراحی‌شده، مورد تحسین و تشویق قرار می‌گیرند و به ذهن و نحوه‌ی تفکر و تجزیه و تحلیل فرد پر و بال داده و نظم و ترتیب و منطق را بر ذهنیت او حاکم می‌گردانند. زبان‌شناسان متعددی درمورد تأثیر و تأثر متقابل ذهن و زبان، «نسبیت زبانی یا زبان‌شناختی»[1] یا دیالکتیک اندیشه و زبان، پژوهش و آزمایش و پایش کرده‌اند و حتی زبان‌های جدیدی نیز، ازجمله زبان لُگ‌لان (Loglan)، برای

[1] Lingva relativeco/Language relativity

برگشت به فهرست مطالب

آزمودنِ نظریات ایشان ساخته شده است، که نام آن نیز به‌معنی "زبان منطقی" است. (**Logical language**).

اسپرانتو، که موفق‌ترین و پُرمتکلم‌ترین زبان فراساخته‌ی جهان است، منطقستانی است که هرگونه قیاس و تعمیم منطقی در آن تشویق و تحسین می‌شود و دقیقاً به همین دلیل، همان‌طور که پروفسور کلود پیرون[۲]، روانشناس، زبان‌دان، مترجم و اسپرانتودان سوئیسی به آن پرداخته است، کسانی که زبان اسپرانتو را تا حد خوبی فرا می‌گیرند، دل‌سپرده‌ی آن می‌گردند و از استفاده‌کردن و/یا گسترش دادن آن لذت می‌برند. و عمدتاً نیز به همین دلیل است که این زبان نبوغ‌آمیز در طول تاریخ 138ساله‌ی خود، تنها توسط چنین افرادی که شایستگی‌ها و قدرت بی‌همتای اسپرانتو را درک کرده‌اند، حفظ شده، توسعه یافته، و همواره بر تعداد گویش‌وران آن اضافه شده است بدون آن‌که هیچ دولت یا کشوری در جهان از آن حمایت چشم‌گیری کرده باشد – و حتی علی‌رغم مخالفت‌های شدید رژیم‌های مستبد، تمامیت‌خواه و خودکامه‌ای مانند نازیست‌های آلمان و استالینیست‌های روسیه.

درمورد علت و انگیزه‌ی ایجاد زبان‌های منطقی، فراساخته یا طراحی‌شده مانند اسپرانتو، ازجمله زبان‌شناس معاصر آمریکائی، خانم اِریکا اُکرِنت در کتاب خود تحت عنوان «در سرزمین زبان‌های اختراعی» به بیانی ساده ابراز کرده است:

«نخستین انگیزه برای اختراع یک زبان جدید، بهبود بخشیدن به زبان(های) طبیعی بوده است، برای حذف اشکالات طراحی آن، یا اشکالاتی که به‌خاطر فقدان طراحی‌ای آگاهانه، به‌وجود آمده‌اند. اگر با دید مهندسی نگاه کنیم، زبان(های قومی، ملی یا طبیعی) نوعی فاجعه است. ما کلماتی داریم که بیش از یک معنی دارند، معانی‌ای داریم که دارای بیش از یک کلمه هستند، و برخی چیزهائی که دوست داریم بگوئیم، هرقدر هم زحمت بکشیم، ظاهراً قابل بیان با کلمات (این زبان‌ها) نیستند. افعال بی‌قاعده را داریم، اصطلاحات را داریم، برای هر یک از قاعده‌های گرامری، استثناهائی را داریم – که تمامی این موارد به‌گونه‌ای غیرضروری باعث سخت شدن فراگیری این زبان(ها) می‌شوند. ما همیشه دچار سوءتفاهم می‌شویم؛ پیام‌های‌مان، علی‌رغم تلاش فراوانی که برای واضح بودن‌شان می‌کنیم، ایهام دارند. اکثریت ما از زندگی کردن با این مشکلات (ظاهرا) راضی هستیم، ولی در طی قرون، ایده‌ای جسورانه بارها و بارها

---

[2] Claude Piron

برگشت به فهرست مطالب

در ذهن کسانی شکوفا شده است، که فکر می‌کنند این مشکلات را می‌توان برطرف ساخت: چرا یک زبان بهتر نسازیم؟»[3]

وی در چند صفحه بعد از این مطلب نیز می‌نویسد:

«از این‌ها گذشته، وقتی مردم با اشکالی در یک ابزار روبرو می‌شوند، چه می‌کنند؟ سعی می‌کنند که یک بهترش را اختراع کنند. آیا خیلی دور از عقل است اگر همین کار را در مورد زبان هم انجام دهند؟»[4]

فراگیری زبان‌هائی مانند اسپرانتو، یادگیری زبان‌های دیگر را نیز – طبق نتایج به‌دست‌آمده از آزمایش‌های طولانی‌مدت و زیاد[5] – بسیار عمیق‌تر، آسان‌تر و سریع‌تر می‌سازد و حتی تسلط فرد را بر زبان مادری‌اش به‌طرز چشم‌گیری افزایش می‌دهد.
منابع علمی و ادبی اسپرانتو امروزه به‌قدری فراوان و با کیفیت است، که انگیزه‌ای مضاعف برای فراگیری آن به‌وجود آورده و به سرعت افزایش گویش‌وران آن در سراسر دنیا، به‌ویژه در عصر دنیای مجازی کنونی، که راه‌های آموزش و فراگیری را بسیار آسان‌تر و بیشتر ساخته است، شتابی بی‌سابقه بخشیده است. به‌عنوان نمونه، تنها توسط دوئولینگو[6] میلیون‌ها نفر اسپرانتو را در سال‌های اخیر فراگرفته‌اند و به مروجان اصلی آن در کشورهای گوناگون تبدیل شده‌اند، و ویکی‌پدیای اسپرانتو، سال‌هاست که در بین یک‌دهم اول کل ویکی‌پدیاهای زبان‌های گوناگون جهان از نظر کمیت و کیفیت مقالات آن قرار دارد: از بین 7000 زبان موجود در جهان، حدود 300 عدد از آن‌ها اصولاً دارای ویکی‌پدیا هستند و ویکی‌پدیای اسپرانتو همواره جزو 30 عدد اول آن‌ها بوده است.

شاه‌کارهای ادبی جهان، مانند آثار شیلر، سعدی[7]، گوته، شکسپیر، خیام، تولستوی، تالکین، و ... به شیوائیِ تمام به زبان اسپرانتو ترجمه و منتشر شده‌اند و نسخه‌ی الکترونیکی بسیاری از آن‌ها به‌صورت رایگان هم در اینترنت قابل دست‌رسی است.

---

[3] Okrent, A. (2009). *In the Land of Invented Languages.* New York: Spiegel & Grau, 299pp., p.15. (قابل داونلود رایگان از اینترنت)

[4] Ibid. p. 18

[5] https://en.wikipedia.org/wiki/Esperanto#Third-language_acquisition, https://en.wikipedia.org/wiki/Paderborn_method

[6] Duolingo

[7] برای داونلود رایگان متن کامل "گلستان سعدی" به زبان اسپرانتو – با ترجمه‌ی دکتر کیهان صیادپور – به این صفحه مراجعه کنید: http://sadio.trovu.com/

2018-3 2018-2 2018-1

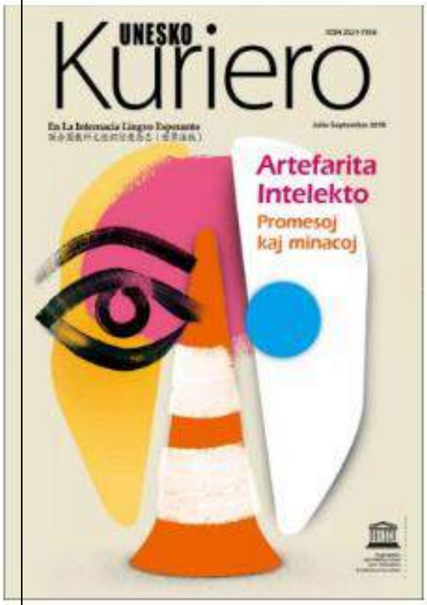

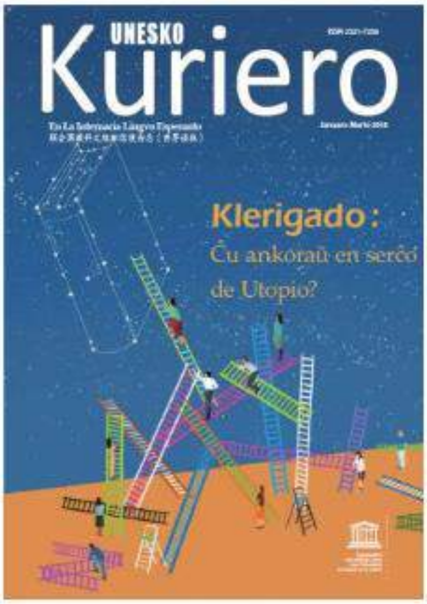

مجله‌ی «پیام یونسکو» تنها به 8 زبان از 7000 زبان موجود در دنیا منتشر می‌شود، که یکی از آن‌ها زبان اسپرانتو است. تاکنون یونسکو دو قطعنامه در حمایت از زبان اسپرانتو تصویب کرده است و ضمن آن‌ها به تمامی دولت‌های عضو خود توصیه نموده است تا معرفی و آموزش زبان اسپرانتو را در مدارس و دانشگاه‌های خود وارد سازند.

برای داونلود رایگان شماره‌های مختلف این مجله به زبان اسپرانتو از سایت یونسکو به این صفحه از «سازمان جهانی اسپرانتو» که دارای روابط رسمی با یونسکو و ملل متحد است، مراجعه کنید:

https://uea.org/revuoj/unesko_kuriero

1- خواندن و نوشتن یا تلفظ و املاء

میزان هماهنگی بین خواندن و نوشتن، یا بین تلفظ و املاء، یکی از مهم‌ترین عوامل آسان یا سخت بودن هر زبان، و حرف زدن و نوشتن – و کلاً فراگیریِ – هر زبانی است. همان‌طور که در این بخش خواهیم دید، در زبان‌های قومی، ملی یا طبیعی، مانند زبان انگلیسی، فرانسوی، روسی، فارسی و غیره، میزان این هماهنگی اندک است، در صورتی که در زبان اسپرانتو مقدار این هماهنگی صددرصد است: به بیان دیگر الفبای زبان‌های قومی (صددرصد) آوائی نیستند درحالی‌که الفبای اسپرانتو صددرصد آوائی یا فونِتیک است. درنتیجه، فراگیری خواندن و نوشتن، یا تلفظ و املاء در زبان‌های قومی، ملی یا طبیعی کاری بسیار سخت، وقت‌گیر و تمام‌نشدنی است، در صورتی که در زبان اسپرانتو بسیار آسان، سریع و سهل‌الوصول است.

آوائی نبودنِ الفبای فارسی و انگلیسی

موارد مشکل‌زای الفبای فارسی (نوشتن زبان فارسی با الفبای عربی):

سَرَم	سرم؟؟؟	!؟!	کِرِم	کرم؟؟؟
سِرُم			کِرَم	
سُرُم			کَرَم	
			کَرُم	
			کُرُم	

موارد مشکل‌ساز الفبای فینگلیش یا پینگلیش (نوشتن زبان فارسی با الفبای انگلیسی)

فارسی	فینگلیش		فارسی	فینگلیش
مادر	Madar???	!؟!	نِشَسته	Neshaste???
مدار			نشاسته	
مَدَر			آواز	Avaz???
			عوض	

برگشت به فهرست مطالب

روند یادگیریِ املاء، نوشتن یا دیکته، و تلفظ، گفتن یا خواندن، در زبان‌های قومی، ملی یا طبیعی، مانند انگلیسی و فارسی، امری ابدی است و هیچ‌گاه به اتمام نمی‌رسد؛ به‌عبارت دیگر، هیچ‌کسی در این زبان‌ها نمی‌تواند ادعا کند که هر کلمه‌ای را که بشنود، می‌تواند صحیح بنویسد، و یا هرکلمه‌ی نوشته شده را می‌توان درست تلفظ کند. چراکه در این‌گونه زبان‌ها برای نوشتنِ صدائی واحد، حروف کاملاً مختلفی را می‌توان به‌کار برد، و حرفی واحد می‌تواند صداهای کاملاً متفاوتی را در کلمات گوناگون داشته باشد.
در صورتی که در زبان اسپرانتو، این کار به‌آسانی و در مدت زمان کوتاهی میسر است، چرا که در زبان اسپرانتو هر صدا را فقط و فقط توسط یک حرف می‌توان نوشت، و هر حرف فقط و فقط دارای یک صدای واحد است – یعنی الفبای زبان اسپرانتو کاملاً آوائی یا فونِتیک است.

آوائی بودن صددرصدِ الفبای اسپرانتو

حروف صدادار

در اسپرانتو تنها **5** حرف صدادار وجود دارد، که هرکدام از آن‌ها همیشه و فقط دارای یک صدای ثابت و کاملاً مشخص است. خوشبختانه تمامی این حروفِ صدادار در زبان فارسی نیز وجود دارند. در جدول زیر حروف صدادار اسپرانتو همراه با مثال‌هائی از کلمات فارسی که در آن‌ها این حروف به کار رفته‌اند، دیده می‌شود:

a	e	i	o	u
آ	اِ	ئی	اُ	او
ab	erade	iran	omr	ure
آب	اِراده	ایران	عُمر	اوره
baba	refah	rig	motor	nur
بابا	رفاه	ریگ	موتور	نور

برگشت به فهرست مطالب

برای مقایسه، در زبان انگلیسی نیز تنها همین 5 حرف صدادار وجود دارند، ولی <u>این 5 حرف در انگلیسی حدود 30 صدای مختلف دارند</u> – یعنی به‌طور متوسط هرکدام از آن‌ها دارای 6 صدای گوناگون است!)
در زبان آلمانی 17 حرف صدادار و در زبان مجاری 14 حرف صدادار وجود دارد.

5 حرف صدادار اسپرانتو در اکثریت زبان‌های دنیا وجود دارند: در جدول زیر درصد بین‌المللی بودن این 5 حرف اسپرانتو درج شده است:

A	e	i	o	u
آ	اِ	ئی	اُ	او
٪86.9	٪64.5	٪87.1	٪68.7	٪81.8

در اسپرانتو، حتی هنگامی که دو یا چند حرف صدادار کنار یک دیگر هم قرار گیرند، صدای هرکدام از آن‌ها کاملاً حفظ می‌گردد و به‌هیچ‌وجه در هم‌دیگر ادغام نمی‌شود:

Ia	ie	io	ii	iu	iai
ئی‌آ	ئی‌اِ	ئی‌اُ	ئی‌ئی	ئی‌او	ئی‌آئی

تمرین خواندن حروف صدادار: جدول زیر را کامل کنید و با صدای بلند بخوانید

a	o	u	e	u	i	o	a	i	u	e
آ	اُ	او	اِ		ئی					
ae	oi	ea	ia	ua	oa	oe	ou	uo	io	iu
آاِ	اُئی	اِآ	ئی‌آ	اوآ	اُآ					
aeo	ieo	iao	uao	oiu	uea	aeu	eio	uei	oae	eao
آاِاُ	ئی‌اِاُ	ئی‌آاُ	اوآاُ							

حروف صدادار مانند ساختار یا اسکلتی است، که بر روی آن‌ها بخش‌های گوناگون بنا – یعنی حروف بی‌صدا – قرار می‌گیرند تا واژگان کاملی را فراسازند:

همان‌گونه که دیوار و سقف و پنجره و درب و ... بر روی اسکلت ساختمان سوار می‌شوند تا بنا را کامل کنند، حروف صدادار نیز با قرارگیری حروف بی‌صدا بر روی (درکنار) آن‌ها، واژگان یا کلمات زبان را به‌وجود می‌آورند:

ia	ie	io	ii	iu	iai
ئیآ	ئیاِ	ئیاُ	ئیئی	ئیاو	ئیآئی
kia	kie	kio	pii	kiu	kiai
کیآ	کیاِ	کیاُ	پیئی	کیاو	کیآئی
kian	kien	kiom	piis	kiujn	kiais
کیآن	کیاِن	کیاُم	پیئیس	کیاوْین	کیآئیس

سیلاب یا بخش

در اسپرانتو همیشه تناظر یک‌به‌یک بین تعداد حروف صدادار هر کلمه، و تعداد سیلاب‌ها یا بخش‌های موجود در آن، وجود دارد.

به‌بیان دیگر، در زبان اسپرانتو هر کلمه همیشه و دقیقاً به‌تعداد حروف صدادار آن (یعنی حروفِ a, e, i, o, u)، دارای سیلاب یا بخش است:

کلمات یا واژگانِ				
یک‌سیلابی	دوسیلابی	سه‌سیلابی	چهارسیلابی	پنج‌سیلابی
la	kia	litaro	Esperanto	Lokomotivo
tra	mian	gitaro	Renesanco	Vegetarismo
trans	niajn	Pikaso	penetranto	Esperantisto

بخش یا سیلاب در زبان‌های قومی یا ملی

در زبان‌های ملی، مانند فارسی و انگلیسی، هر کلمه به‌تعداد صداهای آن (و نه حروف صدادار آن)، دارای «بخش» یا «سیلاب» است، مثلاً:

– در فارسی: «آبادان» دارای سه بخش یا سیلاب است (آ با دان)

– در انگلیسی: کلمه‌ی beautiful – هرچند دارای 5 حرف صدادار است – ولی دارای سه سیلاب (beaut if ul)، یا حتی دو سیلاب است: /ˈbjuːt əf (ᵊ)l/ (بسته به این‌که در چه کشوری و توسط چه کسی تلفظ شود).

در زبان اسپرانتو هر کلمه همیشه و دقیقاً به‌تعداد حروف صدادار آن (یعنی حروفِ a, e, i, o, u)، دارای سیلاب یا بخش است، برای مثال، estas (به‌معنیِ «هست» یا «است») دارای دو سیلاب، و papero (به‌معنیِ «کاغذ») دارای سه سیلاب است.

به‌همین دلیل، کلمات زیر، که در آن‌ها فقط حروف صدادار به‌کار رفته است، به تعداد حروف‌شان دارای سیلاب یا بخش هستند:

کلمات دوسیلابی (دارای دو حرف صدادار)

ia	ie	io	iu
ئی‌آ	ئی‌اِ	ئی‌اُ	ئی‌او

آکسان، تکیه یا اِستِرس

در بسیاری از زبان‌ها، مانند فارسی، انگلیسی و اسپرانتو، کلماتی که دارای بیش از یک سیلاب هستند، یکی از سیلاب‌های آن‌ها با «آکسان» یا «تکیه» تلفظ می‌شود، یعنی نسبت به سیلاب(های) دیگرِ آن کلمه، قدری قوی‌تر و قدری کشیده‌تر ادا می‌شوند.

قواعد مربوط به این‌که در کلمات زبان فارسی یا انگلیسی آکسان روی کدام سیلاب هر کلمه قرار می‌گیرد، مشتمل بر چندین صفحه است، و هرکدام از آن‌ها نیز دارای استثناهای زیادی است. ولی در اسپرانتو، طبق یکی از قواعد 16گانه‌ی دستوریِ آن بدون هرگونه استثنائی:

«آکسان همیشه بر روی سیلاب ماقبل‌آخر هر کلمه است». (قاعده‌ی **10**ام اسپرانتو)

(در مثال‌های زیر، سیلاب یا بخشی که باید با آکسان یا تکیه تلفظ شود، با حروف **ضخیم/درشت** نوشته شده‌است.)

بنابراین: در کلمات دوسیلابی، آکسان یا تکیه همیشه برروی سیلاب یا بخش اول کلمه است:

ia	**i**e	**i**o	**i**u
ئیآ	**ئی**اِ	**ئی**اُ	**ئی**او
kia	**ki**e	**ki**o	**ki**u
کیآ	**کی**اِ	**کی**اُ	**کی**او
tia	**ti**e	**ti**o	**ti**u
تیآ	**تی**اِ	**تی**اُ	**تی**او

و به همین ترتیب برای کلمات بزرگ و بزرگ‌تر ... (سه‌سیلابی، چهارسیلابی، پنج سیلابی، ...):

- **در کلمات سه‌سیلابی، آکسان همیشه بر روی سیلابِ دوم است**
- **در کلمات چهارسیلابی، آکسان همیشه بر روی سیلابِ سوم است**
- **در کلمات پنج‌سیلابی، آکسان همیشه بر روی سیلابِ چهارم است**
- **...**

برگشت به فهرست مطالب

چند مثال برای محل آکسان در کلمات سه‌سیلابی:

uia	oie	aio	eiu
او**ئی**آ	اُ**ئی**اِ	آ**ئی**اُ	اِ**ئی**او
r**ui**na	k**opi**e	az**i**o	er**i**gu
رو**ئی**نا	کُ**پی**اِ	آ**زی**اُ	اِ**ری**گو

چند مثال برای محل آکسان در کلمات چهارسیلابی:

auia	uoae	oaio	aeui
آاو**ئی**آ	اُ**ئی**اِ	آ**ئی**اُ	اِ**ئی**او
matu**rin**ta	uso**na**ne	pota**si**o	ae**ru**mi
ماتو**رین**تا	اوسُ**نا**نِ	پُتا**سی**اُ	آئِ**رو**می

چند مثال برای محل آکسان در کلمات پنج‌سیلابی:

auu**u**o	aie**u**o	iea**u**o	oau**a**o
آاوا**وا**ُ	آئیاِ**وا**ُ	ئیاِآ**وا**ُ	اُآاو**آ**ُ
akupunk**tu**ro	arkitek**tu**ro	litera**tu**ro	orangu**ta**no
آکوپونک**تور**ُ	آرکیتِک**تور**ُ	لیتِرا**تور**ُ	اُرانگو**تان**ُ

حروف بی‌صدا: نام یا اسمِ «حروفِ بی‌صدا»

همان‌طور که از نام این حروف پیداست، تا هنگامی که آن‌ها را با حرف صداداری ترکیب نکنیم، نمی‌توانیم صدای آن‌ها را تولید کنیم. در فارسی و انگلیسی قاعده‌ی خاص و واحدی برای نامیدن این حروف وجود ندارد، برای مثال در فارسی نام یا اسمِ حرفِ «ب»، بِ است، در صورتی که نام حرف «ج»، جیم، و اسم حرف «ک»، کاف است.... به همین‌ترتیب، در انگلیسی نیز، نام حرف b، «بی» است، درحالی که اسم حرف m، «اِم»، و نام حرف q، «کیو» است و ... ولی در زبان اسپرانتو این امر نیز، قاعده‌مند است:
از آن‌جاکه در زبان اسپرانتو تمامی اسامی به حرف اُ (o--) ختم می‌شوند، مانند tablo (میز)، muro (دیوار)، و amo (عشق)، و ...، اسمِ حروف بی‌صدا نیز به اُ (o--) ختم می‌گردد، مثل:

حرف	b	k	s	t	f	r
اسمِ حرف	bo	ko	so	to	fo	ro
تلفظِ آن	بُ	کُ	سُ	تُ	فُ	رُ

جدول حروف بی‌صدا

حروف بی صدای اسپرانتو 22 عدد به‌شرح زیر است (حروف رنگی، 6 جفت حرفی هستند که یکی از آن‌ها کلاه‌دار/کلاهک‌دار است):

حرف	تلفظ	اسم		حرف	تلفظ	اسم
b	بُ	bo		k	کُ	ko
c	تْسُ	co		l	لُ	lo
ĉ	چُ	ĉo		m	مُ	mo
d	دُ	do		n	نُ	no
f	فُ	fo		p	پُ	po
g	گُ	go		r	رُ	ro
ĝ	جُ	ĝo		s	سُ	so
h	حُ	ho		ŝ	شُ	ŝo
ĥ	خُ	ĥo		t	تُ	to
j	یُ	jo		v	وُ (دندان‌ها به لب پائین)	vo
ĵ	ژُ	ĵo		z	زُ	zo

برگشت به فهرست مطالب

2- الفبای اسپرانتو

(حروف داخل خانه‌های تیره، 5 حرف صدادار اسپرانتو هستند)

{حروف رنگی، 6 جفت حرفی هستند که یکی از آن‌ها کلاه‌دار/کلاهک‌دار است}

حرف	تلفظ	اسم
k	کُ	ko
l	لُ	lo
m	مُ	mo
n	نُ	no
o	اُ	o
p	پُ	po
r	رُ	ro
s	سُ	so
ŝ	شُ	ŝo
t	تُ	to
u	او	u
ŭ	وُ (لب‌ها گِرد به‌بیرون)	ŭo
v	وُ (دندان‌ها به لب پائین)	vo
z	زُ	zo

حرف	تلفظ	اسم
a	آ	a
b	بُ	bo
c	تْسُ	co
ĉ	چُ	ĉo
d	دُ	do
e	اِ	e
f	فُ	fo
g	گُ	go
ĝ	جُ	ĝo
h	حُ	ho
ĥ	خُ	ĥo
i	ئی	i
j	یُ	jo
ĵ	ژُ	ĵo

برگشت به فهرست مطالب

جدول الفبای بریل اسپرانتو

حرف اسپرانتو	نقاط بریل	معادل فارسی	واژه‌ی نمونه	تلفظ واژه	معنی واژه
A	1	آ	akvo	آکوُ	آب
B	1-2	ب	bela	بِلا	زیبا
C	1-4	تس	celo	تْسِلُ	هدف
Ĉ	1-4-6	چ	ĉambro	چامْبْرُ	اتاق
D	1-4-5	د	domo	دُمُ	خانه
E	1-5	اِ	espero	اِسْپِرُ	امید
F	1-2-4	ف	floro	فْلُرُ	گل
G	1-2-4-5	گ	granda	گْراندا	بزرگ
Ĝ	1-2-4-6	ج	ĝardeno	جاردِنُ	باغ
H	1-2-5	ه	hundo	هونْدُ	سگ
Ĥ	1-2-5-6	خ	ĥemio	خِمیاُ	شیمی
I	2-4	ئی	infano	اینفانُ	کودک
J	2-4-5	ی	juna	یونا	جوان
Ĵ	2-4-5-6	ی	ĵaluza	ژالوزا	حسود
K	1-3	ک	kato	کاتُ	گربه
L	1-2-3	ل	lumo	لومُ	نور
M	1-3-4	م	manĝi	مانْجی	خوردن
N	1-3-4-5	ن	nokto	نُکْتُ	شب
O	1-3-5	اُ	okulo	اُکولُ	چشم
P	1-2-3-4	پ	pano	پانُ	نان
R	1-2-3-5	ر	rapida	راپیدا	سریع
S	2-3-4	س	suno	سونُ	خورشید
Ŝ	2-3-4-6	ش	ŝipo	شیپُ	کشتی
T	2-3-4-5	ت	tablo	تابْلُ	میز
U	1-3-6	او	urbo	اوربُ	شهر
Ŭ	3-4-6	ؤ (نیمه‌صدادار)	aŭto	آؤتُ	ماشین
V	1-2-3-6	و	vento	وِنْتُ	باد
Z	1-3-5-6	ز	zoo	زاُّ	باغوحش

شکل الفبای بریل اسپرانتو

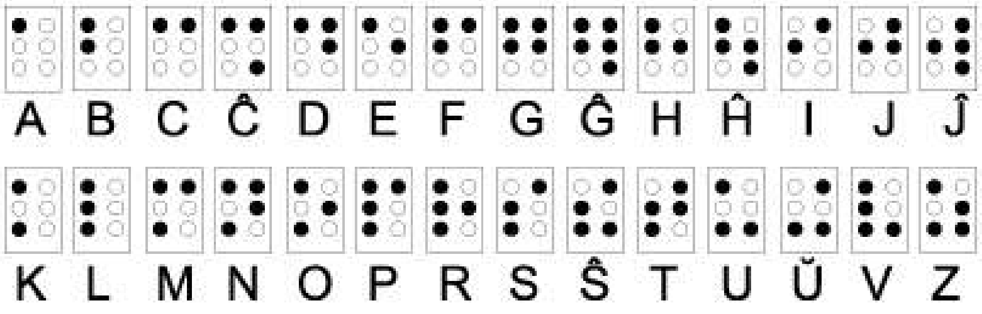

Esperanta Brajla Alfabeto

تمرین‌های یادگیری الفبای بریل اسپرانتو (ویژه‌ی نابینایان)

تمرین ۱: تشخیص حروف اسپرانتو توسط توضیح بریل آن‌ها

1. این حرف از نقاط 1، 2، 4 و 6 ساخته شده و صدای آن مثل "ج" در فارسی است.
2. این حرف فقط نقطه‌های 1 و 2 را دارد و ابتدای واژه‌ی "زیبا" در اسپرانتو نیز است.
3. این حرف نقاط 1، 3، 4 و 5 را دارد. واژه‌ی "شب" در اسپرانتو با آن آغاز می‌شود.

تمرین ۲: نام حرف اول واژه‌هائی که در زیر آمده است را بگوئید و نقاط آن‌را ذکر کنید

1. infano (کودک)
2. ŝipo (کِشتی)
3. floro (گُل)
4. domo (خانه)
5. espero (امید)
6. tablo (میز)
7. urbo (شهر)
8. aŭto (ماشین)

برگشت به فهرست مطالب

تمرین ۳: با خواندن توصیف بریل، حدس بزنید حرف مربوطه کدام است

1. این حرف سه نقطه دارد: 1، 4 و 6. در ابتدای واژه‌ی "اتاق" به اسپرانتو هم است.
   پاسخ: Ĉ
2. این حرف چهار نقطه دارد: 1، 2، 4، 6. در ابتدای واژه‌ی "باغ" به اسپرانتو هم هست.
3. این حرف فقط نقطه‌های 2، 3 و 4 را دارد. در ابتدای کلمه‌ی "خورشید" به اسپرانتو هم هست.

تمرین ٤: نقاط یک حرف نوشته شده است، بگویید مربوط به کدام حرف است

1. نقطه‌های: 1، 3، 5
   پاسخ: o
2. نقطه‌های: 3، 4، 6
3. نقطه‌های: 1 ,3 ,6
4. نقطه‌های: 1 ,3 ,4
5. نقطه‌های: 1 ,2 ,3 ,4
6. نقطه‌های: 1 ,3
7. نقطه‌های: 1 ,2 ,3

تمرین ٥: طبقه‌بندی حروفی که دارای نقطه‌ی 6 هستند

1. **تمامی حروف خاص اسپرانتو – یعنی حروف کلاه‌دار یا کلاهک‌دار اسپرانتو – دارای نقطه‌ی 6 هستند:** Ĉ, Ĝ, Ĥ, Ĵ, Ŝ, Ŭ نقاط این حروف را یک به یک بگوئید.
2. **کدام حروف دیگر اسپرانتو دارای نقطه‌ی 6 هستند؟ نام آن‌ها بگوئید و نقاط آن‌ها را ذکر کنید.**

تمرین ٦: حرف اول واژه‌های زیر دارای چه نقاطی است؟

1. واژه‌ی خانه domo
   حرف d . نقاط آن؟ پاسخ: 1، 4، 5
2. واژه‌ی اتاق ĉambro
3. واژه‌ی باغوحش zoo
4. واژه‌ی نور lumo
5. واژه‌ی باد vento
6. واژه‌ی جوان juna
7. واژه‌ی گربه kato

تمرین 7: تقسیم‌بندی حروف اسپرانتو

1. حروف صدادار اسپرانتو را بگوئید و جای نقاط هر کدام از آن‌ها را ذکر کنید.
2. حرف نیمه‌صدادار اسپرانتو کدام است؟ نقاط آن‌را بگوئید.
3. حروف خاص اسپرانتو که به حروف کلاه‌دار یا کلاهک‌دار معروفند را بگوئید و نقاط هر کدام از آن‌ها را ذکر کنید.

حرفِ ترکیبی c

حرفِ c ترکیب دو صدای «ت» و «س» است (همان‌طور که در زبان فارسی و انگلیسی حرفِ «چ» ترکیب دو صدای «ت» و «ش» است، و حرف «ژ» ترکیب صداهای «د» و «ج» می‌باشد).

برای مثال:

واژه	laca	acida	paco	pico	minaco	citrono
تلفظ	لاتْسا	آتْسیدا	پاتْسُ	پیتْسُ	میناتْسُ	تْسیتْرُنُ
معنی	خسته	تُرش	صلح	پیتزا	تهدید	لیموترش

حرف نیمه‌صدادار ŭ

حرف ŭ حرفی نیمه‌صدادار (یا نیمه‌بی‌صدا) است که سیلاب یا بخش نمی‌سازد. برای تلفظ آن، لب‌ها گِرد شده و کمی متمایل به بیرون می‌شوند، مانند هنگام تلفظ کلماتِ فارسیِ «نُو» (noŭ)، «جُو» (ĝoŭ) و «مُو» (moŭ).

چند کلمه‌ی اسپرانتو که دارای این حرف هستند:

واژه	aŭ	ankaŭ	antaŭ	eŭropo	eŭro	ankoraŭ
تلفظ	اَوْ	آنکاوْ	آنتاوْ	اِوْرُپُ	اِوْرُ	آنکُراوْ

هنوز	یورو (واحد پول)	اروپا	قبل از	هم، نیز	یا	معنی

تفاوت حرف v با حرف ŭ

حرف v حرفی بی‌صدا است، که هنگام تلفظ آن دندان‌های بالائی با لب پائین تماس پیدا می کنند، مانند کلمات فارسیِ «وِی» (vej)، «ویرانه» (virane) و «وای» (vaj).

چند کلمه‌ی اسپرانتو که دارای این حرف هستند:

varo	vero	vojo	movo	avo	via	vi	واژه
وارُ	وِرُ	وُیُ	مُوُ	آوُ	وی‌آ	وی	تلفظ
کالا	حقیقت	راه	حرکت	پدربزرگ	مالِ شما/تو	شما، تو	معنی

هِجی کردن کلمات در اسپرانتو

<u>برای هِجی کردن کلمات در اسپرانتو، به صورت زیر عمل می‌کنیم:</u>

کلمه		هجیِ آن		معنی آن
به اسپرانتو	تلفظ آن به فارسی	به اسپرانتو	به فارسی	
estas	اِس‌تاس	e so to a so	اِ سُ تُ آ سُ	هست، است
papero	پاپِرُ	po a po e ro o	پُ آ پُ اِ رُ اُ	کاغذ
muro				دیوار
tablo				میز
amo				عشق

برگشت به فهرست مطالب

درنتیجه، نحوه‌ی خواندن اختصارها نیز به اسپرانتو چنین است:

کلمه‌ی اختصاری		معنی آن	
به اسپرانتو	تلفظ آن به فارسی	به اسپرانتو	به فارسی
k.t.p.	کُ تُ پُ	kaj tiel plu	و غیره
i.a.	ئی آ	inter aliaj	ازجمله
UEA	او اِ آ	Universala Esperanto-Asocio	سازمان جهانی اسپرانتو
BEA	بُ اِ آ	Brita Esperanto-Asocio	انجمن اسپرانتوی بریتانیا
UN	او نُ	Unuiĝintaj Nacioj	سازمان ملل متحد
t.e.	تُ اِ	tio estas	یعنی، آن هست
p.K.	پُ کُ	post Kristo	پس از (میلاد) مسیح، میلادی
a.K.	آ کُ	antaŭ Kristo	پیش از (میلاد) مسیح، قبل از میلاد

تمرین الفبای اسپرانتو: نام حروف را بنویسید و تلفظ کنید

حرف	a	b	c	ĉ	d	e	f	g	ĝ	h
نام حرف	آ	بُ	تسُ	چُ						
حرف	ĥ	i	j	ĵ	k	l	m	n	o	p
نام حرف										

برگشت به فهرست مطالب

حرف	r	s	ŝ	t	u	ŭ	v	z
نام حرف								

حرفِ x به جای کلاه حروف

در جائی که دسترسی به حروف خاص یا کلاه‌دار اسپرانتو وجود ندارد، حرفِ x – که در الفبای اسپرانتو وجود ندارد – را می‌توان به‌جای کلاه حروف کلاه‌دار اسپرانتو، پس از حرف مربوطه قرار داد، به طریق زیر در کلمات فارسی:

ĉ = cx	ŝ = sx	ĵ = jx	ĥ = hx	ĝ = gx	ŭ = ux
aĉar	Ŝohre	Ĵila	ĥane	ĝuĝe	Noŭ
acxar	Sxohre	Jxila	hxane	gxugxe	Noux
آچار	شُهره	ژیلا	خانه	جوجه	نُو

کلماتِ اسپرانتوی زیر را بدون استفاده از حروف کلاه‌دار بنویسید:

کلمه‌ی اسپرانتو	همان کلمه بدون حروف کلاه‌دار (با x)	تلفظ کلمه	معنی کلمه
ĉar	cxar	چار	چون(که)، زیرا
ĉiam		چی‌آم	همیشه
ĝoja		جُیا	شاد(ان)، خوش‌حال
saĝa			باهوش، باخِرد، هوش‌مند
ĵus			لحظه‌ای پیش
aĵo			چیز، شیء
ŝanĝo			تغییر

برگشت به فهرست مطالب

poŝto			پُست
ĥoro	hxoro		(گروهِ) کُر (آوازخوان)
Aĥemenidoj			هخامنشیان
aŭ	aux		یا
ŭato			وات (واحدِ توان)

کلماتِ اسپرانتوی زیر را با استفاده از حروف کلاه‌دار بنویسید (بدون حرف x):

کلمه‌ی اسپرانتو بدون حروف کلاه‌دار (با حرف x)	همان کلمه با حروف کلاه‌دار	تلفظ کلمه	معنی کلمه
cxie	ĉie	چی‌اِ	(در)همه‌جا، هرجا
malacxa		مال‌آچا	زیبا، قشنگ
agxo			سِنّ
logxi			اقامت داشتن
jxurnalo			روزنامه، ژورنال
blankajxo			سفیده
sxanco			شانس، اقبال
posxtisto			پُست‌چی
hxorano			عضوِ (گروهِ) کُر (آوازخوان)
Ahxemeno			هخامنش
auxdi	aŭdi		شنیدن
uxa!			واق! (صدای سگ)

همان‌طورکه گفته شد، در زبان اسپرانتو:

«آکسان همیشه بر روی سیلاب ماقبل‌آخر هر کلمه است».

(قاعده‌ی 10ام اسپرانتو، از 16 قاعده‌ی گرامری آن)

تمرین‌های آکسان: مانند کلمه‌های سطر نخست، زیر سیلاب یا بخشی از هر کلمه را که باید با آکسان یا تکیه ادا شود، خط بکشید و با توجه به آن، به طور صحیح کلمات را تلفظ کنید:

تمرین خواندن کلمات دوسیلابی (آکسان روی سیلاب اول)

estis	estas	estos	finis	finas	finos	fina
ĵeti	ĵeto	ĵetos	ĵetas	ĵetis	ĵetu	kaŭzo
lerni	lernas	lernos	legi	legas	kovri	kovros

تمرین خواندن کلمات سه سیلابی (آکسان روی سیلاب دوم)

instrui	instruis	ekzistas	karega	vortaro	Afabla
Londono	Tehrano	paperoj	prefere	redakti	Signifo
aĉeti	maŝino	panerojn	prepari	regulo	Sinjoro

تمرین خواندن کلمات چهار سیلابی (آکسان روی سیلاب سوم)

instruisto	lernantino	Esperanto	akvoplena	Volapuko	melodio

تمرین خواندن کلمات پنج سیلابی (آکسان روی سیلاب چهارم)

instruistino	televidilo	Esperantisto	vegetarano	aviadilo	lokomotivo
vegetalisto	kapitalismo	Esperantujo	esperantaro	instruistaro	volapukisto

برگشت به فهرست مطالب

3- از فارسی تا ... اسپرانتو

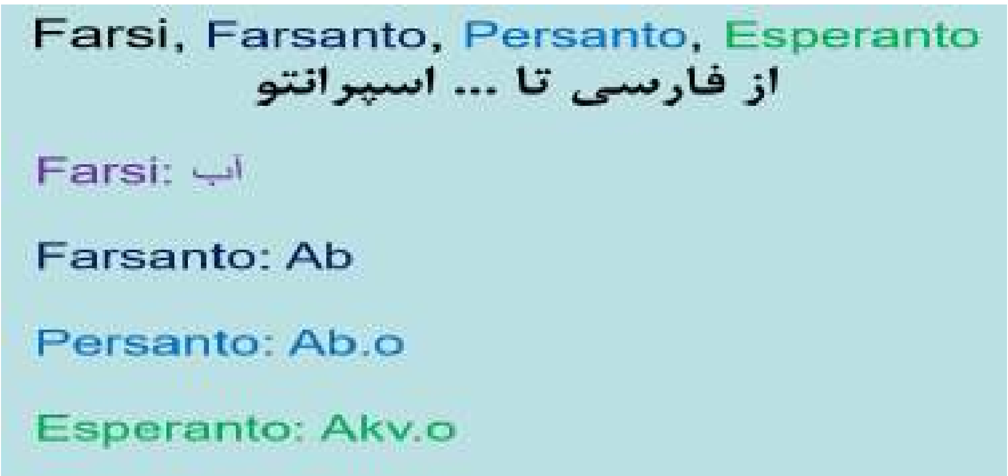

در روش یا متد مورد استفاده در این جزوه، که به زبان فارسی و برای فارسی‌زبانان طراحی شده است، سعی شده تا از زبان فارسی استفاده‌ی حداکثری برای آموزش زبان اسپرانتو بشود. از این رو در ابتدا، برای مسلط شدن کامل بر الفبای اسپرانتو و نحوه‌ی نوشتن و خواندن کلمات و متون آن، ابتدا یاد می‌گیریم که چگونه زبان فارسی را با الفبای اسپرانتو بنویسیم و بخوانیم: «فارسانتو» به‌معنی نوشتن و خواندن زبان فارسی توسط الفبای اسپرانتو است. با مسلط شدن بر فارسانتو، خواندن و نوشتن یا تلفظ و املای واژگان و متون اسپرانتو بسیار ساده خواهد شد، چراکه الفبای اسپرانتو از الفبای فارسانتو بسیار آسان‌تر و ساده‌تر است.

در مرحله‌ی بعد، همراه‌با فراگیری زبان اسپرانتو، از «پِرسانتو» نیز کمک می‌گیریم، که در آن سعی می‌شود از پایانه‌های زبان اسپرانتو در کلمات فارسی استفاده گردد، به ترتیبی که هویت دستوری هر کلمه‌ی فارسی در پرسانتو کاملاً مشخص گردد. برای مثال، همان‌طور که دیدیم، پایانه‌ی اسم در زبان اسپرانتو **o-** است، بنابر این واژه‌ی فارسی «آب» که به فارسانتو «**ab**» نوشته می‌شود، در پِرسانتو (فارسانتو همراه با پایانه‌های اسپرانتو) آن‌را به‌صورت «**ab.o**» می‌نویسم. از کلمات پرسانتو در واقع در اسپرانتو استفاده خواهیم کرد: یعنی اگر معادل اسپرانتوی واژه‌ای فارسی را در مراحل نخست فراگیری اسپرانتو ندانیم، همان کلمه‌ی فارسی را با پایانه‌ی اسپرانتواش می‌نویسیم. و در نهایت، در اسپرانتو، ریشه‌ی مختص «آب» را، که «**-akv**» است، با پایانه‌ی اسم می‌آوریم: «**akv.o**».

به مثال‌های زیر توجه کنید:

برگشت به فهرست مطالب

فارسی	فارسانتو	پرسانتو	اسپرانتو
آوازِ خوب	avaze ĥub	avaz.o ĥub.a	kant.o bon.a
خوب نوشتن	ĥub neveŝtyn	ĥub.e skrib.i	bon.e skrib.i
اِی خوب، بیا!	Ej ĥub bija!	Ej ĥub.o ven.u!!	Ho bon.ul.o, ven.u!

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شکل کلمه‌ی «خوب» در فارسی، هنگامی که به‌عنوان صفت، قید یا حتی اسم به‌کار می‌رود، هیچ تغییری نمی‌کند، ولی در پِرسانتو با بهره‌گیری از پایانه‌های اسپرانتو، هویت دستوری آن کاملاً مشخص می‌شود: در اسپرانتو a- پایانه‌ی صفت، e- پایانه‌ی قید و o- پایانه‌ی اسم است.

نوشتن فارسی با الفبای اسپرانتو: فارسانتو (Farsanto)

از آن‌جاکه در اسپرانتو صدای اَ وجود ندارد، برای نشان دادن این صدا در فارسانتو، به‌طور قراردادی از حرفِ لاتین y – که در الفبای اسپرانتو وجود ندارد – استفاده می‌کنیم:

syrab	pyrynde	syramyd	dyr	sybr	ybr
سَراب	پَرَنده	سَرامَد	دَر	صَبر	اَبر

اَ	Y	آ	A

تمرین فارسانتو:

وَزان	vyzan	عَوض	yvyz	آواز	avaz
دَرس	dyrs	صَد	syd	صاد	sad
	dymavynd		mad		myd
	rysa		anra		ynar

برگشت به فهرست مطالب

nader		nydar		dara	
madyr		mydar		damyn	
Symane		Mystane		Myhsa	
syrdar		syrdyr		sader	
ysyr		asar		syrab	

سه حرف خاص فارسانتو (که در اسپرانتو وجود ندارند)

y	w	q	حروف غیرِ اسپرانتو:
اَ (فتحه)	ع یا ؤ (ایستِ حلقوی[8])	ق، غ	استفاده برای:
نَسترن، اَحمد	مَعشوق، رؤیا	غنیمت، قامت	مثال:
Yhmyd, Nystyryn	rowja, mywŝuq	qamyt, qynimyt	

کلمات فارسانتوی این جدول را به فارسی بخوانید و بنویسید:

zijad	syd	eradi	iman	soŭqat	sur
زیاد	سَد، صَد	اِرادی	ایمان	سُوغات	سور
dadyn	kym	gereftyn	mewmari	dolme	duq
		اتّفاق			
fyravan	kymakan	ettefaq[9]	qir	Sohrab	qoqnus
damdari	dyqiqe	emruz	dirĝuŝ	mordab	bustan
manai	mywni	mandyni	fynanapyzir	qormesybzi	qu

---

[8] ایستِ حلقَوی یا انسدادِ چاکنائی (glota halto aŭ glota plozivo/glottal stop or glottal plosive) که در الفبای بین‌المللی فونتیک با علامت ʔ نشان داده می‌شود.

[9] در فارسانتو به‌جای تشدید، حرف مربوطه را دوبار می‌نویسیم.

برگشت به فهرست مطالب

qafije	ywmal	Symane	hyjati	ewmal	quri
رها	ثمر	صدایت	ویدئو	مرتبط	کوره‌راه
کاه‌دان	اثر	صداقت	این‌طور	زُلف	فولاد
			intoŭr		
عاشق	مَعشوق	عِشق	عشقی	عُشّاق	عاشقانه
(w)aŝeq	mywŝuq	(w)eŝq		(w)oŝŝaq	
ساربان	نوا	ارتباط	گاهی	گنبد	درپوش
عارف	فُوراً	عرفان	دیدنی	عُرف	معروف
(w)aref	foŭryn				
سامانیان	سنندج	بِسامان	دیرینه	عُرفا	پشمینه‌پوش

اشعار زیر را – که سروده‌ی سهراب سپهری است – بخوانید و با الفبای فارسی بنویسید:

Zendegi ĉizi nist, ke lybe taqĉeje adyt, yz jade myno to beryvyd.	
Yz ĉe del-tyng ŝodi? Delĥoŝi-ha kym nist: mysylyn in ĥorŝid, kudyke pysfyrda, kyftyre an-hyfte!	
Ĉe yhymmijjyt daryd, **gah** ygyr mirujynd qarĉ-haje qorbyt?	

برگشت به فهرست مطالب

Vy ĉenan bi-tabym, ke delym miĥahyd bedyvym ta tyhe dyŝt, beryvym ta syre kuh.	
Dur-ha avaist, ke myra miĥanyd.	
Qytre-ha dyr ĝyrijan, byrf byr duŝe sokut, vy zyman ruje sotune fyqyrate gole jas.	
Ta ynari tyryki byr-midaŝt, dyst fyvvareje ĥaheŝ miŝod.	

اشعار زیر را – که از سایه (هوشنگ ابتهاج) و حافظ است – به فارسانتو (فارسی با الفبای اسپرانتو) **بنویسید:**

مژده بده، مژده بده، یار پسندید مرا، آینه در آینه شد: دیدمشُ، دید مرا.	
مژده‌ی وصل تو کو، کز سرِ جان برخیزم، طایرِ قُدسمُ، از دامِ جهان برخیزم.	
در همه دیرِ مغان، نیست چو من شیدائی، جامه جائی گِروی باده و دفتر جائی.	

لطفاً پس از نوشتن پاسخ‌های خود، آن‌ها را با پاسخ‌های زیر مقایسه و تصحیح کنید:	
پاسخ‌ها:	Moĵde bede, moĵde bede, jar pysyndid myra, Ajne dyr ajne ŝod: didymyŝo, did myra.
Moĵdeje vysle to ku, kyz syre ĝan byr-ĥizym, Tajere qodsymo yz dame ĝyhan byr-ĥizym.	Dyr hyme dejre moqan, nist ĉo myn ŝejdai, Ĝame ĝai geroje bade vo dyftyr ĝai.

4- تمرین مفصلِ خواندن واژگان اسپرانتو با آکسان صحیح

خوش‌بختانه تمامی صداها، آواها یا واج‌های زبان اسپرانتو، در زبان فارسی وجود دارند، بنابر این تلفظ کلمات اسپرانتو، برای ما فارسی‌زبانان ممکن و آسان است. فقط تلفظ دو یا چند حرف بی‌صدا در کنار یک‌دیگر در واژه‌های اسپرانتو، شاید در آغاز برای‌مان خیلی آسان نباشد، چرا که در فارسی چنین کلماتی نداریم. چند بار خواندن و تلفظ صحیح کلمات این بخش (مرجحاً با صدای بلند و شمرده)، کمک بسیار زیادی به بهتر و سریع‌تر تلفظ کردن تمامی واژه‌های اسپرانتو می‌کند. البته که در این مرحله، فراگیری معانی همه‌ی این واژگان مد نظر نیست، هرچند انداختن نیم‌نگاهی به معانیِ آن‌ها، فراگیری آن‌ها را در آینده آسان‌تر می‌سازد.

در تمامی کلمات اسپرانتو زیر – و نحوه‌ی تلفظ آن‌ها که به فارسی هم نوشته شده است – بخش یا سیلابی که باید با آکسان (یعنی کمی بلندتر و کمی کشیده‌تر) تلفظ شود، یعنی سیلاب یا بخش ماقبل آخر آن‌ها، با حروف **ضخیم** نوشته شده است):

حرف o و کلماتی دوسیلابی که با آن ساخته می‌شوند:

کلمه دوسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
homo	هُ‌مُ	انسان، بشر
rozo	رُزُ	رز، گل سرخ
mono	مُنُ	پول
robo	رُبُ	پیراهن (زنانه)
oro	اُرُ	طلا
koro	کُرُ	قلب، دل

horo	هُرُ	ساعت (واحد زمان)
dormo	دُرمُ	خواب
pordo	پُردُ	درب

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر

در برخی از کلمات اسپرانتو، دو یا سه حرف بی‌صدا در ابتدای آن‌ها قرار دارد؛ از آن‌جا که چنین امری در هیچ‌یک از کلمات فارسی – و یا عربی – وجود ندارد، در ابتدا شاید تلفظ این‌گونه کلمات برای ما فارسی‌زبانان سخت بنماید، ولی با اندکی تمرین، می‌توان در نحوه‌ی تلفظ این نوع کلمات نیز مهارت لازم را پیدا کرد:

کلمه دوسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ صحیحِ آن	تلفظهای غلط آن	معنی آن
skolto	سْکُلْتُ	اِسکُلْتُ، سِکُلْتُ	پیشاهنگ
stovo	سْتُوُ	اِستُوُ، سِتُوُ	اُجاق
globo	گْلُبُ	گِلُبُ، گُلُبُ	کُره
ŝtono	شْتُنُ	شِتُنُ، اِشتُنُ	سنگ
ŝtormo	شْتُرمُ	شِتُرمُ، اِشتُرمُ	طوفان
ŝtofo	شْتُفُ	شِتُفُ، اِشتُفُ	پارچه
krono	کْرُنُ	کِرُنُ، کُرُنُ	تاج

وجود چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر ممکن است در وسط یا انتهای کلمات اسپرانتو نیز باشد، مانند:

کلمه دوسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ صحیحِ آن	تلفظهای غلط آن	معنی آن
nombro	نُمْبرُ	نُمبِرُ، نُمبُرُ	تعداد
ombro	اُمْبرُ	اُمبِرُ	سایه
ostro	اُسْترُ	اُسترُ	صدف
ostrojn	اُسْترُیْن	اُسترِیْن	صدف‌هارا

برگشت به فهرست مطالب

حرف o و کلمات سه‌سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه سه‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
kol**o**ro	کُلُرُ	رنگ
od**o**ro	اُدُرُ	بو
ord**o**no	اُردُنُ	دستور، امر
mot**o**ro	مُتُرُ	موتور
ŝof**o**ro	شُفُرُ	راننده، شوفر
kom**o**do	کُمُدُ	کُمد
oz**o**no	اُزُنُ	(گازِ) اُزون، اوزون
fosf**o**ro	فُسْفُرُ	فُسفر (عنصر)
kol**o**no	کُلُنُ	ستون
Lond**o**no	لُندُنُ	لندن (پایتخت انگلستان)

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر

کلمه سه‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ صحیحِ آن	تلفظهای غلط آن	معنی آن
kol**o**stro	کُلُسْتْرُ	کُلُسِترُ	آغوز (شیرِ اولِ مادر)

حرف o و کلمات چهار سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه چهارسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
Sol**o**mono	سُلُمُنُ	سلیمان
komod**o**ro	کُمُدُرُ	دریادار (درجه‌ی نظامی)

برگشت به فهرست مطالب

حرف a و کلمات دوسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه دوسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
pano	پان ُ	نان
sako	ساک ُ	ساک، کیسه
sablo	سابل ُ	شِن
akvo	آک و ُ	آب
patro	پات ر ُ	پدر
kanto	کان ت ُ	آواز

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر

کلمه دوسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ صحیحِ آن	تلفظهای غلط آن	معنی آن
branĉo	بْران چ ُ	بِران چ ُ	شاخه، شعبه
frato	فْرات ُ	فِرات ُ	برادر
floro	فْلُر ُ	فِلُر ُ، فُلُر ُ	گُل
planto	پْلان ت ُ	پِلان ت ُ	گیاه
flanko	فْلان ک ُ	فِلان ک ُ	طرف، رو

حرف a و کلمات سه‌سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه سه‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
ba**na**no	بانان ُ	موز
ro**ba**jo	رُبای ُ	رُباعی
o**ran**ĝo	اُران ج ُ	پرتقال

مرغابی، اردک	آناسُ	anaso
رایحه، بوی خوش	آرُمُ	aromo

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر

کلمه سه‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ صحیحِ آن	تلفظهای غلط آن	معنی آن
stomako	سْتُماکُ	اِستُماکُ	معده
fratino	فْراتی‌نُ	فِراتی‌نُ	خواهر

حرف a و کلمات چهارسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه چهارسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
ananaso	آناناسُ	آناناس
aparato	آپاراتُ	دستگاه، آپارات
salamandro	سالامانْدْرُ	سمندر

حرف e و کلمات دوسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی دوسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
revo	رِوُ	رؤیابافی، خیال‌پردازی
vero	وِرُ	حقیقت
tero	تِرُ	زمین
semo	سِمُ	بذر
bebo	بِبُ	نوزاد، کودک

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر

برگشت به فهرست مطالب

کلمه دوسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ صحیحِ آن	تلفظهای غلط آن	معنی آن
ventro	**وِنْ**تْرُ	**وِنْ**تِر	شکم
ekster	**اِکْس**تِر	اِ**کس**تر، اِ**کس**ِتر	خارج (از)
cepo	**تْسِ**پُ	**تِسِ**پ	پیاز
celo	**تْسِ**لُ	**تِسِ**ل	هدف

حرف e و کلمات سه‌سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی سه‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
le**o**no	لِ**اُ**نُ	شیر (حیوان)
le**po**ro	لِ**پُ**رُ	خرگوش صحرائی
pa**se**ro	پا**سِ**رُ	گنجشک
ter-**po**mo	تِر**پُ**مُ	سیب‌زمینی
le**go**mo	لِ**گُ**مُ	تره‌بار (سبزیجات)
ŝor**be**to	شُر**بِ**تُ	سُربِت (دسرِ میوه‌ای یخی)

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یکدیگر

کلمه سه‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ صحیحِ آن	تلفظهای غلط آن	معنی آن
kle**re**co	کْلِ**رِ**تْسُ	کِلِ**رِ**تسُ	روشن‌فکری
tre**ma**do	تْرِ**ما**دُ	تِرِ**ما**دُ	لرزش (مداوم)
ste**le**to	سْتِ**لِ**تُ	اِستِ**لِ**تُ، ستِ**لِ**تُ	ستاره‌ی کوچک
fe**nes**tro	فِ**نِس**تْرُ	فِ**نِس**تِرُ	پنجره
ter-**glo**bo	تِر**گْلُ**بُ	تِر**گِلُ**بُ، تِر**گُلُ**بُ	کُره‌ی زمین

برگشت به فهرست مطالب

Amsterdamo	آمْسْتِرْدامُ	آمِستِردامُ	آمستردام (پایتخت هلند)

حرف e و کلمات چهارسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی چهارسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
Esper**an**to	اِسپِرانتُ	اسپرانتو
tele**fo**no	تِلِفُنُ	تلفن
Inter-**re**to	اینترِرِتُ	اینترنت، شبکه‌ی جهانی

حرف i و کلمات دوسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی دوسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
ilo	ئی‌لُ	وسیله، ابزار
filo	فی‌لُ	(فرزندِ) پسر
viro	وی‌رُ	مَرد
lito	لی‌تُ	تخت‌خواب، بستر
fiŝo	فی‌شُ	ماهی
birdo	بیردُ	پرنده
piro	پی‌رُ	گلابی
ŝipo	شی‌پُ	کَشتی
libro	لیبرُ	کتاب
lipo	لی‌پُ	لَب

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر

معنی آن	تلفظهای غلط آن	تلفظ صحیحِ آن	کلمه دوسیلابیِ اسپرانتو
انگشت	فین‌گِرُ	فینْ‌گْرُ	**fingr**o
قو	تِسیگ‌نُ، سیگ‌نُ	تْسیگ‌نُ	**cign**o
رانندگی کردن، هدایت کردن	اِستی‌ری، سِتی‌ری، سیتی‌ری	سْتی‌ری	**stir**i
دانستن	اِستسی‌ای، سِتسی‌ای، سیتسی‌ای	سْتْسی‌ئی	**sci**i
زبان	لینگ‌وُ	لینْگْ‌وُ	**ling**vo

حرف u و کلمات یک‌سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

تلفظ حرفِ صدادار u دقیقاً مانند تلفظ حرف یا صدای «او»، «عو» یا «و» در کلمات فارسی «او» (ضمیر شخصی)، «عود»، «سود» و «لَبو» است. در جدول زیر با چند واژه‌ی یک‌سیلابیِ اسپرانتو آشنا می‌شویم که با این حرف صدادار ساخته شده‌اند.

معنی آن	تلفظ آن	کلمه‌ی یک‌سیلابیِ اسپرانتو
خُب	نو	nu
رویِ (سطحِ)، رو	سور	sur
زیرِ، تحتِ	سوب	sub
درطولِ، مادامی‌که، درحینِ	دوم	dum
دو، 2	دو	du

حرف u و کلمات دوسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

معنی آن	تلفظ آن	کلمه‌ی دوسیلابیِ اسپرانتو
ابر	نوبُ	**nub**o
خورشید	سونُ	**sun**o
(کُره‌ی) ماه	لونُ	**lun**o
یک	اونو	**un**u

ungo	اونْگُ	ناخن
urso	اورسُ	خرس
lumo	لومُ	نور، روشنائی
hundo	هوندُ	سگ
muso	موسُ	موش
buŝo	بوشُ	دهان، کام
ruĝa	روجا	قرمز، سرخ

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر

کلمه دوسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ صحیحِ آن	تلفظهای غلط آن	معنی آن
ŝnuro	شْنورُ	شِنورُ، اِشنورُ	طناب
blua	بْلوآ	بولوآ، بُلوآ، بِلوآ	آبی (رنگ)
frukto	فْروکْتُ	فوروکْت، فِروکْتُ	میوه، ثَمر
punkto	پونْکْتُ	پونِکْتُ	نقطه، نکته
flugo	فْلوگُ	فِلوگُ، فولوگُ	پرچم، بیرق
plumo	پْلومُ	پِلومُ، پولومُ، پُلومُ	قلم
flari	فْلاری	فِلاری	بو کردن، استشمام کردن
Pluto	پْلوتُ	پُلوتُ، پولوتُ	(سیاره‌ی) پلوتون

حرف u و کلمات سه‌سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی سه‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
urtiko	اورتیکُ	گَزَنه (گیاه)

برگشت به فهرست مطالب

آرنج	کوبوتُ	kubuto
آمریکا، ایالات متحده‌ی آمریکا	اوسُنُ	Usono
ملخ	لُکوسْتُ	lokusto
چشم، دیده	أکولُ	okulo
شماره، نمره	نومِرُ	numero
مِه	نِبولُ	nebulo
توریسم، جهان‌گردی، گردش‌گری	توریسمُ	turismo
توریست، جهان‌گرد، گردش‌گر	توریستُ	turisto
اومامی (پنجمین مَزه)	اومامُ	umamo
کوسَن، بالش	کوسِنُ	kuseno
(سیاره‌ی) ونوس، زُهره	وِنوسُ	Venuso
لاله	تولیپُ	tulipo
جزیره	اینسولُ	insulo
طبیعت	ناتورُ	naturo
لاک‌پشت	تِسْتودُ	testudo
عطر	پارفومُ	parfumo
جوانه	بورجُنُ	burĝono
(سیاره‌ی) نپتون	نِپتونُ	Neptuno

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر

معنی آن	تلفظهای غلط آن	تلفظ صحیحِ آن	کلمه سه‌سیلابیِ اسپرانتو
ساختار	اِسْتْروکْتورُ	سْتْروکْتورُ	strukturo

برگشت به فهرست مطالب

sciuro	سْتْسی‌اورُ	سِتسی‌اورُ، اِستسی‌اورُ	سَنجاب
sputniko	سْپوتْنی‌کُ	اِسْپوتْنی‌کُ	اِسپوتنیک، قمرِ مصنوعی
studento	سْتودِنْتُ	اِسْتودِنْتُ	دانشجو
cunamo	تْسونامُ	تِسونامُ، سونامُ	تسونامی، سونامی

حرف u و کلمات چهارسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی چهارسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
komputilo	کُمْپوتی‌لُ	کامپیوتر، رایانه
utopio	اوتُپی‌اُ	آرمان‌شهر، مدینه‌ی فاضله
respubliko	رِسْپوبْلی‌کُ	جمهوری
umbiliko	اومْبی‌لی‌کُ	ناف

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر

کلمه چهارسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ صحیحِ آن	تلفظهای غلط آن	معنی آن
kuracado	کوراتْسادُ	کوراسادُ	مداوا، شفا(دادن)

حرف u و کلمات پنج‌سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی پنج‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
akupunkturo	آکوپونْک‌تورُ	طبِ سوزنی
arkitekturo	آرکیتِک‌تورُ	معماری
agrikulturo	آگْریکول‌تورُ	کشاورزی
literaturo	لیتِراتورُ	ادبیات
orangutano	اُرانگوتانُ	اورانگوتان

برگشت به فهرست مطالب

دو یا چند حرف بی‌صدا کنار یک‌دیگر

کلمه پنج‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ صحیحِ آن	تلفظ‌های غلط آن	معنی آن
revolu**cio**	رِوُلو**تْسی**اُ	رِوُلو**سی**اُ	انقلاب
kuracis**ti**no	کوراتْسیس**تی**نُ	کوراسیس**تی**نُ	خانم‌دکتر، پزشکِ زن

حرف نیمه‌صدادار ŭ

تلفظ حرفِ نیمه‌صدادار ŭ دقیقاً مانند تلفظ حرف یا صدای «و» در کلمات فارسی «نُو»، «جُو»، «فُوراً» و «سُوغات» است (soŭqat, foŭryn, ĝoŭ, noŭ). در جدول زیر با چند واژه‌ی یک‌سیلابیِ اسپرانتو آشنا می‌شویم که با این حرف صدادار ساخته شده‌اند. همان‌گونه که گفته شد، در این‌جا به‌طور قراردادی برای نشان‌دادن نحوه‌ی تلفظ حرف V به فارسی از حرف «و» و برای نشان‌دادن حرف ŭ از حرف «ؤ» استفاده می‌کنیم.

حرف نیمه‌صدادار ŭ و کلمات یک‌سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی یک‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
naŭ	ناؤ	نُه، 9
aŭ	آؤ	یا
kaŭ	کاؤ	و/یا

حرف نیمه‌صدادار ŭ و کلمات دوسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی دوسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
aŭdi	**آؤ**دی	شنیدن
Miaŭ!	**می**آؤ	میو! میاو! (صدای گربه)
ankaŭ	**آن**کاؤ	هم، نیز، همچنین
antaŭ	**آن**تاؤ	قبل (از)، پیش (از)، جلوی

برگشت به فهرست مطالب

morgaŭ	**مُر**گاؤ	فردا

حرف نیمه‌صدادار ŭ و کلمات سه‌سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی سه‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
Eŭ**ro**po	اِؤ**رُ**پ	اروپا
ho**di**aŭ	هُ**دی**آؤ	امروز
hi**er**aŭ	هی**ئِ**راؤ	دیروز
an**ko**raŭ	آنْ**کُ**راؤ	هنوز، همچنان
ans**ta**taŭ	آنس**تا**تاؤ	(حرف اضافه) به‌جایِ، درعوضِ

حرف نیمه‌صدادار ŭ و کلمات چهارسیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی چهارسیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
Aŭstra**li**o	آؤسْترا**لی**اُ	اُسترالیا
reŭma**tis**mo	رِؤما**تیس**مُ	رُماتیسم
aŭskul**tan**to	آؤسْکول**تان**تُ	شنونده
ansta**ta**ŭe	آنْسْتا**تاؤ**ِ	(قید) به‌جای، درعوضِ
dino**saŭ**ro	دینُ**ساؤ**رُ	دایناسور

حرف نیمه‌صدادار ŭ و کلمات پنج‌سیلابی که با آن ساخته می‌شوند

کلمه‌ی پنج‌سیلابیِ اسپرانتو	تلفظ آن	معنی آن
aŭstrali**a**no	آؤسْترالی**آ**نُ	(فردِ) استرالیائی
eŭropa**na**ro	اِؤرُپا**نا**رُ	اروپائیان
aŭskultan**ta**ro	آؤسکولتان**تا**رُ	شنوندگان
anstataŭ**an**to	آنْسْتاتاؤ**آن**تُ	(شخصِ) جانشین

5– گرامر زبان اسپرانتو

تا این‌جا با خواندن و نوشتن اسپرانتو، به‌گونه‌ای تفصیلی آشنا شدیم و علی‌القاعده دیگر هیچ مشکلی در تلفظ و املای زبان اسپرانتو نخواهیم داشت – چیزی که تصور آن در زبان‌های ملی یا قومی، مانند انگلیسی، فرانسوی، فارسی و غیره، بسیار دشوار است، اگر غیرممکن نباشد.

حال با دستور زبان یا گرامر این زبان آسان و منطقی آشنا می‌شویم، که کل آن مشتمل بر 16 قاعده‌ی بنیادی اسپرانتو است، و تمامی آن‌ها را در طول مطالب همین جزوه می‌آموزیم. متن کامل این قواعد نیز به اسپرانتو و فارسی در قسمت 30 این جزوه آمده است.

آشنائی با چند کلمه			
بودن (مصدر فعل، یا فعل بدون زمان)	est.i**	کی، چه‌کسی (نام یا ضمیر را می‌پرسد)	Kiu?*
بود (فعل زمان گذشته)	est.is***	من	mi
هست (فعل زمان حال)	est.as***	تو، شما	vi
خواهد بود (فعل زمان آینده)	est.os***	او (مونث)	ŝi
		او (مذکر)	li

* در تلفظ صحیح این کلمه دقت کنید: **کی**‌او (نه: **کی**‌یو).

پایانه‌های مصدر و سه زمان ساده‌ی افعال

** پایانه‌ی i-- نشانه‌ی مصدر (یا فعل بی‌زمان) است، مثل:

est.i	بودن، هستن، استن	instru.i	درس دادن	leg.i	خواندن، مطالعه کردن
ven.i	آمدن	lern.i	یاد گرفتن	skrib.i	نوشتن، نگاشتن

*** پایانه‌ی is-- نشانه‌دهنده‌ی فعل زمان گذشته است، پایانه‌ی as-- نمایان‌گرِ فعل زمان حال است و پایانه‌ی os-- علامت فعل زمان آینده است. برای این‌که راحت‌تر در خاطرتان بماند، به حروف صدادار دو کلمه‌ی زیر و ترتیب قرارگرفتن آن‌ها در کنار هم‌دیگر توجه کنید:

Pikaso	**gitaro**
P<u>i</u> k<u>a</u> s<u>o</u>	**g<u>i</u> t<u>a</u> r<u>o</u>**
i a o	**i a o**
is as os	**is as os**
--is --as --os	**--is --as --os**
گذشته حال آینده	**گذشته حال آینده**

چند مثال:

--is	**گذشته**	**--as**	**حال**	**--os**	**آینده**
Mi est.is.	من بودم.	Mi est.as.	من هستم.	Mi est.os.	من خواهم بود.
Mi ven.is.	من آمدم.	Mi ven.as.	من می‌آیم.	Mi ven.os.	من خواهم آمد.
Li lern.is.		Li lern.as.		Li lern.os.	
Vi leg.is.		Vi leg.as.		Vi leg.os.	
	شما نوشتید.		شما می‌نویسید.		شما خواهید نوشت.
	من درس دادم		من درس می‌دهم		من درس خواهم داد

بنابر این، <u>بدون هرگونه استثنائی</u>، برای بیان سه زمان <u>هر فعلی</u> در زبان اسپرانتو از این سه پایانه‌ی آسان بهره می‌گیریم (چیزی که حتی تصور آن در زبان‌های ملی یا قومی، مانند انگلیسی، محال است).

برگشت به فهرست مطالب

توجه: همان‌طور که در بالا ملاحظه شد: در این جزوه، از نقطه (.) برای جداکردن و نشان دادن اجزاء یا «تک‌واژهای» تشکیل‌دهنده‌ی هر کلمه استفاده شده است. تک‌واژها در اسپرانتو شامل ریشه‌ی کلمات، آوندها (پیشوندها و پسوندها)، پایانه‌ها و تک‌ایستاها می‌شوند، که به‌مرور با تمامی آن‌ها در این جزوه آشنا خواهید شد. طبیعی است، که در متون، مجلات و کتاب‌های نوشته شده به زبان اسپرانتو، که جنبه‌ی آموزشی ندارند، احتیاجی به تفکیک و نشان دادن این اجزا نیست.

مکالمه: «شما کیستید؟» Kiu estas vi?

مکالمه

- Mi est.as Yhmydreza. Kiu est.as vi? من هستم احمدرضا. چه‌کسی هستید شما؟

- Mi est.as Saman*. — من هستم سامان.

- Kiu est.as li? — چه‌کسی هست او؟

- Li est.as Saman. — او هست سامان.

- Mi est.as Saman. Kiu estas vi? — من هستم سامان. چه‌کسی هستید شما؟

- Mi est.as Firuze. — من هستم فیروزه.

- Kiu est.as ŝi? — چه‌کسی هست او؟

- Ŝi est.as Firuze. — او هست فیروزه

Kiu? (کی؟ چه‌کسی؟)	- Yhmadreza, Saman, Firuze, … - Mi, vi, ŝi, li, …

تمرین: پاسخ دهید

1- Kiu estas vi? Mi ……

2- Kiu estas ŝi? Ŝi ……

3- Kiu estas li? Li ……

4- Kiu estas mi? Vi …..

سوال با «آیا؟» Ĉu…?

Ĉu…..? (آیا…….؟)	**Jes, ………..**	آری، ……….
	Ne, ………	خیر، ………

برای ساختن جملات پرسشی یا سوالی، که جواب یا پاسخ‌شان «آری» یا «نه» است، کافی است ابتدای جمله‌ی خبری:

1. کلمه‌ی « Ĉu » (به معنیِ «آیا») را قرار دهیم،
2. آخر جمله علامتِ سوال بگذاریم و
3. آن‌را با لحنِ پرسشی بخوانیم

مانند:

آیا من احمدرضا هستم؟	Ĉu mi est.as Yhmydreza?

اگر پاسخ مثبت باشد:

1. نخست، کلمه‌ی «Jes » (به‌معنیِ «آری/بله») را می گوئیم/می‌نویسیم، و پس از آن کاما (،) می‌گذاریم.
2. سپس، جمله‌ی خبریِ پس از Ĉu را می‌گوئیم/می‌نویسیم.
3. در انتهای جمله، نقطه می‌گذاریم.

مانند:

آری/بله، من احمدرضا هستم.	Jes, mi est.as Yhmydreza.

برگشت به فهرست مطالب

اگر پاسخ منفی باشد:

1. نخست، کلمه‌ی «Ne» به‌معنیِ («خیر/نه») را می گوئیم/می‌نویسیم، و پس از آن کاما (،) می‌گذاریم.
2. سپس جمله‌ی خبری پس از Ĉu را – یا گذاشتن ne قبل از فعل آن – منفی می‌کنیم.
3. در انتهای جمله نقطه می‌گذاریم.

مانند:

خیر/نه، من احمدرضا نیستم. من حامد هستم.	Ne, mi ne est.as Yhmydreza. Mi estas Hamed.

منفی کردن افعال و جملات

بنابر این در زبان اسپرانتو برای منفی کردن فعل یا جمله، کافی است کلمه‌ی نَفیِ را قبل از فعل قرار دهیم (این امر برای تمامی زمان‌های فعل مصداق دارد)، مثل:

آینده	--os	حال	--as	گذشته	--is
من خواهم بود.	Mi est.os.	من هستم.	Mi est.as.	من بودم.	Mi est.is.
من نخواهم بود.	Mi ne est.os.	من نیسم.	Mi ne est.as.	من نبودم.	Mi ne est.is.
من خواهم آمد.	Mi ven.os.	من می‌آیم.	Mi ven.as.	من آمدم.	Mi ven.is.
من نخواهم آمد.	Mi ne ven.os.	من نمی‌آیم.	Mi ne ven.as.	من نیامدم.	Mi ne ven.is.
	Li lern.os.		Li lern.as.		Li lern.is.
	Li ne lern.os.		Li ne lern.as.		Li ne lern.is.
	Vi leg.os		Vi leg.as		Vi leg.is

برگشت به فهرست مطالب

	شما نخواندید.		شما نمی‌خوانید.		شما نخواهید خواند.
Vi skribis.	شما نوشتید.		شما می‌نویسید.		شما خواهید نوشت.
Vi ne skribis.					شما نخواهید نوشت.
Mi instruis.	من درس دادم.		من درس می‌دهم.		من درس خواهم داد.
Mi ne instruis.	من درس ندادم.				

درنتیجه می‌بینم که مبحث منفی کردن جملات (با زمان‌های گوناگون)، که در زبان‌هائی مانند انگلیسی فوق‌العاده پیچیده و سخت است (و با استفاده از افعال کمکیِ مثل don’t، didn’t، و won’t ، یا have not، has not و had not، ساخته می‌شوند)، در زبان اسپرانتو بسیار آسان و راحت می‌باشد.

- Ĉu mi est.as Yhmydreza? **آیا من هستم احمدرضا؟**

- Jes, vi est.as Yhmydreza. **آری، شما هستید احمدرضا.**

- Ĉu mi est.as Firuze? **آیا من هستم فیروزه؟**

- Ne, vi <u>ne est.as</u> Firuze. Vi est.as Yhmydreza.

خیر، شما نیستید فیروزه. شما هستید احمدرضا.

تمرین: پاسخ دهید

1- Ĉu vi estas Hymide? Ne, mi …..
2- Ĉu li estas Ybbas? Jes, …….
3- Ĉu mi estas Tomas Alva Edison(o)? …….
4- Ĉu li estas Mahatmo Gandhio? …….
5- Ĉu ŝi estas Oriana Falaĉi? ……

برگشت به فهرست مطالب

روش دوم ساختن سوالاتی که پاسخشان آری، یا خیر است:

1. ابتدا جمله‌ای خبری را می گوئیم (که در باره‌ی آن شک/سوال داریم)
2. پس از آن یک کاما (مَکث) قرار می‌دهیم
3. و در انتها می‌پرسیم «مگه نه؟/آیا نه؟» (, ĉu ne?).

نحوه‌ی پاسخ دادن به این نوع سوالات، مانند روش جواب دادن به سوالات روش نخست است.

……, ĉu ne? (……، آیا نه؟)	Jes, …………	آری، …………
	Ne, ………	خیر، ………

مانند:

Vi estas Firuze, ĉu ne? - Jes, mi estas Firuze. - Ne, mi ne estas Firuze. Mi estas Homejra.	شما فیروزه هستید، مگر نه؟ (اینطور نیست؟) – آری، من فیروزه هستم. – خیر، من فیروزه نیستم. من حُمیرا هستم.

تمرین: پاسخ دهید

1- Vi estas Yhmydreza, ĉu ne? Jes, mi …..
2- Li estas Ybbas, ĉu ne? Ne, li …….
3- Ŝi estas Firuze, ĉu ne? …….
4- Li estas Mahatmo Gandhio, ĉu ne? …….

موارد استفاده از حروف بزرگ

نکات گرامری
⁕ مانند بسیاری از دیگر زبان‌هائی که با الفبای لاتین نوشته می‌شوند، در اسپرانتو نیز، علاوه برحرف اول هر جمله، حرف نخست اسامی خاص نیز (مانند اسامی اشخاص، اماکن جغرافیائی مانند کشورها، شهرها، کوه‌ها، رودخانه‌ها، جنگل‌ها، ...) با حروف بزرگ نوشته می‌شوند، مثل:

برگشت به فهرست مطالب

- **Saman, Dara, Viktoria, Mona, Irano, Francio, Britio, Tehran(o), Parizo Londono, Damavando, Everesto, Karuno, Amazono, …**

آشنائی با چند کلمه				
Kio?	چه‌چیزی، چی، چه (چه‌کاره)		Kiu?	کی، چه‌کسی (که)
pano	نان	→	pan.ist.o*	نانوا
ofico	مقام دفتری/اداری	→	ofic.ist.o	کارمند
poŝto	پُست	→	poŝt.ist.o	پُست‌چی
instru.i	درس دادن	→	instru.ist.o	مدرس، معلم
lern.i	یادگرفتن	→	lern.ant.o**	شاگرد، فراگیرنده، محصل
leg.i	خواندن، مطالعه کردن	→	leg.ant.o	خواننده، مطالعه کننده
skrib.i	نوشتن، نگاشتن	→	skrib.ant.o	کسی که می‌نویسد (نویسنده)
aŭskult.i	گوش‌دادن به	→	aŭskult.ant.o	شنونده، گوش‌کننده

پسوندهای -ist– و -ant–

نکات گرامری
*پسوند -ist– برای ساختن شغل و حرفه به‌کار می‌رود.
** پسوند -ant– برای ساختن فاعل (زمان حال) به‌کار می‌رود.

تمرین یک:

کامل کنید:				
ĝarden.o	باغ		ĝarden.ist.o	باغبان
kudr.i	دوختن	→	kudr.ist.o	
serv.i	خدمت کردن	→		
mar.o	دریا	→		دریانورد
komerc.o	تجارت، بازرگانی	→		
verk.i	تألیف کردن	→		مؤلف، نویسنده
	هنر		art.ist.o	هنرمند
dent.o	دندان	→		دندان‌پزشک
leter.o	نامه	→		نامه‌رسان
makler.i	واسطه‌گری/دلالی کردن	→		
vend.i				فروشنده

تمرین دو:

کامل کنید:				
esper.o	امید	→	esper.ant.o	(فرد، شخصِ) امیدوار
spekt.i	دیدن، تماشا کردن (فیلم، نمایش، ...)	→	spekt.ant.o	(فرد، شخصِ) بیننده، تماشاگر

dorm.i	خواب بودن	→		(فرد/شخصِ در حالِ) خواب، خوابیده
am.o	عشق	→		عاشق
prezid.i	ریاست کردن	→		رئیس (جمهور)
verk.i	تألیف کردن	→		(فرد، شخصِ در حالِ) تألیف کردن
rid.i	خندیدن			(فرد، شخصِ در حالِ) خندیدن
aĉet.i	خریدن	→		خریدار، خریدکننده
help.i		→		کمک‌کننده، یاور
sci.i	دانستن	→		دانا، (داننده)

Ki<u>o</u>?	**--<u>o</u>.**
Ki<u>o</u>?	**lern.ant.<u>o</u>, pan.ist.<u>o</u>, …** **instru.ist.<u>o</u>, poŝt.ist.<u>o</u>, …**

Kio estas vi? «مکالمه: «چه‌کاره‌اید؟

مکالمه
Mi estas instru.ist.o. Kio estas vi? **- Mi estas lern.ant.o.** **- Kio estas li?**

- Li estas lern.ant.o.

- Kio estas Kejvan?

- Li estas poŝt.isto.

- Kio estas Ymir?

- Ymir estas ofic.isto.

تمرین: پاسخ دهید

1- Kio estas vi? Mi …..

2- Kio estas mi? Vi ……

3- Kiu estas poŝtisto?

4- Kiu estas oficisto?

5- Kiu estas lernanto?

6- Kiu estas instruisto?

7- Ĉu vi estas poŝtisto?

8- Ĉu mi estas panisto?

9- Ĉu vi estos instruisto?

10- Ĉu vi estos pianisto?

آشنائی با چند کلمه				
kaj	وَ		aŭ	یا
lern.ant.o	شاگرد، محصل	→	lern.ant.in.o*	شاگرد، محصل (مونث)
instru.ist.o	معلم	→	instru.ist.in.o	خانم‌معلم
vir.o	مرد	→	vir.in.o	زن
ĉeval.o	اسب	→	ĉeval.in.o	مادیان

برگشت به فهرست مطالب

kok.o	خروس	→	kok.in.o	مرغ
palm.o	نخل	→	palm.in.o	نخل ماده/مونث

نکات گرامری
* پسوند -in-- برای مونث (ماده) کردن انسان، حیوان و گیاه به‌کار می‌رود.

تمرین: جدول زیر را کامل کنید

pian.ist.o	پیانیست، پیانونواز	→	pian.ist.in.o	خانمِ پیانیست یا پیانونواز
ofic.ist.o	کارمند	→	ofic.ist.in.o	خانم کارمند
poŝt.ist.o		→		خانم پست‌چی
prezid.ant.o		→		خانم رئیس(جمهور)
vend.ist.o		→		خانم فروشنده
aĉet.anto		→		خانم خریدار
ĝarden.ist.o		→		خانم باغبان
knab.o		→		دختر
av.o		→		مادربزرگ
kunikl.o	خرگوش	→		خرگوشِ ماده
kanari.o	قناری	→		
paser.o	گنجشک	→		

تمرین: پاسخ دهید

1- Ĉu vi estas lernanto kaj instruisto?
2- Ĉu vi estas lernanto kaj oficisto?
3- Ĉu vi estas lernanto aŭ lernantino?
4- Ĉu mi estas instruisto aŭ instruistino?
5- Ĉu Gandhio estis viro aŭ virino?
6- Ĉu li estis instruisto?
7- Ĉu vi estos instruisto?
8- Ĉu lernanto estos instruisto?

مکالمه
- Kio estas ŝi?
- Ŝi estas lern.ant.in.o.
- Ĉu mi estas instru.ist.o?
- Jes, vi estas instru.ist.o.
- Ĉu mi estas lern.anto?
- Ne, vi ne estas lern.anto. Vi estas instru.ist.o.

آشنائی با چند کلمه				
elefant.o	فیل		hund.o	سگ
seĝ.o	صندلی		tabl.o	میز
mur.o	دیوار		kat.o	گربه
skrib.il.o*	قلم		telefon.o	تلفن
pord.o	درب		fenestr.o	پنجره
arb.o	درخت		flor.o	گُل

kio?	چه‌چیزی؟، چه؟، (چی؟)	→	tio	آن‌چیز/امر، آن

پسوند ابزار -il–

*پسوند -il– برای ساختنِ اسمِ «ابزار» یا «وسیله‌ی انجام کار» به‌کار می‌رود، مثل:

skrib.i	نوشتن، نگاشتن	→	skrib.il.o	قلم (هر وسیله‌ی نوشتن)
glad.i	اُتو کردن	→		اُتو
fajf.i	سوت زدن	→		
kurac.i	مداوا کردن	→		دَوا، دارو
komb.i	شانه کردن	→		
lud.i	بازی کردن	→		
tond.i	قیچی کردن	→		
tranĉ.i	بریدن	→		چاقو، کارد
pes.i	وزن کردن	→		
pez.i	وزن داشتن	→		وزنه

Kio estas tio? «آن چیست؟» :مکالمه

مکالمه	
- Kio estas tio? **- Tio estas tablo.**	

برگشت به فهرست مطالب

- Ĉu tio estas tablo? - Ne, tio ne estas tablo. Tio estas seĝo.	
- Ĉu tio estas seĝo? - Jes, tio estas seĝo.	
- Kio estas tio? - Tio estas tablo kaj seĝo.	

تمرین: پاسخ دهید

- Kio estas tio? - Tio estas …. - Ĉu tio estas tablo? - Ĉu tio estas hundo? - Ĉu tio estis arbo?	
- Ĉu tio estas elefanto? - Ne, tio ne estas … - Ĉu tio estas arbo? - Kio estas tio?	
- Ĉu tio estas hundo? - Ne, tio ne estas … - Ĉu tio estas pordo? - Kio estas tio?	

برگشت به فهرست مطالب

آشنائی با چند کلمه				
حرف تعریفِ مُعیّن (با تسامح: این، آن)	la*		چگونه (دارای چه صفتی)	Kia?
بد	mal.bon.a**	→	خوب، نیک، نیکو	bon.a
کوچک، خُرد	mal.grand.a	→	بزرگ، عظیم	grand.a
کوتاه، پَست	mal.alt.a	→	بلند، مرتفع	alt.a
زشت	mal.bel.a	→	زیبا	bel.a

6– حرف تعریف La

نکات گرامری

*هر اسمی که با این حرف تعریفِ مُعیّن بیابد، مَعرفه، مشخص یا معین است، و اگر بدون آن باشد، نکره، نامشخص یا نامعین است؛ بنابر این در اسپرانتو احتیاجی به وجودداشتن حرف تعریفِ نامعین (مثل a و an در انگلیسی) نیست، مثل:

میز، آن میز، این میز (مشخص)	la tabl.o	→	میزی، یک میزی، یک میز (نامشخص)	tabl.o
پرنده، آن پرنده، این پرنده (معیّن)	la bird.o	→	پرنده ای، یک پرنده‌ای، یک پرنده (نامعیّن)	bird.o

به‌عبارت دیگر، در زبان اسپرانتو حرف تعریفِ نامعین، یا «حرف تَنکیر» وجود ندارد و صِرفِ فقدانِ حرف تعریف مُعیّن (la)، نشان‌دهنده‌ی نامعین یا نکره بودن اسمِ مربوطه است.

** پیشوند - --mal برای ساختن کلمه‌ی متضاد (مخالف) به‌کار می‌رود: بدون هرگونه استثنائی در مورد هر صفت، اسم، قید، فعل و ...

پیشوندِ - --mal

تمرین برای پیشوند - --mal:

	mal.larĝ.a	→	پَهن، عریض	larĝ.a
		→	طولانی، طویل، دراز	long.a

util.a	سودمند، مفید	→		
akcept.i	پذیرفتن، قبول کردن	→		
plen.a	پُر، کامل	→		
amik.o	دوست، رفیق	→		
lum.o	نور، روشنائی	→		
	گَرم	→	mal.varm.a	سرد
laŭd.i	تحسین کردن	→		تقبیح/نِکوهش کردن
prosper.i	کام‌یاب بودن/شدن	→		ناکام بودن/شدن

مقایسه‌ی پیشوندِ - --mal با انگلیسی

یکی از دلایل بزرگ آسان و در عین حال، غنی بودن زبان اسپرانتو این است که هر آوندی را با هر ریشه‌ای می‌توان ترکیب کرد، درصورتی که در زبان‌های قومی/ملی چنین نیست. برای نمونه، در اسپرانتو برای ساختن متضاد هر کلمه‌ای می‌توان از این پیش‌وند (- --mal) بهره گرفت، چه کلمه‌ی مورد نظر اسم باشد، چه صفت، چه قید، چه فعل و حتی چه حرف اضافه. ولی در زبان‌های قومی مانند انگلیسی و فارسی پیشوندهای متعددی برای این منظور وجود دارند و در اکثر مواقع هر کلمه را تنها با یکی از آن‌ها می‌توان به‌کار برد و چنان‌چه از بقیه‌ی پیش‌وندها استفاده کنیم، واژه‌ی ساخته شده غلط محسوب می‌گردد. مانند:

چند پیش‌وند انگلیسی برای متضاد ساختن	کلمات متضاد صحیح با این پیش‌وند	برخی از کلمات متضاد ناصحیح با این پیش‌وند		
un-	unhappy	unlead	unvisible	unregular
mis-	mislead	mishappy	mispossible	mislogical

برگشت به فهرست مطالب

dis-	dislike	diskind	disvisible	dispossible
in-	invisible	inhappy	inlike	inpossible
ir-	irregular	irlogical	irpossible	irhappy
im-	impossible	imhappy	imlike	imlogical
il-	illogical	illike	ilhappy	ilpossible

و این در حالی است، که در زبان انگلیسی برای متضاد ساختن تعداد بسیار زیادی از واژه‌ها هیچ‌یک از پیش‌وندهای متضادساز قابل استفاده نیستند و باید کلمه‌ای کاملا جداگانه را آموخت، مانند:

چند مثال از واژه‌های انگلیسی که متضاد آن‌ها قابل فراساختن با آوندها نیست	متضاد صحیح این واژه بدون استفاده از ریشه‌ی آن و پیش‌وندی متضادساز	برخی از متضادهای ناصحیح این کلمه با پیش‌وندهای متضادکننده‌ی انگلیسی		
good	bad	ungood	imgood	misgood
beautiful	ugly	unbeautiful	irbeautiful	ilbeautiful
big	small	disbig	unbig	imbig
light	dark	inligh	imlight	illight

برگشت به فهرست مطالب

تفاوتِ نَفی با تضاد (- --ne با - --mal)

به تفاوت چشم‌گیر نفی (- --ne) با تضاد (- --mal) همیشه توجه داشته باشیم:

مثبت		منفی/نفی		متضاد/تضاد	
util.a	سودمند، مفید	ne.util.a	ناسودمند، غیرمفید، بی‌فایده	mal.util.a	مُضر، زیان‌آور، زیان‌مند
plen.a	پُر	ne.plen.a	ناپُر (نیمه‌پر، قدری پر)	mal.plen.a	خالی
amik.a	دوست، دوستانه	ne.amika	نادوست، غیردوستانه	mal.amik.a	دشمن، دشمنانه
lum.as	روشن است	ne lumas	روشن نیست	mal.lum.as	تاریک است
laŭd.as	تحسین می‌کند	ne laŭd.as	تحسین نمی‌کند	mal.laŭd.as	تقبیح/نکوهش می‌کند
prosper.as	کام‌یاب است/پیش‌رفت می‌کند	ne prosper.as	کام‌یاب نیست، پیش‌رفت نمی‌کند	mal.prosper.as	ناکام است، پَس‌رفت می‌کند

یکی از دلائلی، که گفته می‌شود فراگیری زبان اسپرانتو به منطقی‌تر فکرکردن و صحیح‌تر نوشتن کمک می‌کند، وجود چنین تمایزات مهم به‌صورت بصری و مشهود است.

- Ĉu ĝi estas seĝo?

- Ne, ĝi ne estas seĝo. Ĝi estas tablo.

- Kia estas la tablo?

- La tablo estas alta/granda /bela/bona/...

- La tablo estas mal.alta/mal.granda/mal.bela/mal.bona/...

تمرین: پاسخ دهید

- Kio estas tio? - Tio estas hundo. - Kia estas tio? - Tio estas bela.	
- Kio estas tio? - Tio ….. - Kia estas tio? - Tio ……	
- Ĉu tio estas alta? - Ĉu tio estas bela?	

آشنائی با چند کلمه			
salut.o.n*	سلام(را) {به شما می گویم)	dank.o.n	تشکر(را) {به شما می گویم)
kiel	چطور، به چه ترتیب	ankaŭ	هم، هم‌چنین، نیز
fart.i	گذراندن (احوال)	nov.a	نُو، جدید
Kiel vi fart.as?	حالتان چطور است؟	nov.aĵ.o***	خبر (چیز تازه)
bon.e**	بخوبی، خوب (قید)	parol.i	صحبت کردن، حرف زدن
tre	خیلی	baldaŭ	به‌زودی
kun	با، همراهِ(با)	tag.o	روز
lingv.o	شروع کردن	Bon.a.n tago.n!	روز خوبی را (برای‌تان آرزو می‌کنم)!

* پایانه‌ی **n-** نشان‌دهنده‌ی «مفعول مستقیم یا مفعول بی‌واسطه» است که در فارسی با «را» بیان می‌شود.

برگشت به فهرست مطالب

در «!Salut.o.n» بقیه‌ی جمله، که این بوده است: «!Mi dir.as al vi salut.o.n» («من می‌گویم به شما سلام‌را») حذف شده است. در مورد «!Dank.o.n»، و دیگر موارد مشابه، نیز همین‌طور است.

**** پایانه‌ی e- نشان‌دهنده‌ی «قید» است. مانند:**

صفت (a-)	قید (e-)	صفت (a-)	قید (e-)	صفت (a-)	قید (e-)
bon.a	**bon.e**	**rapid.a**	**rapid.e**	**bel.a**	**bel.e**
خوب، نیک	به‌خوبی، خوب	سریع	به‌سرعت، سریع	زیبا، قشنگ	به‌زیبائی، زیبا
bon.a patr.o	bon.e parol.i	rapid.a trajn.o	rapid.e ir.i	bel.a flor.o	bel.e kant.i
پدر خوب	به‌خوبی/خوب حرف زدن	قطار سریع(السِیر)	به‌سرعت/سریع رفتن	گلِ زیبا/ قشنگ	به‌زیبائی/ زیبا آواز خواندن

همان‌طور که **صفت** برای (**وصف** کردنِ) اسم استفاده می‌شود، **قید** هم برای (**مقیّد** ساختنِ) فعل استفاده می‌گردد.

***** پسوند -aĵ– برای ساختن اسم ذات (از اسم معنی) به‌کار می‌رود و معنی کلمه را به «چیزی» ملموس و فیزیکی تبدیل می‌کند، مانند:**

معنی	اسم ذات	معنی	اسم ذات
blank.o	**blank.aĵ.o**	**bel.a**	**bel.aĵ.o**
سفیدی، سپیدی	چیزی سفید، سفیده(ی چشم یا تخم‌مرغ)	زیبا، قشنگ	چیزی زیبا، زیبائی
konstru.i	**konstru.aĵ.o**	**nov.a**	**nov.aĵ.o**
ساختن، بنا کردن	ساختمان، بنا (چیزی که ساخته/بنا شده)	نُو، جدید	چیزی نو/جدید، خبر

مکالمه
- **Saluton Mina! Bonan tagon!**
o **Saluton Sara, bonan tagon. kiel vi fartas?**
- **Dankon, mi fartas bone. Kiel vi fartas?**

برگشت به فهرست مطالب

o Ankaŭ mi fartas bone, dankon. Kian nov.aĵ.on (vi havas)? - Ankaŭ Giti lernas Esperanton. o Ĉu vere? Tre bone. Baldaŭ ni parolos Esperante ankaŭ kun ŝi.

همان‌طور که مشاهده شد، کلمه‌ی **ankaŭ** (برخلاف کلمه‌ی مترادف فارسی آن، یعنی «هم» یا «نیز») قبل از واژه‌ای قرار می‌گیرد، که می‌خواهیم روی آن اثر کند (نه پس از آن):

Ankaŭ ŝi vidis vin.	او هم دید شما را. او هم شما را دید. (علاوه یر دیگران که شما را دیدند)
Ŝi vidis ankaŭ vin.	او دید شما را هم. او شما را هم دید (علاوه بر کسان دیگری که دیده بود)
Ŝi ankaŭ vidis vin.	او همچنین دید شما را. (علاوه بر اینکه شنید شما را)

با کلمات دیگری که دارای این ویژگی هستند – یعنی محل قرارگیریِ آن‌ها در جمله تعیین کننده است – در قسمت 1-11 آشنا خواهیم شد.

تمرین: پاسخ دهید

1- Kiel vi fartas?
2- Ĉu vi fartas bone?
3- Ĉu vi parolas Esperanton?
4- Ĉu vi parolas Esperanton bone?
5- Ĉu vi lernis Esperanton?
6- Ĉu vi baldaŭ (*bezudi*) parolos Esperanton bone?
7- Ĉu vi parolas kun (*ba*) mi Esperante?
8- Ĉu Esperanto estas bela lingvo (*zyban*)?

برگشت به فهرست مطالب

7- اسم و صفت

از آن‌جا که اسم بیش‌ترین نوع کلمه است که در تمامی زبان‌ها به‌کار می‌رود، و تشخیص آن از صفت در زبان‌های ملی یا قومی، مانند فارسی و انگلیسی گاه آسان نیست، در زیر ابتدا به روش تشخیص آن می‌پردازیم.

روش تشخیص اسم و صفت در فارسی

1- در فارسی، انگلیسی و اسپرانتو قبل از اسم می‌توان کلمات «این» یا «آن» را گذاشت، ولی قبل از صفت نمی‌توان:

اسم‌ها (صحیح): این خانه	آن خانه	این خوبی	آن خوبی
صفت‌ها (ناصحیح): این بلند	آن بلند	این خوب	آن خوب

2- کلمه‌ای را که بتوان در جمله‌ی زیر به‌جای «اسم» گذاشت، و جمله‌ی صحیحی داشت، آن کلمه، اسم است، نه صفت. من اسم را دوست دارم.

مثل:

من حسام را دوست دارم. من ایران را دوست دارم. من اسپرانتو را دوست دارم. من خانه را دوست دارم. من خوبی را دوست دارم. من زیبائی را دوست دارم. من مطالعه را دوست دارم. من نوشتن را دوست دارم.

اما کلمات رنگیِ زیر چون در جملات زیر، جمله‌های صحیحی نمی‌سازند، اسم نیستند و صفت می‌باشند:

من خوب را دوست دارم. من بلند را دوست دارم. من زشت را دوست دارم. من زیبا را دوست دارم. من خواندنی را دوست دارم. من بزرگ را دوست دارم. من شفاهی را دوست دارم. من کتبی را دوست دارم.

3- صفت همواره با اسم می‌آید و یکی از ویژگی‌های آن‌را بیان می‌کند، مانند:

انسانِ خوب	درختِ بلند	کلمه‌ی زشت	گلِ زیبا	کتابِ خواندنی
خانه‌ی بزرگ	امتحانِ شفاهی	ارتباطِ کتبی		

4- کلماتی را که بتوان به‌جای بزرگ در جمله و/یا عبارت زیر قرار داد و معنی‌ای منطقی برای آن جملات و/یا عبارات قائل شد، صفت هستند:

خانه بزرگ است/نیست.

خانه‌ی بزرگ

مانند:

خانه زیبا است/نیست. خانه‌ی زیبا

خانه خوب است/نیست. خانه‌ی خوب

خانه کوچک است/نیست. خانه‌ی کوچک

5- در فارسی (همانند انگلیسی و اسپرانتو) اسم قابل جمع بستن است:

فارسی		انگلیسی		اسپرانتو	
مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع
خانه	خانه‌ها	house	houses	domo	domoj
درخت	درختان	tree	trees	arbo	arboj
خوبی	خوبی‌ها	goodness	goodnesses	bono	bonoj

ولی در فارسی (و انگلیسی) صفت هیچ‌گاه جمع بسته نمی‌شود (در حالی که در اسپرانتو چنان‌چه اسم (موصوف) جمع باشد، صفت آن نیز جمع بسته می‌شود):

فارسی		انگلیسی		اسپرانتو	
مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع
حیوان خانگی	حیوانات خانگی	domestic animal	domestic animals	doma besto	domaj bestoj
خانه‌ی درختی	خانه‌های درختی	tree house	tree houses	arba domo	arbaj domoj
انسان خوب	انسان‌های خوب	good man	good men	bona homo	bonaj homoj

* همان‌طور که خواهیم دید، جمع بسته شدن صفت در زبان اسپرانتو (که در یکی از قواعد 16گانه‌ی آن گفته شده است)، کمک بزرگی به تدقیق و انعطاف‌پذیری ساخت جملات، به‌ویژه در نثر ادبی و شعر، کرده است.

شکل ظاهریِ اسم در فارسی، انگلیسی و اسپرانتو

همان‌طور که می‌دانیم، در فارسی (و یا انگلیسی) از ظاهر و شکل کلمه، نمی‌توان متوجه شد که آن کلمه، اسم است یا خیر. ولی در زبان اسپرانتو تمامی اسامی به حرف o– ختم می‌شوند:

اسم در اسپرانتو

در زبان اسپرانتو، اسم همیشه به پایانه‌ی o-- ختم می‌شود، مانند:

سیب	pom.o	طوطی	papag.o	آناناس	ananas.o
گُل	flor.o	درخت	arb.o	پیک‌نیک	piknik.o
پرتقال	oranĝ.o	خورشید	sun.o	پرنده	bird.o
نارنگی	mandarin.o	عشق	am.o	انسان	hom.o

برگشت به فهرست مطالب

pir.o	گلابی		tabl.o	میز		klas.o	کلاس
kukum.o	خیار		seĝ.o	صندلی		kanari.o	قناری
frukt.o	میوه		vir.o	مرد		lun.o	ماه

همان‌طور که می‌دانیم، در فارسی (و یا انگلیسی) از ظاهر و شکل کلمه، نمی‌توان متوجه شد که آن کلمه صفت است یا خیر. ولی در زبان اسپرانتو تمامی صفت‌ها به حرف **a–** ختم می‌شوند:

صفت در اسپرانتو

در زبان اسپرانتو، صفت همیشه به a-- ختم می‌شود، مثل:

bon.a	خوب		bel.a	زیبا		oranĝ.a	نارنجی
grand.a	بزرگ		mal.bel.a	زشت		blu.a	آبی
mal.grand.a	کوچک		alt.a	بلند، مرتفع		blank.a	سفید
afabl.a	مهربان		mal.alt.a	کوتاه		mol.a	نرم
mal.afabl.a	نامهربان		flav.a	زرد		mal.mol.a	سفت، سخت
lun.a	قَمَری		ruĝ.a	قرمز		lum.a	روشن
sun.a	خورشیدی		am.a	عشقی		hom.a	انسانی
dolĉ.a	شیرین		acid.a	تُرش		bon.gust.a	خوش‌مزه

تمامی کلمات جدول فوق را – با برداشتن پایانه‌ی صفت (a--) و گذاشتن پایانه‌ی اسم (o--) به‌جای آن، می‌توان تبدیل به اسم کرد.

برعکس، به‌همین ترتیب، می‌توان تمامی کلمات جدول قبلی را از اسم به صفت تبدیل کرد.

برگشت به فهرست مطالب

صفت و موصوف (اسم): o-- a–

bon.a ananas.o	آناناسِ خوب
grand.a hom.o	انسانِ بزرگ
mal.grand.a bird.o	پرنده‌ی کوچک
afabl.a hom.o	انسان مهربان
alt.a arb.o	درخت بلند/مرتفع

خاصیت جابجائی صفت و موصوف

به برکت وجود پایانه‌های اسم و صفت در زبان اسپرانتو، جای اسم و صفت را می‌توان همیشه تغییر داد، بدون آن‌که خدشه‌ای به معنا یا صحت گرامری آن‌ها وارد شود، مانند:

bon.a ananas.o = ananas.o bon.a	آناناسِ خوب
grand.a hom.o = hom.o grand.a	انسانِ بزرگ
mal.grand.a bird.o = bird.o mal.grand.a	پرنده‌ی کوچک
afabl.a hom.o = hom.o afabl.a	انسان مهربان
alt.a arb.o = arb.o alt.a	درخت بلند/مرتفع

ولی: تغییر پایانه = تغییر معنی

اما چنان‌چه پایانه‌ی اسم و صفت را تغییر دهیم، در واقع هویت دستوری آن‌ها را تغییر داده‌ایم و درنتیجه، معنی آن‌ها نیز تغییر می‌کند، مانند:

bon.a ananas.o	آناناسِ خوب	→	ananas.a bon.o	خوبیِ آناناس
grand.a hom.o	انسانِ بزرگ		hom.a grand.o	بزرگی/عظمتِ انسان
mal.grand.a bird.o			bird.a malgrand.o	
afabl.a hom.o			hom.a afabl.o	
alt.a arb.o			arb.a alt.o	

به سوالات زیر پاسخ دهید:

1- Ĉu pomo estas blua? – Ne, pomo ne estas blua. Pomo estas ruĝa.

2- Ĉu piro estas ruĝa?

3- Ĉu ananaso estas floro?

4- Ĉu kanario estas frukto?

5- Kio estas pomo?

6- Kia estas pomo?

7- Kio estas oranĝo?

8- Kia birdo estas kanario?

9- Ĉu kukumo estas blanka birdo?

10- Kio estas mandarino?

11- Kia frukto estas mandarino?

برگشت به فهرستِ مطالب

جمع بستن اسم

در زبان اسپرانتو، برای جمع بستن اسم، همیشه از پایانه‌ی j-- (یُ) استفاده می‌شود، مانند:

ananas.o.j	آناناس‌ها		papag.o.j	طوطی‌ها		pom.o.j	سیب‌ها
piknik.o.j	پیک‌نیک ها		arb.o.j	درختان		flor.o.j	گُل‌ها
bird.o.j	پرنده‌ها		sun.o.j	خورشیدها		oranĝ.o.j	پرتقال‌ها
hom.o.j	انسان‌ها		am.o.j	عشق‌ها		mandarin.o.j	نارنگی‌ها

برخلاف فارسی و انگلیسی، در زبان اسپرانتو، صفت نیز جمع بسته می‌شود:

مطابقت پایانه‌های صفت با موصوف

در زبان اسپرانتو، (برخلاف فارسی و انگلیسی) همیشه پایانه‌ی صفت باید با پایانه‌ی اسم (موصوف) مطابقت داشته باشد – یعنی وقتی‌که اسم، مفرد است، صفتِ آن نیز مفرد است، و هنگامی که اسم، جمع است، صفت آن نیز جمع بسته می‌شود. مانند:

bird.o grand.a	پرنده‌ی بزرگ	→	grand.a.j bird.o.j	پرنده‌های بزرگ(ها)
mal.grand.a arb.o	درخت کوچک		mal.grand.a.j arb.o.j	درخت‌های کوچک(ها)
grand.a am.o	عشق بزرگ	→		عشق‌های بزرگ(ها)
alt.a arb.o	درختِ بلند			درخت‌های بلند(ها)

جاهای خالی را با پایانه/کلمات مناسب پُر کنید:

ruĝ.... pom.o	سیب قرمز		ruĝ.... pom.o.j	سیب‌های قرمز(ها)

برگشت به فهرست مطالب

گُل زیبا	bel…. flor.o		گُل‌های زیبا(ها)	bel…. flor.o.j
پرتقال‌های بزرگ(ها)	grand…. oranĝ.o.j		پرتقال بزرگ	grand…. oranĝ.o
نارنگیِ نرم	mol…. mandarin.o		نارنگی‌های نَرم(ها)	mol…. mandarin.o.j
میزهای آبی	blu…. tabl….		میزِ آبی	blu…. tabl….
عشقِ شیرین	dolĉ…. am….		عشق‌های شیرین	dolĉ…. am….
نارنگی‌های شیرین			نارنگیِ شیرین	
قناریِ زرد			قناری‌های زرد	

مضاف و مضاف‌الیه

تفاوت صفت و موصوف با مضاف و مضاف‌الیه این است، که در مضاف و مضاف‌الیه هیچ صفتی وجود ندارد و درواقع ترکیبی از دو اسم – و یا یک اسم و یک ضمیر – است.

برای بیان مضاف و مضاف‌الیه – یا ترکیبِ اضافی – در زبان اسپرانتو از حرف اضافه‌ی **de** استفاده می‌شود، که مانند کسره‌ی اضافه (ـِ) در فارسی است، مانند:

اتومبیلِ او	aŭto(mobilo) de li		کتابِ پدر	la libr.o de la patro
آوازِ پرندگان	la kant.o de la bird.oj		قصرِ پادشاه	la palac.o de la reĝ.o
نبوغِ دکتر زامِنهوف	la geni.o de doktoro Zamenhof		عشقِ مادر (به فرزندانش)	la am.o de la patr.in.o
مشکل‌بودنِ/سختیِ انگلیسی	la mal.facil.eco de la angl.a		آسانیِ اسپرانتو	la facil.ec.o* de Esperanto

* پسوند **-ec--** اسم ذات را به اسم معنی تبدیل می‌کند، یعنی چیزی ملموس را به امری ناملموس تغییر می‌دهد (کاملاً برخلاف پسوند **-aĵ--**، که اسم معنی را به اسم ذات تبدیل می‌کند)، مانند:

برگشت به فهرست مطالب

اسم معنی	اسم ذات	اسم معنی	اسم ذات
hom.ec.o	**hom.o**	**amik.ec.o**	**amik.o**
انسانیت	انسان	دوستی، رفاقت	دوست، رفیق
vir.ec.o	**vir.o**	**infan.ec.o**	**infan.o**
مردی، مردانگی	مرد	کودکی، بچگی	کودک، بچه

پسوند -ec-- و پسوند -aĵ-- را – مانند تمامی پسوندهای اسپرانتو – به‌تنهائی نیز، یعنی بدون ریشه‌ی کلمه، و تنها با پایانه یا پایانه‌های مختلف، می‌توان به کار برد:

قید	صفت	اسم جمع	اسم مفرد
ec.e	**ec.a**	**ec.o.j**	**ec.o**
ذاتاً	ذاتی	ذات‌ها، خصوصیات، ویژگی‌ها	ذات، ویژگی، خصوصیت
aĵ.e	**aĵ.a**	**aĵ.o.j**	**aĵ.o**
مثلِ شیء، شیئاً!	شیئی	چیزها، اشیاء	چیز، شیء

سه نوع ترکیب در اسپرانتو، فارسی و انگلیسی

در ساختن واژه‌ها و عبارت‌ها، کلاً سه نوع ترکیب وجود دارد:

1- ترکیب وصفی (صفت و موصوف): مانند "پدرِ خوب" (یک اسم + یک صفت): (la bona patro)، (the good father)

2- ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): مانند "پدرِ مونا" (یک اسم + یک اسم): (la patro de Mona)، (the father of Mona)

3- ترکیب پیوندی (چسبانشی): مانند "سیب‌زمینی" (یک اسم + یک صفت یا اسم): (la ter.pomo)، (potato). در این‌گونه ترکیب، طبق یکی از قواعد 16گانه‌ی اسپرانتو، همیشه بخش اصلیِ ترکیب، در انتهای کلمه‌ی ترکیبی قرار می‌گیرد:

la ter.<u>pomo</u> (<u>سیب</u>زمینی)

la pom.<u>tero</u> (<u>زمینِ</u> (کاشتِ) سیب)

برگشت به فهرست مطالب

تمرین: هر سه نوع ترکیب را برای عبارات زیر بنویسید:

عبارت	وصفی	اضافی	پیوندی
خانه‌ی پدر	la patra domo	la domo de la patro	la patr(o).domo*
سیبِ درخت	la arba pomo		
سیب زمینی		la pomo de la tero	
پرنده‌ی دریائی			la mar(o).birdo*
	la afrika elefanto		

* همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در ترکیب‌های پیوندی، پایانه‌ی اسمِ نخست را می‌توان حذف کرد یا حفظ نمود: هردو کاملاً صحیح هستند: La patrodomo=La patrdomo.

8- پایانه‌ی مفعولِ مستقیم n-- (را) و افعال لازم و متعدی

در زبان اسپرانتو، پایانه‌ی مفعول مستقیم (برابر با "را" در فارسی)، همیشه n- است، چه در حالت مفرد، چه در حالت جمع، مانند:

سیب را	pom.o.n	طوطی را	papag.o.n	آناناس را	ananas.o.n
سیب‌ها را	pom.o.j.n	طوطی‌ها را	papag.o.j.n	آناناس‌ها را	ananas.o.j.n
گُل را	flor.o.n	درخت را	arb.o.n	پرنده را	bird.o.n
گُل‌ها را	flor.o.j.n	درخت‌ها را	arb.oj..n	پرنده‌ها را	bird.o.j.n
پرتقال را	oranĝ.o.n	خورشید را	sun.o.n	پیک‌نیک را	piknik.o.n
نارنگی را	mandarin.o.n	عشق را	am.o.n	انسان را	hom.o.n

برگشت به فهرست مطالب

افعال لازم و متعدی و کاربرد پایانه‌ی n--

پایانه‌ی مفعولی (n--) همیشه با افعال متعدی (گذرا) می‌آید. افعال متعدی یا گذرا – برخلاف افعال لازم یا ناگذرا – همیشه در پاسخ به سوالِ "چه چیز(ی) را ...؟" و/یا "چه کس/کسی را ...؟" دارای جوابی منطقی هستند، مانند:

خوردن	manĝ.i
چه چیز(ی) را خوردن؟ سیبی را خوردن.	Kio.n manĝ.i? Pom.o.n manĝi.
دیدن	vid.i
چه کس/کسی را دیدن؟ پدری را دیدن.	Kiu.n vid.i? Patr.o.n vidi.

در حالی که افعال لازم (ناگذرا) با پایانه‌ی مفعولی نمی‌آیند، چراکه در جواب به سوال "چه چیز(ی) را ...؟" و/یا "چه کس/کسی را ...؟" دارای جوابی منطقی نیستند، مانند:

بودن	est.i
چه چیز(ی) را بودن؟ ...! (پاسخی وجود ندارد)	Kio.n est.i? ...!
خواب بودن، خوابیدن	dorm.i
چه کس/کسی را خواب بودن؟ ...! (پاسخی وجود ندارد)	Kiu.n dorm.i? ...!

- اکثریت مطلق افعال، در تمامیِ زبان‌ها، گذرا (متعدی) هستند، مانند:
خواستن، نوشتن، بوسیدن، گرفتن، دادن، فرستادن، دریافت کردن، آوردن، بردن، گفتن، خواندن، سفیدکردن، خوردن، آشامیدن، دیدن، لمس‌کردن، گوش‌کردن، بوئیدن، تحسین‌کردن* و ...
- تنها تعداد بسیار کمی از افعال، ناگذرا (لازم) هستند، مثل:
بودن، هستن، شدن، گشتن، خندیدن، خوابیدن، اتفاق افتادن، پدیدار شدن، تحسین‌شدن** و ...

* همان‌گونه که مشاهده می‌شود در زبان فارسی "کردن" و افعال دیگری که با آن ساخته می‌شوند گذرا یا متعدی هستند. البته استثناهائی نیز در این مورد وجود دارد، مثل: کار کردن، ورزش کردن، فکر کردن، گریه کردن و زندگی کردن.

** همان‌گونه که مشاهده می‌شود در زبان فارسی "شدن" و افعال دیگری که با آن ساخته می‌شوند ناگذرا یا لازم هستند. ظاهراً استثنائی هم در این مورد وجود ندارد.

برگشت به فهرست مطالب

Ĝi est.as pom.o. (لازم یا ناگذرا) آن هست سیبی. La pom.o est.as ruĝ.a. (لازم یا ناگذرا) این سیب هست قرمز. Ŝi manĝ.as la pom.o.n. (متعدی یا گذرا) او می‌خورد سیب‌را. Ŝi manĝ.as ĝi.n. (متعدی یا گذرا) او می‌خورد آن‌را.	

نحوه‌ی تشخیص افعال لازم (ناگذرا) و متعدی (گذرا) در فارسی و اسپرانتو یک‌سان است:

تمرین تشخیص افعال لازم (ناگذا) و افعال متعدی (گذرا) در زبان فارسی

افعال	حتی اگر در جواب به یکی از دو سوال زیر، پاسخی منطقی برای‌شان وجود داشته باشد، متعدی (گذرا) هستند. در غیر این صورت، لازم (ناگذرا) هستند.		نتیجه
	چه چیزی را ....؟	**چه کسی را ....؟**	
رفتن	چه چیزی را رفتن؟ – !!!	چه کسی را رفتن؟ – !!!	پاسخی منطقی وجود ندارد، پس لازم (ناگذارا) است
دوست داشتن	چه چیزی را دوست داشتن؟ – خوشبختی/نیکوکاری/صلح را دوست داشتن	چه کسی را دوست داشتن؟ – مادر/پدر/فرزند را دوست داشتن	پاسخ منطقی وجود دارد، پس متعدی (گذرا) است
آماده شدن	چه چیزی را آماده شدن؟ – !!! (پاسخی ندارد)	چه کسی را آماده شدن؟ – !!! (پاسخی ندارد)	
تحسین کردن	چه چیزی را تحسین کردن؟ – نیکوکاری را تحسین کردن	چه کسی را تحسین کردن؟ – دوستی را تحسین کردن	
آمدن			
نگاه کردن			

برگشت به فهرست مطالب

نوشتن			
در آغوش کشیدن			
پدیدار شدن			
بو کردن، بوئیدن			

تمرین تشخیص افعال لازم (ناگذا) و افعال متعدی (گذرا) در زبان اسپرانتو

افعال Verb.o.j	حتی اگر در جواب به یکی از دو سوال زیر، پاسخی منطقی برای‌شان وجود داشته باشد، متعدی (گذرا) هستند. در غیر این صورت، لازم (ناگذرا) هستند.		نتیجه Rezult.o
	چه چیزی را ....؟ Kio.n ....?	چه کسی را ....؟ Kiu.n ....?	
ir.i **(رفتن)**	Kion iri? - !!! چه چیزی را رفتن؟ (پاسخی ندارد)	Kiun iri? - !!! چه کسی را رفتن؟	پاسخی منطقی وجود ندارد، پس لازم (ناگذارا) است
am.i **(دوست داشتن)**	Kion ami? - Ami pac.o.n چه چیزی را دوست داشتن؟ – صلح را دوست داشتن	Kiun ami? - Ami patrinon چه کسی را دوست داشتن؟ – مادر را دوست داشتن	پاسخ منطقی وجود دارد، پس متعدی (گذرا) است
pret.iĝ.i **(آماده شدن)**	Kion pretiĝi? - !!! چه چیزی را آماده شدن؟ – (پاسخی ندارد)	Kiun pretiĝi? - !!! چه کسی را آماده شدن؟ – (پاسخی ندارد)	
laŭd.i **(تحسین کردن)**	Kion laudi? - Laŭdi bon.far.ad.o.n چه چیزی را تحسین کردن؟	Kiun laŭdi? - Laŭdi amik.o.n چه کسی را تحسین کردن؟	

	– دوستی را تحسین کردن	– نیکوکاری را تحسین کردن	
	Kiun veni? -	Kion veni? -	**ven.i** **(آمدن)**
	Kiun rigardi -	Kion rigardi? -	**rigard.i** **(نگاه کردن)**
	Kiun skribi? -	Kion skribi? -	**skrib.i** **(نوشتن)**
	Kiun brakumi? -	Kion brakumi? -	**brak.um.i** **(درآغوش‌کشیدن)**
	Kiun legi? -	Kion legi? -	**leg.i** **(خواندن)**
	Kiun iĝi? -	Kion iĝi? -	**iĝ.i** **(شدن)**
	Kiun aperi? -	Kion aperi? -	**aper.i** **(پدیدار شدن)**

تمرین: در کدام‌یک از جاهای خالی باید n- گذاشت؟ (یعنی فعل کدام جمله متعدی یا گذرا است و درنتیجه به مفعولِ مستقیم احتیاج دارد؟)

1- Mi manĝas pomo… 2- Mi estas lernanto… 3- Ŝi trinkas akvo… 4- Ŝi estas lernanto… 5- Li vidas arbo… 6- Li estas instruisto… 7- Arbo… vidas ŝi. 8- Ŝi arbo… vidas.	9- Li rigardas ŝi… 10- Ŝi rigardas li… 11- Patrino kisas infano… 12- Infano kisas patrino… 13- Ŝi iĝis inĝenier.in.o… 14- Matene aperis la suno… Maten.e = (در) صبح la suno = خورشید

برگشت به فهرست مطالب

آشنائی با چند کلمه			
nu	خُب (صوت یا ندا)	titol.o	عنوان (کتاب، فیلم، ...)
Bon.a.n maten.o.n!	صبح به‌خیر	pri	راجع به، درباره‌ی
aĉet.i	خریدن	ŝat.i	دوست/علاقه داشتن
patr.o	پدر	mult.e	زیاد
patr.in.o	مادر	ripet.i	تکرار کردن
interes.a	جالب	vort.o	کلمه، واژه، لغت
ĝi.a	مالِ آن	fraz.o	فَراز، جمله

مکالمه

- **Saluton Dara! Bonan matenon!**
    - Saluton Nima, bonan matenon. kiel vi fartas?
- **Dankon, mi fartas tre bone. Kaj vi?**
    - Ankaŭ mi fartas tre bone, dankon. Kia.n nov.aĵ.on (vi havas)?
- **Hieraŭ mia patr.in.o aĉetis novan libron por mi. Mi legas ĝin. Ĝi estas tre interesa por mi. Mi tre ŝatas ĝin.**
    - Ĉu vere? Tre bone! Kio estas ĝia titolo? Pri kio ĝi estas?
- **Ĝia titolo estas “Kiel lerni lingvojn?”. Ĝia titolo diras pri kio ĝi estas.**
    - Nu, kion diras la libro pri tio?
- **La libro diras, ke ripeto de novaj vortoj kaj frazoj multe helpas nin.**

تمرین: پاسخ دهید

1- Kiel fartis Dara kaj Nima?
2- Ĉu ili fartis bone aŭ tre bone?
3- Ĉu vi fartas bone aŭ tre bone?
4- Ĉu vi legas multajn librojn?
5- Ĉu vi legas Esperantajn librojn?
6- Ĉu vi baldaŭ (*bezudi*) legos Esperantajn librojn?
7- Ĉu vi ŝatas Esperantajn librojn?

به سوالات زیر پاسخ دهید:

1- Ĉu arboj estas altaj? – Jes, arboj estas altaj.

2- Kia.j estas papagoj?

3- Ĉu birdoj estas mal.belaj?

4- Kio estas ananasoj?

5- Ĉu vi manĝas grandajn oranĝojn?

6- Ĉu vi vidas bonajn homojn?

7- Kian frukton vi manĝas?

8- Kia.jn fruktojn vi manĝas?

تمرین: جاهای خالی را با پایانه‌های مناسب پر کنید:

1- Papagoj estas malgrand.. aj…
2- Li manĝas unu malgrand… pom…
3- Li manĝas du malgrand… pom…

برگشت به فهرست مطالب

4- Ananasoj estas frukt…
5- Grandaj hom… havas grand… amojn
6- Arboj estas malalt…
7- Mi vidas mal.altajn arb…
8- Ŝi manĝas unu grand… frukt…
9- Flav… seĝoj kaj blu… tabloj
10- Mi manĝis dolĉajn oranĝ…. .
11- Li vidas bon…. homojn.
12- Edisono estis grand…. hom….
13- Edisono kaj Gandhio estis grand…. hom….
14- Edisono kaj Gandhio vidis grand…. hom….

9- پایانه‌های یازده‌گانه‌ی اسپرانتو

هویتِ دستوری/گرامریِ هر کلمه توسط پایانه(ها)ی آن تعیین می‌گردد.

در جدول زیر با تمامی 11 پایانه‌ی موجود در زبان اسپرانتو آشنا می‌شوید:

پایانه	نشان‌دهنده‌ی	مثال 1	ترجمه‌ی مثال 1	مثال 2	ترجمه‌ی مثال 2
-o	اسم	la arb.o	درخت	la pom.o	سیب
-a	صفت	bel.a	زیبا، قشنگ	bon.a	خوب، نیک
-j	جمع (اسم یا صفت)	la arb.o.j	درخت‌ها	bel.a.j	زیبا(ها)
-e	قید	bel.e	به‌زیبائی	bon.e	به‌خوبی
-i	مصدر فعل	est.i	بودن، اَستن، هستن	vid.i	دیدن
-is	فعل گذشته	est.is	بود	vid.is	دید
-as	فعل حال	est.as	هست، است	vid.as	می‌بیند
-os	فعل آینده	est.os	خواهد بود	vid.os	خواهد دید
-u	امر	Bel.u!	زیبا باش/باشید!	Bon.u!	خوب باش/باشید!
-us	شرطیِ غیرممکن	bel.us	زیبا می‌بود (اگر ...)	bon.us	خوب‌می‌بود (اگر ...)
-n	را (مفعول بی واسطه)	arb.o.n	درختی را	pom.o.n	سیبی را

برگشت به فهرست مطالب

به این ترتیب، و به این علت، در زبان اسپرانتو از هر ریشه‌ی‌کلمه، می‌توان کلمات بسیار زیادی ساخت، که احتیاجی به حفظ کردن معانی آن‌ها نیست، چراکه معنی هر کلمه‌ی ترکیبی، برابر است با معنی مجموع اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن (یعنی تک‌واژهای آن: ریشه‌ی‌کلمه، آوند، پایانه و تک‌ایستا)، مثل:

پایانه	نشان‌دهنده‌ی	مثال 1	ترجمه‌ی مثال 1	مثال 2	ترجمه‌ی مثال 2
-o	اسم	manĝ.o	(وعده‌ی) غذا	la san.o	سلامتی
-a	صفت	manĝ.a	غذائی، مربوط به غذا	san.a	سالم
-j	جمع (اسم یا صفت)	manĝ.o.j	(وعده‌های) غذا (ها)	la san.o.j	سلامتی‌ها
-e	قید	manĝ.e	با غذا خوردن (غذاأ)	san.e	به‌سلامت، به‌سلامتی
-i	مصدر فعل	manĝ.i	(غذا) خوردن	san.i	سالم بودن
-is	فعل گذشته	manĝ.is	(غذا) خورد	san.is	سالم بود
-as	فعل حال	manĝ.as	(غذا) می‌خورد	san.as	سالم هست
-os	فعل آینده	manĝ.os	(غذا) خواهد خورد	san.os	خواهد بود
-u	امر	Manĝ.u!	(غذا) بخور(ید)!	San.u!	سلامت باش/باشید!
-us	شرطیِ غیرممکن	manĝ.us	(غذا) می‌خورد (اگر ...)	san.us	سالم می‌بود (اگر ...)
-n	را (مفعول بی واسطه)	manĝ.o.n	(وعده‌ی) غذا را	san.o.n	سلامتی را

با تغییر پایانه‌ی هر کلمه، هویت دستوری آن تغییر می‌کند، برای نمونه، واژگان زیر از ترکیب ریشه‌های موجود در جدول بالا، با پایانه‌های مختلف، ساخته شده‌اند:

پایانه	نشان‌دهنده‌ی	مثال 1	ترجمه‌ی مثال 1	مثال 2	ترجمه‌ی مثال 2
-o	اسم	la bel.o	زیبائی، جمال	la vid.o	دید، دیدن (اسم)
-a	صفت	arb.a	درختی	vid.a	دیداری
-j	جمع (اسم یا صفت)	la bel.o.j	زیبائی‌ها	la vid.o.j	دیدها، دیدن‌ها

-e	قید	arb.e	مثل درخت (درختاً)	vid.e	با دیدن (دیداراً)
-i	مصدر فعل	arb.i	درخت بودن	bon.i	خوب بودن
-is	فعل گذشته	pom.is	سیب بود	arb.is	درخت بود
-as	فعل حال	bon.as	خوب است	bel.as	زیباست
-os	فعل آینده	bel.os	خوب خواهد بود	bon.os	خوب خواهد بود
-u	امر	Vid.u!	ببین، ببینید!	Bon.u!	خوب باش/باشید!
-us	شرطیِ غیرممکن	arb.us	درخت می‌بود	vid.us	می‌دید (اگر ...)
-n	را (مفعول بی واسطه)	bel.o.n	زیبائی‌ای را	arb.o.n	درختی را

با تغییر پایانه‌ی هر کلمه، هویت دستوری آن تغییر می‌کند، مثال‌های زیر را ترجمه کنید:

مثال	**ترجمه‌ی مثال**	**مثال**	**ترجمه‌ی مثال**	**مثال**	**ترجمه‌ی مثال**
la am.o		**la am.o.n**		**la am.o.j.n**	
am.a		**am.a libr.o**		**am.a.j film.oj**	
am.e		**am.e vid.i**		**am.e parol.i**	
am.u		**Am.u la libr.o.n!**		**Am.u la hom.o.j.n!**	

با تغییر پایانه‌ی هر کلمه، هویت دستوری آن تغییر می‌کند، خانه‌های خالی را پُر کنید:

مثال	**ترجمه‌ی مثال**	**مثال**	**ترجمه‌ی مثال**	**مثال**	**ترجمه‌ی مثال**
arb.a	**درختی**	**pom.os**	**سیب خواهد بود**	**arb.is**	
la bel.o	**زیبائی، قشنگی، جمال**	**la bon.o**	**خوبی، نیکی، حُسن**		**خوب بود**
la est.o	**وجود، بود، بودن**	**la vid.o**	**دید (اسم)**	**vid.os**	
vid.e	**به‌طور دیداری**	**vid.a**	**دیداری، بصری**		**دید (فعلِ ماضی)**

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

کلمه	معنی	کلمه	معنی	کلمه	معنی
manĝ.i	خوردن		خورد	manĝ.os	
trink.i	نوشیدن		نوشید	trink.as	
lern.i	یاد گرفتن		یاد گرفت	lern.os	
instru.i	درس دادن		درسی، آموزشی	instru.is	
dom.o	خانه		خانه‌ها را	dom.a	
vid.i		vid.u		vid.us	
manĝ.i	خوردن	manĝ.us		manĝ.u	

تمرین: ترجمه کنید:

1- Mi vid.is arb.o.n.
2- Mi vid.is arb.o.j.n.
3- Mi manĝ.is pom.o.n.
4- Mi manĝ.as pom.o.n.
5- Mi manĝ.os pom.o.j.n.
6- Vi est.as san.a.
7- Vi est.as san.a.j.
8- Vi san.as.
9- Vi lern.as Esper.ant.o.n.
10- Mi lern.is Esper.ant.o.n.
11- Ŝi lern.os Esper.ant.o.n.
12- من اسپرانتو را خواهم آموخت (یاد خواهم گرفت).
13- من اسپرانتو را خواهم آموخت (یاد خواهم داد).
14- شما درختان زیبائی دارید.
15- او (خانم) سیب‌های زیبائی خواهد داشت.

16- انسان‌ها را دوست داشته باشید (دوست بدارید)!

17- کتاب‌ها را دوست بدارید!

9- ضمایر شخصی

(ضمایر فاعلی)

	ضمیر شخصی	معنی
مفرد	mi	من
	vi	تو، شما (مفرد)
	li ŝi ĝi	او (مذکر)، او (مؤنث)، آن (حیوان، گیاه، شیء)
جمع	ni	ما
	vi	شما (جمع)
	ili	ایشان، آن‌ها

نحوه‌ی ساختن ضمایر ملکی و ضمایر مفعولی از ضمایر فاعلی

ضمیر فاعلی	معنی	ضمیر ملکی	ترجمه‌ی	ضمیر مفعولی	ترجمه‌ی
mi	من	mi.a	مال من	mi.n	من را، مرا
vi	تو، شما (مفرد)	vi.a	مال تو، مال شما	vi.n	تو را، شما را
li ŝi ĝi	او (مذکر)، او (مؤنث)، آن	li.a ŝi.a ĝi.a	مال او، مال آن	li.n ŝi.n ĝi.n	او را، آن را
ni	ما	ni.a	مال ما	ni.n	ما را
vi	شما (جمع)	vi.a	مال شما	vi.n	شما را
ili	ایشان، آن‌ها	ili.a	مال ایشان، مال آن‌ها	ili.n	ایشان را، آن‌ها را

برگشت به فهرست مطالب

همان‌گونه که در جدول فوق و زیر مشاهده می‌شود، تنها با فراگیری 8 ضمیر فاعلی، و ترکیب آن‌ها با پایانه‌های صفت، مفعول مستقیم و جمع، می‌توان به راحتی 40 ضمیر دیگر را ساخت و معنی آن‌هارا دانست، بدون نیاز به از بر کردن آن‌ها و معانی‌شان.

نحوه‌ی جمع‌بستنِ ضمایر ملکی و ضمایر مفعولی

ضمیر شخصی	معنی	ضمیر ملکی مفرد	ضمیر ملکیِ جمع	ضمیر ملکیِ مفعولی	ضمیر ملکیِ مفعولیِ جمع
mi	من	mi.a	mi.a.j	mi.a.n	mi.a.j.n
vi	تو، شما (مفرد)	vi.a	vi.a.j	vi.a.n	vi.a.j.n
li, ŝi, ĝi	او (مذکر)، او (مؤنث)، آن	li.a, ŝi.a, ĝi.a	li.a, ŝi.a.j, ĝi.a.j	li.a.n ŝi.a.n ĝi.a.n	li.a.j.n, ŝi.a.j.n, ĝi.a.j.n
ni	ما	ni.a	ni.a	ni.a.n	ni.a.j.n
vi	شما (جمع)	vi.a	vi.a	vi.a.n	vi.a.j.n
ili	ایشان، آن‌ها	ili.a	ili.a	ili.a.n	ili.a.j.n

مطابقت پایانه‌های ضمایر ملکی با اسامی‌شان

پایانه(های) ضمایر (ملکی و/یا مفعولی مفرد یا جمع) با پایانه(های) اسمی که همراه‌شان می‌آید، باید مطابقت داشته باشد (دقیقاً همانند مطابقت داشتنِ پایانه‌های صفت‌ها با اسم‌ها – همراه با خاصیت جابجائی!). چند مثال:

عبارت	معنی	عبارت	معنی	عبارت	معنی
mi.a arb.o	درختِ من	vi.a bird.o = bird.o vi.a	پرنده‌ی شما	ŝi.a bel.o = bel.o ŝi.a	زیبائی/جمال او (مؤنث)
mi.a.n arb.o.n	درخت من را	vi.a.n bird.o.n	پرنده‌ی شما را	ŝi.a.n bel.o.n	زیبائی او را
mi.a.j arb.o.j	درخت‌های من	vi.a.j bird.o.j	پرنده‌های شما	ŝi.a.j bel.o.j	زیبائی‌های او
mi.a.j.n arb.o.j.n	درخت‌های من را	vi.a.j.n bird.o.j.n	پرنده‌های شما را	ŝi.a.j.n bel.o.j.n	زیبائی‌های او را

برگشت به فهرست مطالب

چند مثال دیگر در جمله:

جمله	معنی	4 حالتِ ممکن
Mi.a arb.o est.as grand.a.	درختِ من بزرگ است.	مفرد و فاعلی
Mi ŝat.as mi.a.n arb.o.n.	من درختم را دوست دارم.	مفرد و مفعولی
Mi.a.j arb.o.j est.as bel.a.j.	درخت‌های من زیبا هستند.	جمع و فاعلی
Mi vid.as mi.a.j.n arb.o.j.n.	من درخت‌هایم را می‌بینم.	جمع و مفعولی

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

جمله	معنی
Vi.a bird.o estas bel.a.	
Ĉu vi ŝat.as vi.a.n bird.o.n?	
Ŝi.a.j ananas.o.j estas mal.grand.aj.	
Ĉu ili hav.as grand.a.j.n pom.o.j.n?	
	من سیب‌های شمارا خوردم.
	آیا شما گلابی‌های بزرگ را دیدید؟
Mi.a libr.o estas sur la tablo.	
Mi.a.j libr.o.j estas sur la seĝo.	
Mi.a.n libr.o.n li legas.	
Mi.a.j.n libr.o.j.n ŝi ne vidas.	

ضمیر انعکاسی si و ضمیر مجهول oni

دو ضمیر دیگر که بسیار مورد استفاده هستند، ضمیر انعکاسیِ si به‌معنی «خود»، «خویش» یا «خویشتن» است و ضمیر مجهول oni به‌معنی «کسی» یا «کسانی»، «مردم» یا «انسان» است، که حالت‌های ملکی، مفعولی و جمع آن‌ها دقیقاً مانند ضمایری که در بالا گفته شد، ساخته می‌شوند و مورد استفاده قرار می‌گیرند. به مثال‌های زیر توجه فرمائید:

معنی	جمله
او خرید هدیه‌ی خوبی را برای **خود(ش)**.	Ŝi aĉetis bonan donacon por **si**.
او خرید هدیه‌ی خوبی را برای **او(ن خانم)**. (برای شخص دیگری)	Ŝi aĉetis bonan donacon por **ŝi**.
او می‌بیند **خودرا** در آینه.	Li vidas **si.n** en la spegulo.
او می‌بیند **او(ن آقا) را** در آینه. (شخص دیگری را)	Li vidas **li.n** en la spegulo.
او دوست دارد پسر **خود(ش) را**.	Li amas **si.an** filon.
او دوست دارد پسر **او(ن آقا) را**. (پسر شخص دیگری را)	Li amas **li.an** filon.
او دوست دارد دختران **خود(ش)** را.	Ŝi amas **si.ajn** filinojn.
او دوست دارد دختران **او(ن خانم) را**. (دختران شخص دیگری را)	Ŝi amas **ŝi.ajn** filinojn.
او با دوستان **خودش** رفت به سینما.	Li kun **siaj** amikoj iris al kin.ejo.
او با دوستان **او(ن آقا)** رفت به سینما. (با دوستان شخص دیگری)	Li kun **liaj** amikoj iris al kin.ejo.
او و دوستان**اش** بسیار مهربان هستند. (دوستان خودش)	Li kaj **liaj** amikoj estas tre afablaj.*

*** در این جمله نمی‌توانیم از siaj استفاده کنیم، زیرا هیچ‌یک از اَشکال ضمیر si هیچ‌وقت نمی‌توانند فاعل جمله قرار گیرند.**

توجه: همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضمیر si فقط برای سوم شخص (مفرد و جمع) استفاده می‌شود، نه برای اول شخص یا دوم شخص (چه مفرد، چه جمع):

جمله	معنی
Mi vidas mi.n, vi vidas vi.n kaj ŝi vidas si.n en la spegulo.	من می‌بینم خودم را، شما می‌بینید خودتان را و او(ن خانم) می‌بینند خودش را در آینه.
Ni vidas ni.n, vi vidas vi.n kaj ili vidas si.n en la spegulo.	ما می‌بینیم خودمان را، شما می‌بینید خودتان را و آن‌ها می‌بینند خودشان را در آینه.

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

جمله	معنی
Mi legas mi.a.n libron kaj li legas sian libron.	
Mi legas mi.a.j.n librojn kaj ili legas si.a.j.n librojn.	
	سارا مادر خودش را دوست دارد.
	سارا خواهران خودش را دوست دارد.
	سارا مادر او را دوست دارد.
	سارا مادر آن‌ها را دوست دارد.
Dara vidas si.n en la spegulo.	
Dara vidas li.n en la spegulo.	
Dara vidas ŝi.n en la spegulo.	
Dara vidas ili.n en la spegulo.	
Dara vidas si.a.n amikon en la spegulo.	
Dara vidas si.a.j.n amikojn en la spegulo.	
Dara vidas li.a.j.n amikojn en la spegulo.	

برای آشنائی با ضمیر مجهول oni – به‌معنی «کسی» یا «کسانی»، «مردم» یا «انسان» یا «شما» یا «تو» – به مثال‌های زیر دقت کنید:

Pri nenio oni povas ĵuri.	در مورد هیچ‌چیزی نمی‌توان قسم خورد. (آدم/کسی نمی‌تواند درمورد هیچ‌چیزی قسم بخورد.)
Kion oni volas, tion oni povas.	چیزی‌راکه انسان بخواهد، می‌تواند.(چیزی را که بخواهی، می توانی. چیزی را که بخواهید، می‌توانید. خواستن توانستن است.)
Oni ne povas kompreni ĉu li estas optimisto aŭ pesimisto.	نمی‌توان فهمید/نمی‌توانید بفهمید (که) آیا او خوش‌بین است یا بدبین.
Iam oni devas fermi la okulojn	گاهی باید چشم‌ها را بست. (گاهی انسان باید چشم‌هایش را ببندد. گاهی باید چشم‌هایت را ببندی.)
Oni.dirojn ne kredu!	شایعات را (گفته‌های مردم را) باور نکنید!
Oni.an guston ne juĝu!	سلیقه‌ی مردم را قضاوت نکنید!
Oni.ajn gustojn ne juĝu!	سلیقه‌های مردم/انسان‌ها را قضاوت نکنید!
Tiaj scenoj ĝoj.igas oni.n.	چنین صحنه‌هائی انسان/آدم را خوشحال می‌کند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در بسیاری از موارد برای بیان مفهوم این ضمیر در فارسی از "تو/شما"، "مردم"، "انسان" یا "انسان‌ها" استفاده می‌شود (و در انگلیسی از one، they یا you).

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

جمله	معنی
Oni diris, ke li venos morgaŭ.	
Oni kredas, ke mono feliĉ.ig.as homon.	
Oni blank.igis la muron.	
Oni batas ŝtel.iston (*dozd*).	

Ne kritiku (*enteqad*) oni.n, ĉar oni povas ankaŭ vin kritiki.	
Oni.a.n kredon ne kritiku!	
Oni.a.j.n hav.aĵ.ojn ne atentu (tavyĝĝ0h)!	

نحوه‌ی جمع‌بستنِ ضمایر ملکی و مفعولی si و oni

همان‌طور که در مثال‌های بالا دیده شد، حالت‌های ملکی، مفعولی و جمع این دو ضمیر دقیقاً مانند حالت‌های گوناگون ضمایر شخصی، که در بالاتر گفته شد، ساخته می‌شوند و مورد استفاده قرار می‌گیرند:

ضمیر شخصی	معنی	ضمیر ملکی مفرد	ضمیر ملکیِ جمع	ضمیر ملکیِ مفعولی	ضمیر ملکیِ مفعولیِ جمع
si	من	si.a	si.a.j	si.a.n	si.a.j.n
oni	تو، شما (مفرد)	oni.a	oni.a.j	oni.a.n	oni.a.j.n

ضمایر تأکیدی با استفاده از تک‌ایستای mem

برای ساختن ضمایر تأکیدی، از واژه‌ی تک‌ایستای mem (به‌معنی خود، خودم، خودش، ...) بعد از ضمیر مربوطه استفاده می‌کنیم:

Mi mem diris tion.	من خودم گفتم آن‌را. (خودِ من آن‌را گفتم)
Ŝi.n mem, mi vidis tie.	خودِ او را، من دیدم (در) آن‌جا. (من، خودِ اورا آن‌جا دیدم.)
Ŝi.n, mi mem vidis tie.	اورا، من خودم در آن‌جا دیدم.
Ŝi amas si.an patron pli ol si mem.	او پدرِ خودرا بیش از (خودِ) خودش دوست دارد.

از این تک‌ایستای تأکیدی برای اسامی – چه خاص و چه عام – نیز می‌توان به‌همین ترتیب استفاده کرد:

Mina mem diris tion.	خودِ مینا آن‌را گفت.

برگشت به فهرست مطالب

Homoj mem faris tion.	خودِ انسان‌ها آن‌را انجام دادند.
Homojn mem ĝenos tio.	خودِ انسان‌هارا آن‌چیز اذیت خواهد کرد.
Ŝi vidis Karlo.n mem.	او خودِ کارلو را دید.
Ŝi mem vidis Karlo.n.	خودِ او/او خود، کارلو را دید.
Ŝi mem vidis Karlo.n mem.	خودِ او/او خود، خودِ کارلو را دید.
La prezidanto mem preparas la projekton.	خودِ رئیس/رئیس خودش این پروژه را آماده می کند.

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

جمله	معنی
Homoj mem faris tion.	
Ŝi mem diris tio.n al mi.	
Ŝi mem vidis la arbon.	
Ŝi mem vidis Karlo.n mem.	
Ŝi.n, li mem vidis ĉi tie.	
Ŝi amas si.a.n patrinon pli ol si mem.	
	من خودم آن‌را خوردم.
	آن‌ها خودشان فیلم را دیدند.

11- ساختار جمله

در اسپرانتو، کلمات در جمله ارزشِ مکانی ندارند، چراکه به‌خاطر وجود پایانه‌ها، هر کلمه در هر کجای جمله که قرار گیرد، پایانه‌ی خود را – و در نتیجه هویت دستوری خود را – همراهِ خود دارد. بنابراین، هر جمله‌ی ساده را (که دارای سه رکن اصلی فاعل، فعل و مفعول است) می‌توان شش جور متفاوت بیان کرد (1x2x3=6) و معنی تمامی این شش جمله یکی است (و فقط تآکید بر روی هر رکنی که زودتر گفته/نوشته شود، بیشتر است).

به مثال‌های زیر دقت کنید و خانه‌های خالی را نیز پُر کنید:

Mi vidas vi.n. = Mi vi.n vidas. = Vi.n mi vidas. = Vi.n vidas mi. = Vidas mi vi.n. = Vidas vi.n mi.	من می‌بینم شما را. = من شما را می‌بینم. = ...
Mi vidis li.n. = Mi li.n vidis. = Li.n mi vidis. = Li.n vidis mi. = Vidis mi li.n. = Vidis li.n mi.	من دیدم او (مذکر) را. = من او را دیدم. = ...
Ili vidos ni.n. = Vid.os ni.n ili. = Ni.n ili vidos. = …	
Hom.o.j am.as bird.o.j.n.	
	طوطی‌ها گل‌ها را دوست دارند.
Grand.a.j hom.o.j ama.as afabl.a.j.n hom.o.jn.	
Grand.a.j hom.o.j.n ama.as afabl.a.j hom.o.j .	
Bird.o.j vid.is flor.o.j.n.	
	پرندگان درختان را خواهند دید.

حال اگر رکن چهارمی، مانند یک قید، هم به جمله اضافه شود، جمله‌ی مربوطه را 24 جور متفاوت می‌توان بیان کرد (1x2x3x4=24) و باز هم معانی تمامیِ آن‌ها یکی است، مثل:

Mi vidis li.n hieraŭ. = Mi li.n vidis hieraŭ. = Li.n mi vidis hieraŭ. = Li.n vidis mi hieraŭ. = Vidis mi li.n hieraŭ. = Vidis li.n mi hieraŭ. = Mi vidis li.n hieraŭ. = Mi li.n vidis hieraŭ. = Li.n hieraŭ mi vidis. = Li.n hieraŭ vidis mi. = Vidis hieraŭ mi li.n. = Vidis hieraŭ li.n mi. = …	من دیدم او (مذکر) را دیروز. = من او را دیدم دیروز. = ...

انواع مختلف گفتن جمله‌ای واحد در:		
فارسی	انگلیسی	اسپرانتو
ما با قطار به شهر رفتیم.	We went by train to the town.	Ni iris per trajno al la urbo.
به شهر رفتیم با ترن.	To the town we went by train.	Al la urbo ni iris per trajno.
ما ترنیدین به شهر.	We trained to the town.	Ni trajnis al la urbo.
ما ترناً به‌شهریدیم.	We to-town-ed train-ly.	Ni alurbis trajne.
به‌وسیله‌ی ترن ما رفتیم به شهر.	By train we went to the town.	Per trajno ni iris al la urbo.
رفتیم ما به شهر توسط ترن.	Went we to the town by train.	Iris ni al la urbo per trajno.
ما ترنیدیم به‌طرف‌شهر.	We trained to-town.	Ni trajnis urben.
ما رفتیم ترناً به‌سمت‌شهر.	We went train-ly to-town.	Ni iris trajne urben.
3 جمله‌ی صحیح و مصطلح	2 جمله‌ی صحیح و مصطلح	همه‌ی 8 جمله صحیح و گویا

با استفاده از دموی پُل گابینز[10] (1949–2016)، اسپرانتودان انگلیسی، که از مؤلفین، سردبیران، روزنامه‌نگاران و معلین مشهور اسپرانتو بود. وی عضو «آکادمی اسپرانتو» نیز بود.

---

[10] *Paul Gubbins*

برگشت به فهرست مطالب

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کلمه‌ی «ترن» (قطار، مترو) در جملات اسپرانتو هم به شکل اسم (trajn.o)، هم به شکل فعل (trajn.is) و هم به شکل قید (trajn.e) به کار رفته است؛ چنین انعطاف شگرفی در زبان انگلیسی یا فارسی وجود ندارد.

* جدا از این اَشکال، همان‌گونه که آموختیم، در زبان اسپرانتو، هر ریشه‌ی کلمه‌ای – ازجمله ترن – می‌تواند با پایانه‌ها، آوندها و ریشه‌های گوناگون دیگر نیز ترکیب شود و برای مثال تبدیل به صفت ، فعل ، قید و ...، گردد. برای نمونه، به مثال‌های زیر توجه نمائید:

کلمه، عبارت یا جمله با استفاده از ریشه‌ی -trajn	معنی به فارسی
trajn.a vojaĝ.o	سفرِ ترنی (مسافرت با قطار)
Tiu ĉi fer.aĵo antaŭ.e trajn.is.	این چیز آهنی قبلاً یک ترن بوده است.
La fer.aĵon oni re.trajn.ig.os.	این شیء آهنی را دوباره (تبدیل به) ترن خواهند کرد.
trajn.estr.o	رئیسِ قطار
trajn.e vojaĝi	با ترن مسافرت کردن
ekspres.trajno	قطار اکسپرِس/سریع‌السیر
sub.trajno = metroo	قطار زیرزمینی، مترو
pasaĝer.trajno	قطار مسافری
var.trajno = kargo.trajno	قطار باری

11-1 تک‌ایستاهائی که محل‌شان در جمله تعیین‌کننده است

- برخی از تک‌ایستاها، مانند:

ankaŭ	هم، همچنین، نیز، …
nur	فقط، تنها، …
almenaŭ	حداقل، دستِ‌کم، …

به‌خاطر معنیِ خاصِ خود، باید دقیقاً قبل از کلمه‌ای قرار گیرند که می‌خواهیم بر روی آن اثر بگذارند. به مثال‌های زیر و تفاوت معنی آن‌ها توجه فرمائید:

Nur mi vidis la piron.	فقط من (آن) گلابی را دیدم. (نه کسان دیگری)
Mi nur vidis la piron.	من فقط دیدم (آن) گلابی را. (آن را نخوردم)
Mi vidis nur la piron.	من فقط (آن) گلابی را دیدم. (نه چیز دیگری را)
Almenaŭ vi manĝu la panon.	حداقل شما بخورید (آن) نان را. (اگر دیگران نمی‌خورند)
Vi almenaŭ manĝu la panon.	شما حداقل بخورید (آن) نان را. (اگر آن را نخریدید یا نیاوردید)
Vi manĝu almenaŭ la panon.	شما حداقل (آن) نان را بخورید. (اگر چیزهای دیگر را نمی‌خورید)
Ankaŭ ŝi diris la veron.	او هم حقیقت را گفت. (علاوه‌بر دیگران)
Ŝi ankaŭ diris la veron.	او حقیقت را (علاوه بر این که می‌دانست) همچنین گفت.

Ŝi diris ankaŭ la veron.	او حقیقت را هم (علاوه بر دروغ) گفت.

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

عبارت	معنی
Ankaŭ li.n mi vidis hieraŭ.	
Li.n ankaŭ mi vidis hieraŭ.	
Li.n mi ankaŭ vidis hieraŭ.	
Li.n mi vidis ankaŭ hieraŭ.	
	من سیب‌های شما را هم خوردم (علاوه‌بر میوه‌های دیگرتان).
	من هم سیب‌های شمارا خوردم (علاوه بر دیگران).
	سیب‌های‌تان‌را (جدا از این‌که برداشتم) هم‌چنین خوردم.

محل قرارگرفتنِ تک‌ایستاهای eĉ (حتی) و ankoraŭ (هنوز، هم‌چنان) هم در معنی دقیق جمله، تعیین‌کننده است. آیا می‌توانید تفاوت معنی جملات زیر را متوجه شوید؟

عبارت	معنی
Eĉ li.n mi vidis hieraŭ.	حتی او را من دیدم دیروز.
Li.n eĉ mi vidis hieraŭ.	
Li.n mi eĉ vidis hieraŭ.	
Li.n mi vidis eĉ hieraŭ.	

معنی	عبارت
هنوز من به‌خوبی می بینم او را.	Ankoraŭ mi bone vidas lin.
	Mi ankoraŭ bone vidas lin.
	Mi vidas ankoraŭ bone lin.
	Mi bone vidas ankoraŭ lin.

12- آوندها (پیشوندها و پسوندها) Afiksoj (prefiksoj kaj sufiksoj)

آوندها در زبان اسپرانتو مشتمل بر پیش‌وندها و پس‌وندها می‌باشند. ابتدا به پیش‌وندها یا پیش‌آوندها می‌پردازیم:

پیش‌آوندها یا پیشوندهای اسپرانتو

پیشوندها

پیشوندها، همان‌گونه که از اسم‌شان پیدا است، پیش از ریشه‌ی کلمه قرار می‌گیرد و معنیِ آن‌را تغییرِ ویژه‌ای می‌دهد. در جدول زیر مهم‌ترین پیشوندهای اسپرانتو آورده شده است:

معنیِ آن	با پیشوند	معنی کلمه	کلمه	نشان‌دهنده‌ی	پیشوند
پدرزن/پدرشوهر	Bopatro	پدر	Patro	رابطه‌ی سببی	Bo – -
توزیع کردن	Disdoni	دادن	Doni	توزیع	Dis – -
راه افتادن	Ekiri	راه رفتن	Iri	شروع	Ek – -
شوهر سابق	Eksedzo	شوهر	Edzo	سابق، قبلی	Eks – -
آقا(یان) و خانم(ها)	Gesinjoroj	آقا	Sinjoro	هردو جنس	Ge – -
بد	Malbona	خوب	Bona	تضاد	Mal – -
دوباره دیدن	Revidi	دیدن	Vidi	تکرار	Re – -

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

patro	پدر	bo.patr.in.o	مادرزن/مادرشوهر
iri	(راه) رفتن	dis.ir.i	
vidi	دیدن	ek.vid.i	
edzo	شوهر، همسر	eks.edz.in.o	
		ge.edz.o.j	
bela	زیبا، قشنگ	mal.bel.a	
doni	دادن	re.don.i	
		re.dis.don.i	
domo	خانه		خانه‌ی قبلی
amiko	دوست		دوست قبلی
			دشمن قبلی

- پیشوند - --mis نشان‌دهنده‌ی اشتباه یا بد انجام شدن کار یا عملی است، مثل:

mis-- -	اشتباهی یا بد	aŭdi	شنیدن	misaŭdi	اشتباه شنیدن
		kompren.i	فهمیدن	mis.kompren.o	سوءتفاهم
		leg.i	خواندن	mis.leg.i	اشتباه خواندن

- پیشوند - --ĉef نشان‌دهنده‌ی اصلی بودن و در رأس قرار داشتن است، مثل:

ĉef-- -	اصلی بودن، سر، رأس	ministr.o	وزیر	ĉef.ministr.o	نخست‌وزیر
		strat.o	خیابان	ĉef.strat.o	خیابان اصلی
		urb.o	شهر	ĉef.urb.o	پایتخت
		artikol.o	مقاله	ĉef.artikol.o	سرمقاله

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

کلمه‌ی اسپرانتو	معنی آن	ترکیب آن با پیشوند	معنی آن
voj.o	راه	ĉef.voj.o	راهِ اصلی، شاه‌راه
manĝ.o	(وعده‌ی) غذا	ĉef.manĝ.o	
part.o	قسمت، بخش	ĉef.part.o	
traduk.i	ترجمه کردن	mis.traduk.i	
kalkul.i	حساب/محاسبه کردن	mis.kalkul.i	
paŝ.i	گام/قدم برداشتن	mis.paŝ.i	
cit.i	نقل(قول) کردن	mis.cit.i	

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

Mi mis.aŭd.is vian nom.o.n.	من نام شما را اشتباه شنیدم.
	من صحبت شما را اشتباه فهمیدم.
Li skrib.is belan ĉef.artikol.o.n.	
	شما راه (vojo) را اشتباه رفتید.
Vi mis.leg.is ŝian nomon.	
	راه اصلی
	راه اشتباهی
la mis.ĉef.vojo	
la ĉef.mis.vojo	

استفاده از پیشوندها بدون ریشه‌ی کلمه (تنها با پایانه و/یا آوندهای دیگر):

معنی	کلمه	معنی	کلمه	معنی	کلمه
متضاد	mal.a	شروع شدن	ek.i	اشتباهی، غلط	mis.a
تضاد	mal.o	ناگهان، یک‌دفعه	ek.e	اشتباهاً، به‌غلط	mis.e
برعکس	mal.e	برویم، شروع کنیم!	ek!	اشتباه، لغزش	mis.o
قبلی، سابق	eks.a	تکراری، مجدد	re.a	اشتباه کردن	mis.i
قبلاً، سابقاً	eks.e	مکرراً	re.e	دوباره اشتباه‌کردن	re.mis.i
مُرده/برکنار باد!	eks!	سببی	bo.a	به‌طور پراکنده	dis.e
به‌طور متمرکز	mal.dis.e	به‌طور سببی	bo.e	پخش، پراکنده	dis.a
متمرکز کردن	mal.dis.igi	دوباره پخش‌شدن	re.dis.iĝ.i	دوباره پخش‌کردن	re.dis.ig..i

- بسیاری از ریشه‌ی کلمات، یا کلمات تک‌ایستای اسپرانتو می‌توانند مانند پیش‌وند نیز به‌کار روند، مثل:

ترجمه‌ی مثال 2	مثال 2	ترجمه‌ی مثال 1	مثال 1	معنی آن	کلمه
قرمز روشن/کم‌رنگ	hel.ruĝ.a	(با) رنگِ روشن	hel.kolor.a	(نور/رنگ) روشن، کم‌رنگ	**hel.a**
قرمز تیره/پُررنگ	mal.hel.ruĝ.a	(با) رنگِ تیره	mal.hel.kolor.a	(نور/رنگ) تیره، پُررنگ	**mal.hel.a**
گربه‌ی نر	vir.kat.o	اسبِ نَر	vir.ĉeval.o	مرد	**vir.o**
همایش (هم‌آیش)، کنگره	kun.ven.o	هم‌کاری کردن	kun.labor.i	با، همراه‌با، باهم	**kun**
دَم	en.spir.o	داخل رفتن، واردشدن	en.ir.i	در، درون، داخل	**en**
بازدَم	el.spir.o	بیرون رفتن، خارج شدن	el.ir.i	از (درون به بیرون)	**el**

پس‌آوندها یا پسوندهای اسپرانتو

<u>پسوندها</u>، پس از ریشه‌ی کلمه قرار می‌گیرند و در معنیِ آن تغییر ویژه‌ای می‌دهند، مانند:

معنیِ آن	کلمه با پسوند	معنی کلمه	کلمه	نشان‌دهنده‌ی	پسوند
زن	la vir.in.o	مرد	la vir.o	**ماده، مؤنث**	**--in-**
چیزی سفید، سفیده	blank.aĵ.o	سفید	blank.a	**چیز، عینیت**	**--aĵ-**
دوربین عکاسی	la fot.il.o	عکس	la fot.o	**ابزار، وسیله**	**--il-**
(یک)معلمی، مدرسی	instru.ist.o	درس دادن	instru.i	**شغل، حرفه، پیرو**	**--ist-**
مخزن/منبع آب	la akv.uj.o	آب	akv.o la	**مخزن**	**--uj-**
کتاب‌خانه	la libr.ej.o	کتاب	la libr.o	**محل، جا، مکان**	**--ej-**

باقاعدگی و قابلیتِ تعمیم بی‌نهایت در زبان اسپرانتو

برای نشان‌دادن باقاعدگی و قابلیتِ تعمیم بی‌نهایت در زبان اسپرانتو و استفاده‌ی گسترده و بی‌حد و مرز از آوندهای اسپرانتو – و مقایسه‌ی آن با زبان فارسی و انگلیسی – در این‌جا به‌عنوان نمونه، به یک پسوند اسپرانتو، یعنی -ej– ، می‌پردازیم:

مقایسه‌ی پسوند مکان در اسپرانتو، انگلیسی و فارسی

نحوه‌ی ساختن اسم محل یا مکان انجام کاری در:		
فارسی	انگلیسی	اسپرانتو
زمین فوتبال	football pitch/ground	futbalejo
علف‌زار	grassland	herbejo
زمین گُلف	golf course	golfejo
زمین تنیس	tennis court	tenisejo
استخر شنا	swimming pool	naĝejo
پیست دو(یدن)	running track	kurejo
میدان تیر(اندازی)	shooting gallery/range	pafejo
سالُن بولینگ	bowling alley/lounge	kegloludejo
آشپزخانه، مطبخ	kitchen	kuirejo
آموزش‌گاه، مدرسه	school	lernejo
طویله‌ی گاو	byre	bovejo
اصطبل، طویله‌ی اسب	stable	ĉevalejo
سگ‌دانی	kennel	hundejo
مسکَن، اقامت‌گاه	dwelling, abode	loĝejo

برگشت به فهرست مطالب

ورودی	entrance, entry	enirejo
خروج، خروجی	exit	elirejo
17 پسوند یا کلمه	21 پسوند یا کلمه	1 پسوند

با استفاده و الهام از دموی پُل گابینز[11] (1949–2016)، اسپرانتودان انگلیسی، که از مؤلفین، سردبیران، روزنامه‌نگاران و معلین مشهور اسپرانتو بود. وی عضو «آکادمی اسپرانتو» نیز بود.

استفاده از پسوندها بدون ریشه (تنها با پایانه و آوندهای دیگر):

معنی	کلمه	معنی	کلمه	معنی	کلمه
چیزی‌را	aĵ.o.n	مخزن	uj.o	زنانه	in.a
مکان‌ها‌را	ej.o.j.n	مکان، جا، محل	ej.o	به‌طور زنانه	in.e
مخازن‌را	uj.o.j.n	جای ابزار	il.uj.o	چیز، شیء	aĵ.o
ابزارها‌را	il.o.j.n	ابزار(ها)، وسایل	il.o.j	وسیله، ابزار	il.o
چیزها‌را	aĵ.o.j.n	مخزن‌ها، مخازن	uj.o.j	ابزاری	il.a
(موجودِ)ماده، زن	in.o	محل‌ها، مکان‌ها	ej.o.j	به‌طور ابزاری	il.e

استفاده از چند آوند (پیشوند/پسوند) در یک کلمه:

برای بیان یک مفهوم، ممکن است از یک یا چندین آوند به‌طور هم‌زمان استفاده شود. به جدول و تمرین زیر توجه نمائید:

مجموعه‌ی معلمین/مدرسین	instru.ist.ar.o
چیزهای خوب کوچک	bon.aĵ.et.o.j

[11] *Paul Gubbins*

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

	instru.ist.in.o
	ge.instru.ist.o.j
	bon.aĵ.eg.o.j
	bon.eg.aĵ.o.j
	vir.in.ist.o = femin.ist.o
	bo.ge.patr.o.j = ge.bo.patr.o.j
عروس‌ها و دامادها	
مخزن کتاب	
عکاس‌ها	
جنگل کوچک (جنگلک)	
جنگل درختان کوچک (جنگلی از درختان کوچک)	arb.et.aro
جنگلی کوچک از درختانی بزرگ (جنگی کوچک با درختانی بزرگ)	
	il.uj.o
	il.ar.uj.o
	Il.et.ar.uj.o
	il.ar.uj.eto
	il.eg.ar.uj.o
	il.et.uj.eg.o

Ĉiuj ĉefaj sufiksoj کلیه‌ی پسوندهای اصلی

پسوند	نشان‌دهنده‌ی	کلمه	معنی کلمه	کلمه با پسوند	معنی آن
– aĉ -	زشتی، خرابی	Vesto	لباس	Vestaĉo	لباس مُندرس
– ad -	استمرار	Parolo	سخن	Parolado	سخنرانی
– aĵ -	عینیت، چیز	Nova	نو، جدید	Novaĵo	چیز نو، خبر (تازه)
– an -	عضویت	Irano	ایران	Iranano	ایرانی، تبعه‌ی ایران
– ar -	مجموعه	Arbo	درخت	Arbaro	جنگل
– ĉj -	صمیمیت (مذکر)	Patro	پدر	Paĉjo	پدرجون، باباجون
– ebl -	امکان، احتمال	Trinki	نوشیدن	Trinkebla	قابل شُرب
– ec -	ذات، ویژگی	Blanka	سفید	Blankeco	سفیدی
– eg -	بزرگی، شدت	Bela	زیبا	Belega	بسیار زیبا
– ej -	محل، جا، مکان	Libro	کتاب	Librejo	کتاب‌خانه
– em -	گرایش، تمایل، مبالغه	Parolo	سخن، حرف	Parolema	پُر حرف، خرّاف
– er -	جزء، ذره، بخش	Neĝo	برف	Neĝero	دانه‌ی برف
– estr -	ریاست	Ŝipo	کَشتی	Ŝipestro	ناخدای کَشتی
– et -	کوچکی، خُردی	Arbo	درخت	Arbeto	درختچه
– id -	زادگی	Ĉevalo	اسب	Ĉevalido	کُره اسب
– ig -	(وادار) کردن	Blanka	سفید	Blankigi	سفید کردن
– iĝ -	شدن، گشتن	Blanka	سفید	Blankiĝi	سفید شدن
– il -	ابزار، وسیله	Foto	عکس	Fotilo	دوربین عکاسی
– in -	ماده‌بودن، تأنیث	Viro	مَرد	Virino	زن
– ind -	شایستگی، سزاواری	Trinki	نوشیدن	Trinkinda	نوشیدنی، گوارا
– ing -	جای واحدِ چیزی	Kandelo	شمع	Kandelingo	شمعدان، جاشمعی
– ism -	مکتب، آموزه	Kapitalo	سرمایه	Kapitalismo	سرمایه‌داری، کاپیتالیسم
– ist -	پیروی مکتبی، شغل	Kapitalo	سرمایه	Kapitalisto	سرمایه‌دار
		Pano	نان	Panisto	نانوا

برگشت به فهرست مطالب

قادربه‌پرداخت، مُستطیع	Pagiva	پرداختن (پول)	Pagi	توانایی، قدرت	– iv -
مامان‌جون، مادرجون	Panjo	مادر	Patrino	صمیمیت (مؤنث)	– nj -
دوبرابر، دوبل	Duobla	دو	Du	ضرب، تکثیر	– obl -
یک‌دوم، نصف	Duona	دو	Du	تقسیم، بخش	– on -
دوتا دوتا	Duope	دو	Du	دسته، گروه	– op -
مخزنِ آب	Akvujo	آب	Akvo	مخزن، محل	– uj -
(شخص) ورزشکار	Sportulo	ورزش	Sporto	شخص، فرد	– ul -
آب دادن	Akvumi	آب	Akvo	مفاهیم متفاوت	– um -

مقایسه‌ی سه پسوند -ebl--، -ind-- و -end--

در مقایسه با پسوند -ebl-- و پسوند -ind--، پسوند -end-- نشان‌دهنده‌ی بایستگی، واجب بودن و ضرورت و لزوم است، مانند:

لازم‌الپرداخت	**pagenda**	**پرداختن**	**pagi**	**لزوم، اجبار، ضرورت، بایستگی**	**--end-**
بایدنوشیده‌شود	**trinkenda**	**نوشیدن**	**trinki**		
بایدگفته‌شود	**direnda**	**گفتن**	**diri**		

مقایسه‌ی معنی این سه پسوند با چند مثال:

skrib.i	**vid.i**	**manĝ.i**	**trink.i**	**مقایسه‌ی سه پسوندِ**
دیدن	**دیدن**	**خوردن**	**نوشیدن**	
skrib.ebl.a	vid.ebl.a	manĝ.ebl.a	trink.ebl.a	**--ebl-**
قابلِ نوشتن، مرئی (قابلِ توصیف)	قابلِ دیدن، مرئی (قابلِ مشاهده)	قابلِ خوردن (رسیده، پخته‌شده، سالم)	قابلِ نوشیدن، قابلِ شُرب، آشامیدنی	**قابلیت، احتمال**
skrib.ind.a	vid.ind.a	manĝ.ind.a	trink.ind.a	**--ind-**
شایسته‌ی نوشتن، نوشتنی	شایسته‌ی دیدن، دیدنی	شایسته‌ی خودن، لذیذ، خوش‌مزه	شایسته‌ی نوشیدن، گوارا	**شایستگی، لیاقت**

--ind-	trink.end.a	manĝ.end.a	vid.end.a	skrib.end.a
ضرورت، بایستگی، اِجبار	ضروری برای نوشیدن، (مانند دارو و دوا: لازم‌النوش!)	ضروری برای خوردن، (مانند گیاهی داروئی که برای بیمار لازم است)	ضروری برای دیدن، (مانند علائم رانندگی)	ضروری برای نوشتن، (مانند مشق و تکلیف شب/خانه)

تمرین: جاهای خالی را با سه پسوند زیر پُر کنید:

--ebl-, --ind-, --end-

1. Mi povas manĝi la pomon ĉar ĝi estas manĝ.......a.
2. Mi deziras manĝi la pomon ĉar ĝi estas manĝ.......a.
3. Mi devas manĝi la pomon ĉar ĝi estas manĝ.......a.
4. Mi deziras trinki la akvon ĉar ĝi estas trink.......a.
5. Mi povas trinki la akvon ĉar ĝi estas trink.......a.
6. Mi devas trinki la akvon ĉar ĝi estas trink.......a.
7. Mia patrino ĉiam kuir.as tre bon.gust.ajn kaj manĝ......ajn manĝaĵojn.
8. Mia amiko ĉiam kuiras ne.bone, sed liaj manĝaĵoj estas manĝ.......aj.
9. Por multaj mal.san.uloj supo estas manĝ.......a, ĉar ili ne povas manĝi aliajn manĝaĵojn.

مقایسه‌ی دو پسوند -ebl--، و -iv--

پسوند -ebl-- خصوصیت کنش‌پذیر و مفعولی یا پاسیو دارد، در حالی که پسوند -ind--، دارای ویژگی کنش‌گر و فاعلی یا آکتیو است، مانند:

trink.ebla akvo	**آب قابلِ‌نوشیدن (آشامیدنی)**
trink.iva infano	**کودکِ قادر به نوشیدن (در مقابل کودکِ قادر به مَکیدن)**

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

infano	*kudyk, byĉĉe*	→	parol.iv.a infano	*kudyke qader be tykyllom*
domo	*ĥane*	→	dom.aĉ.o	
amiko	*dust*	→	amik.in.o	
nomo	*nam, esm*	→	nom.iĝ.i	
amo	*eŝq, dusti*	→	am.ind.a	
vorto	*loqyt*	→	vort.ar.o	
domo	*ĥane*	→	dom.et.o	
domo	*ĥane*	→	dom.eg.o	
domo	*ĥane*	→	dom.et.aĉ.o	
domo	*ĥane*	→		qysre myĥrube
manĝi	*ĥordyn*	→	manĝ.em.a	
pomo	*sib*	→	manĝ.ebl.a pomo	
piro	*golabi*	→	manĝ.ind.a piro	
teo	*ĉaj*	→	trink.ig.i teo.n	
kafo	*qyhve*	→	La kafo trink.iĝ.is.	
amiko	*dust, ryfiq*	→	amik.ec.o	
Tehrano*	*tehran*	→	tehran.an.in.o	

* یادآوری:

نوشتن اسامی خاص با حروف بزرگ

مانند دیگر زبان‌هائی که با الفبای لاتین نوشته می‌شوند، در اسپرانتو نیز اسامی خاص (مثل اسامیِ اشخاص، اماکن جغرافیائی مانند کشورها، شهرها، کوه‌ها، رودخانه‌ها، جنگل‌ها، ...) با حروف بزرگ شروع می‌شوند، مثل:

برگشت به فهرست مطالب

Saman, Dara, Viktoria, Mona, Irano, Francio, Britio, Tehran(o), Parizo, Londono, Damavando, Everesto, Karuno, Amazono, …

ولی، (برخلاف انگلیسی) اگر از اسامی خاص، کلمه‌ای بسازیم، که دیگر اسم خاص نباشد، آن‌را با حرف آغازینِ بزرگ نشان نمی‌دهیم. یعنی هنگامی که از اسامی خاص، صفت، قید یا حتی اسمی عام ساخته شود، دیگر با حروف بزرگ نوشته نمی‌شوند:

معنی	اسم عام	معنی	قید و فعل	معنی	صفت و موصوف
(فرد) ایرانی	iran.an.o	زندگی کردن در تهران	tehran.e vivi	آب‌وهوای تهران	tehran.a vetero
(شهروند) تهرانی	tehran.an.o	ساکن ایران بودن	iran.e loĝi	مردم ایران	iran.a popolo
اهل کاشان	kaŝan.an.o	بودن در لندن	london.e esti	ترافیک لندن	london.a trafiko
(فرد) آلمانی	german.o	(به) آلمانی صحبت کردن	german.e paroli	زبان آلمانی	german.a lingvo

اسم کشورها چگونه ساخته می‌شوند؟

برای ساختن اسم کشورها از دو پسوند (-uj--) و (-i--) و یک ریشه‌ی‌کلمه (-land) می‌توان استفاده کرد:

نام فرد یا تبعه‌ی کشور مورد نظر	نام کشور مربوطه		
	--land-	--uj-	--i-
pol.o	Pol.land.o	Pol.uj.o	Pol.io
ĉin.o	Ĉin.lando	Ĉin.uj.o	Ĉin.io
rus.o	Rus.land.o	Rus.uj.o	Rus.io

اسم تبعه‌ها یا شهروندانِ کشورها چگونه ساخته می‌شوند؟

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده شد، برای بیانِ نام فرد تبعه‌ی کشوری، که:

1– نام آن از اسم قومی گرفته شده است که اکثریت جمعیت آن‌را تشکیل می‌دهد، ریشه‌ی کلمه‌ی قوم مربوطه با پایانه‌ی اسم (o--) می‌آوریم. برای مؤنث‌کردن و/یا جمع‌بستن آن، از پسوند تأنیث (-in--) و پایانه‌ی جمع (j--) استفاده می‌کنیم:

نام فرد یا تبعه‌ی کشور مورد نظر	کلمات ساخته شده از آن		
	--j	--in-	--in.o.j
pol.o فردِ لهستانی	pol.o.j لهستانی‌ها	pol.in.o خانمِ لهستانی	pol.in.o.j خانم‌های لهستانی
ĉin.o	ĉin.o.j	ĉin.in.o	ĉin.in.o.j
rus.o	rus.o.j	rus.in.o	rus.in.oj

بدیهی است، که – برای مثال – برای خانم(ها) و آقا(یان) لهستانی می توانیم از ge.pol.o.j استفاده کنیم.

2– نام آن از قوم (اصلیِ) ساکن در آن گرفته <u>نشده</u> است، مانند ایران، کانادا، عراق، استرالیا، ایرلند، پاکستان و ... از پسوند -an-- (به‌معنیِ تبعه، شهروند یا عضو) استفاده می‌کنیم:

نام کشور مورد نظر	کلمات ساخته شده از آن			
	--an-	--j	--in-	--in.o.j
Iran.o کشورِ ایران	iran.an.o (فردِ) ایرانی	iran.an.o.j ایرانی‌ها	iran.an.in.o خانمِ ایرانی	iran.in.o.j خانم‌های ایرانی
Irland.o	irland.an.o	irland.an.o.j	irland.an.in.o	irland.an.in.oj
Kanad.o	kanad.an.o	kanad.an.o.j	kanad.an.in.o	kanad.an.in.oj

برگشت به فهرست مطالب

از پسوندِ -an– که به‌معنی عضو(یت) هم هست، در موارد دیگر نیز استفاده می‌شود، مانند:

اسم	معنی	با پسوندِ عضویت	معنی	با پسوندِ تأنیث	معنی
Azi.o	(قاره‌ی) آسیا	azi.an.o	(شخصِ) آسیائی	azi.an.in.o	(خانمِ) آسیائی
Tehran.o	(شهرِ) تهران	tehran.an.o	(فردِ) تهرانی	tehran.an.in.o	(خانمِ) تهرانی
akademi.o	فرهنگستان	akademi.an.o	عضوِ فرهنگستان	akademi.an.in.o	(خانمِ) عضوِ فرهنگستان
famili.o	خانواده	famili.an.o	عضوِ خانواده	famili.an.in.o	(خانمِ) عضوِ خانواده
urb.o	شهر	urb.an.o	(فردِ) شهری	urb.an.in.o	(خانمِ) شهری
vilaĝ.o	روستا، دِه	vilaĝ.an.o	(فردِ) روستائی	vilaĝ.an.in.o	(خانمِ) روستائی
Islam.o	اسلام	islam.an.o	(فردِ) مسلمان	islam.an.in.o	(خانمِ) مسلمان
libr.ej.o	کتاب‌خانه	libr.ej.an.o	(فردِ) عضوِ کتاب‌خانه	libr.ej.an.in.o	(خانمِ) عضوِ کتاب‌خانه

تمرین یک: لطفا خانه‌های خالی را پر کنید:

به اسپرانتو	به فارسی	به اسپرانتو	به فارسی
Irano	ایران (نام کشور)	iran.ano	(فردِ) ایرانی
irana kato	گربه‌ی ایرانی	irana	ایرانی (صفت)
Irana tapiŝo	فرشِ ایرانی	Irana pistako	پسته‌ی ایرانی

برگشت به فهرست مطالب

Turk.ujo/Turk.io		turka lingvo	
turk.o		turk.oj	
turk.inoj		ge.turkoj	
turka teo		Turk.lando	

تمرین دو: لطفا به سوالات زیر پاسخ دهید

1- Ĉu vest.aĉ.o estas bela vesto?
2- Ĉu dom.aĉ.o estas bona domo?
3- Ĉu vi ŝatas parol.ad.ojn?
4- Kian nov.aĵ.on vi havas?
5- Ĉu vi estas tehran.an.o?
6- Ĉu vi estas myŝhyd.an.in.o?
7- Ĉu arb.ar.o estas ĝangalo?
8- Ĉu altajn arba.ar.ojn vi ŝatas?
9- Ĉu varm.eg.a teo estas trink.ebl.a?
10- Ĉu varm.et.a kafo (*qyhve*) estas trink.ind.a?
11- Ĉu vi ŝatas la blank.ec.on de neĝo (*byrf*)?
12- Ĉu floroj estas belaj, bel.et.aj, aŭ bel.eg.aj?
13- Ĉu vi ŝatas bel.eg.an mal.amikon, aŭ bel.et.an amikon?
14- Ĉu vi ŝatas ekster.land.an.ojn (*Ĥareĝi.ha.ra*)?
15- Ĉu vi estas afrik.an.in.o aŭ eŭrop.an.in.o?
16- Kiom da (*ĉynd ta*) famili.an.oj vi havas?

تمرین سه: به سوالات زیر پاسخ دهید

1- Ĉu en lern.ej.o vi instruas?
2- Ĉu en libr.ej.o vi parolas?

برگشت به فهرست مطالب

3- Ĉu vi estas parol.em.a persono?

4- Ĉu vi ŝatas parol.em.ul.ojn?

5- Ĉu nun vi em.as paroli pri filozofi.o?

6- Ki**a.j.n** ej.ojn vi preferas? Grand**a.j.n** aŭ malgrand**a.j.n**?

7- Ĉu vi estas an.o de libr.ejo?

8- Ĉu vi havas grandan il.ar.uj.on?

9- Ĉu vi havas mult.ajn il.ar.uj.et.ojn en via domo?

باقاعدگی و قابلیتِ تعمیم بی‌نهایت در زبان اسپرانتو

برای نشان‌دادن باقاعدگی و قابلیتِ تعمیم بی‌نهایت در زبان اسپرانتو و استفاده‌ی گسترده و بی‌حد و مرز از آوندهای اسپرانتو – و مقایسه‌ی آن با زبان فارسی و انگلیسی – در این‌جا به‌عنوان نمونه، به نحوه‌ی کاربرد گسترده و بدون استثنای یک پسوند اسپرانتو، یعنی -uj– ، می‌پردازیم:

نحوه‌ی استفاده از پسوند -uj– در اسپرانتو – و مقایسه‌ی آن با زبان فارسی و انگلیسی

نحوه‌ی ساختن اسم مخزن/محل وجود، یا نگه‌داری مقدار زیادی از یک چیز یا شخص و یا انجام فرایندی:		
اسپرانتو	انگلیسی	فارسی
Anglujo	England	کشور/سرزمین انگلیسی‌ها، انگلستان
rusujo	Russia	کشور/سرزمین روس‌ها، روسیه
pistujo	mortar	هاون، کابیله
cigaredujo	cigarette package	پاکت/جعبه‌ی سیگار(ت)
brikujo	hod	ظرف(حمل) آجر
fiŝujo	(fish) tank	تُنگ/ظرف ماهی
karbujo	scuttle	ظرف نگه‌داری ذغال، ذغال‌دان
benzinujo	gas tank	باک بنزین
teujo	caddy	چای‌دان، ظرف/جعبه‌ی چای

برگشت به فهرست مطالب

monujo	wallet	کیف پول
sagujo	quiver \’kwiv ər\	تیردان، ترکش
salujo	salt cellar, salt shaker	نمک‌دان، نمک‌پاش
abelujo	beehive	کندو، شان
supujo	soup bowl	ظرف سوپ
lavujo	washbowl, wash basin	روشوئی، دست‌شوئی
rozujo	rose bush	بوته/گیاه رُز
1 پسوند	16 پسوند یا کلمه	21 پسوند یا کلمه

با استفاده و الهام از دموی پُل گابینز[12] (1949–2016)، اسپرانتودان انگلیسی، که از مؤلفین، سردبیران، روزنامه‌نگاران و معلین مشهور اسپرانتو بود. وی عضو «آکادمی اسپرانتو» نیز بود.

13– سه وجه فعل (بودن، شدن، کردن): لازم و متعدی کردن افعال

در اسپرانتو سه وجه گوناگون افعال (بودن، شدن، کردن) به‌خوبی و راحتی قابل درک و بیان است. با وجود دو پسوند -iĝ– و -ig– که به‌ترتیب برای لازم (ناگذرا) و متعدی (گذرا) کردن افعال به‌کار می‌روند، به‌راحتی می‌توان وجوه مختلف افعال گوناگون را ساخت:

وجه بودن	معنی کلمه	وجه شدن	معنی کلمه	وجه کردن	معنی کلمه
est.i	**بودن**	**iĝ.i**	**شدن**	**ig.i**	**کردن**
est.i	بودن، وجودداشتن	est.iĝ.i	به‌وجود آمدن، ایجادشدن	est.ig.i	به‌وجود آوردن، ایجادکردن
blank.i	سفید بودن	blank.iĝ.i	سفید شدن	blank.ig.i	سفید کردن

---

[12] *Paul Gubbins*

برگشت به فهرست مطالب

سالم کردن، شفادادن	san.ig.i	سالم شدن، شفایافتن	san.iĝ.i	سالم بودن	san.i
نشاندن، نشانیدن (نشسته کردن)	sid.ig.i	نشستن (نشسته شدن)	sid.iĝ.i	نشسته بودن	sid.i
سیر کردن	sat.ig.i	سیر شدن	sat.iĝ.i	سیر بودن	sat.i
	blu.ig.i		blu.iĝ.i	آبی بودن	blu.i

چند مثال دیگر:

معنی کلمه	وجه کردن	معنی کلمه	وجه شدن	معنی کلمه	وجه بودن
ایستاندن (ایستاده کردن)	star.ig.i	بلندشدن (ایستاده شدن)	star.iĝ.i	ایستاده بودن، ایستادن	star.i
قرمز کردن	ruĝ.ig.i	قرمز شدن	ruĝ.iĝ.i	قرمز بودن	ruĝ.i
بیمار کردن	mal.san.ig.i	بیمار شدن	mal.san.iĝ.i	بیمار بودن	mal.san.i
گرسنه کردن	mal.sat.ig.i	گرسنه شدن	mal.sat.iĝ.i	گرسنه بودن	mal.sat.i
ادامه دادن	daŭr.ig.i	ادامه داده شدن	daŭr.iĝ.i	ادامه داشتن/یافتن	daŭr.i
آوردن	ven.ig.i	آورده شدن	ven.iĝ.i	آمدن	ven.i

ریشه‌ی کلمات افعالی که تاکنون آورده شد، همگی دارای وجه «بودن» هستند، به این خاطر با دو پسوند -iĝ– و -ig– به‌ترتیب لازم (ناگذرا) و متعدی (گذرا) شدند. حال اگر ریشه‌ی کلمه‌ی فعلی «کردن» باشد، به‌عبارت دیگر، چنان‌چه خودِ (ریشه‌ی) فعل «متعدی یا گذرا» باشد، با پسوند -iĝ– لازم یا ناگذرا می‌گردد، و با پسوند -ig– «متعدی مضاعف» یا «گذرای دوبرابر» می‌شود (و می‌تواند دو مفعول داشته باشد)، مانند:

La infano <u>manĝas</u> la manĝ.aĵ.on.

کودک <u>می‌خورد</u> غذا را.

La manĝ.aĵo <u>manĝ.iĝ.as</u> per la infano.

غذا <u>خورده‌می‌شود</u> توسط کودک.

La patr.ino <u>manĝ.ig.as</u> la manĝ.aĵ.on al la infano.*

مادر <u>می‌خوراند</u> غذا را به کودک.

برگشت به فهرست مطالب

* از آنجا که فعل **manĝ.ig.as** «متعدی مضاعف» یا «گذرای دوبرابر» یا «فعلِ دومفعولی» است، دو مفعول می‌تواند داشته باشد، که در این جمله، یکی از آن‌ها بی‌واسطه (یعنی بدون حرف‌اضافه) یا مستقیم، و با علامت مفعول مستقیم (پایانه‌ی n-) ذکر شده است (manĝ.aĵ.on)، و مفعول دوم (infano) باواسطه (یعنی با حرف اضافه‌ی al) بیان گردیده است.

وجه کردن (متعدی یا گذرا)	معنی کلمه	وجه شدن	معنی کلمه	وجه (وادار، ترغیب کردن، متعدی مضاعف	معنی کلمه
leg.i	خواندن، مطالعه کردن	leg.iĝ.i	خوانده شدن، مطالعه شدن	leg.ig.i	وادار/ترغیب به خواندن کردن، (خواناندن)
trink.i	نوشیدن	trink.iĝ.i	نوشیده شدن	trink.ig.i	نوشاندن، وادار به نوشیدن کردن
manĝ.i	خوردن	manĝ.iĝ.i	خورده شدن	manĝ.ig.i	خوراندن، وادار به خوردن کردن
memor.i	به‌یاد داشتن	memor.iĝ.i	به‌یادآورده شدن	memor.ig.i	به‌یاد انداختن/آوردن
vid.i	دیدن	vid.iĝ.i		vid.ig.i	
kon.i	شناختن	kon.iĝ.i		kon.ig.i	

حال اگر ریشه‌ی کلمه‌ی فعلی، «شدن» باشد، به‌عبارت دیگر، چنان‌چه خودِ (ریشه‌ی کلمه‌ی) فعل «لازم یا ناگذرا» باشد، با پسوند -iĝ– «لازمِ مضاعف» یا «ناگذرای دوبرابر» می‌گردد، و با پسوند -ig– «متعدی یا گذرا» می‌شود، مانند:

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

معنی کلمه	وجه (وادار، ترغیب کردن، متعدیِ مضاعف	معنی کلمه	وجه شدن، «لازمِ مضاعف» یا «ناگذرای دوبرابر»	معنی کلمه	وجه شدن (لازم یا ناگذرا)
آوردن	**ven.ig.i**	آورده شدن	**ven.iĝ.i**	آمدن	**ven.i**
متوقف کردن	**ĉes.ig.i**	متوقف کرده شدن (توسط چیز/شخصی دیگر)	**ĉes.iĝ.i**	متوقف شدن (خودبه‌خود)	**ĉes.i**
کُشتن (مُرده/بی‌جان کردن)	**mort.ig.i**	کُشته شدن (مرده/بی‌جان کرده شدن)	**mort.iĝ.i**	مُردن	**mort.i**

La patr.in.o venis al la tablo.

مادر آمد به‌طرف میز.

La patr.in.o ven.ig.is la infanon al la tablo.

مادر آورد کودک را به‌طرف میز.

La infano ven.iĝ.is al la tablo per la patr.in.o.*

کودک آورده‌شد به‌طرف میز توسط مادر.

*** از آنجا که فعل ven.iĝ.is «لازم مضاعف» یا «ناگذرای دوبرابر» است، دو "فاعل" که خیر، ولی دو "مکمل" دارد، که در این جمله هردوی آن‌ها باواسطه (یعنی به‌ترتیب با حرف‌اضافه‌ی al و per) یا غیرمستقیم، ذکر شده‌اند:**

al la tablo (مکملِ مکانی) به‌طرف میز

per la patrino (مکملِ فاعلی) توسط مادر

14– مکالمه: همکلاسی Sam.klas.an.o

sama	*hyman, hym-*		sam.klas.a	*hym.kelasi (sefyt)*
koro	*qylb, del*		kora	*qylbi, bateni*
trovi	*jaftyn, pejda kyrdyn*		trov.iĝ.i	*pejda/jaft ŝodyn*
feliĉa	*Ĥoŝbyĥt*		feliĉ.eg.a	*besjar ĥoŝbyĥt*
pensi	*fekr kyrdyn*		pens.em.a	*fykur, motefykker*
atingi	*nael ŝodyn, residyn*	→	ating.aĵ.o	*dystavyrd*
kara	*yziz, gerami*		kar.ul.in.o	*myhbube*
scii	*danestyn*		sci.em.a	*konĝkav*
studi	*tyhsil kyrdyn*		stud.anto	*mohyssel, daneŝĝu*
celo	*hydyf*		cel.i	*hydyf gereftyn*
vivo	*zendegi, hyjat*		viv(o).plena	*syrŝar yz zendegi, syrzende*
punkto (.)	*noqte, nokte*		ponkto.komo	*noqte.kama*
w	*du.obla vo*		www	*tri duoblaj voj*
streko (–)	*ĥytte.fasele*		(-) strek.eto	*ĥytte.faseleje kutah*
oblikva	*majel, kyĝ*		oblikva streko(/)	*momyjjez (slash)*

- **Saluton al vi, mia kar.eg.a sam.klas.an.o! Kiel vi fartas?**
  - Saluton, koran dankon, mi fartas tre bone. Kiel fartas vi kaj via am.inda kor.amik.in.o?
- **Dankon. Ankaŭ mi kaj Mona fartas eg.e bone. Kian nov.aĵ.on?**
  - Mi trovis tre bonan vort.ar.on de Esperanto en la inter.reto.
- **Bon.ege, kiuj estas ĝia nomo kaj ĝia (inter.)ret.adreso? Ĉu ĝi estas kompleta aro?**

- Ĝi nom.iĝ.as Reta Vort.aro (ReVo) kaj ĝia adreso estas www.reta-vortaro.de/. Jes, mi pensas, ke ĝi estas kompleta vort.aro.

- **Bon.eg.e, dankon! Mi ne sciis pri tio.**

- Kian nov.aĵ.on vi havas? Ĉu vi kaj Mona ge.edz.iĝos baldaŭ?

- **Ni vere deziras tion, sed nun ni ne povas ge.edz.iĝ.i*.**

- Mi el.kore deziras, ke vi kaj kara Mona baldaŭ atingu** al viaj celoj en la vivo.

- **Dankon, dankon. Ankaŭ mi deziras ĉiu.j.n bon.aĵ.ojn por vi kaj via kara familio.**

- Mi esperas, ke ankaŭ vi feliĉ.iĝ.os** en via vivo. Ĝis baldaŭ!

***چنان‌چه دو یا چند فعل پشت سر یک‌دیگر قرارگیرند – و به هم‌دیگر مرتبط باشند – فقط فعل نخست زمان‌دار است، و بقیه به صورت مصدر (یعنی «فعل بی‌زمان»، با پایانه‌ی i-- می‌آیند). چند مثال دیگر:**

Mi dezir.as studi medicinon.	***Myn majelym tyhsil konym pezeŝki.ra.***
Li vol.as vidi vin morgaŭ.	***U miĥahyd bebinyd ŝoma.ra fyrda.***
Ni pov.as fini tion baldaŭ.	***Ma mityvanim tymam.konim an.ra be.zudi.***
Mi dezir.us povi vidi tiun filmon.	***Myn majel (mi)budym betyvanym bebinym an film.ra.***

**** همان‌طور که مشاهده می‌شود پس از deziras, ke (که فعلی دعائی و درنتیجه کنش‌گر یا آکتیو است، حالت التزامی/امری فعل می‌آید (ating.u)، و پس از esperas, ke (که فعل آرزوئی و درنتیجه کنش‌پذیر یا پاسیو است)، حالت زمان‌دار فعل (در اینجا آینده‌ی فعل، یعنی feliĉ.iĝ.os) می‌آید.**

تمرین: لطفا به سوالات زیر پاسخ دهید:

1- Ĉu vi <u>ŝatas manĝi</u> pomon?

- **Ne, mi ne <u>ŝatas manĝi</u> pomon. Mi ŝatas manĝi piron.**

2- Ĉu vi <u>deziras studi</u> medicinon?

3- Kio.n vi <u>deziras studi</u>?

4- Kia.n ananason vi <u>ŝatas manĝi</u>?

5- Ĉu homoj <u>povas antaŭ.vidi</u> la futur.o.n (*ajynde.ra*)?

6- Ĉu ili <u>volas iri</u> al Ŝiraz.o?

7- Kiu <u>deziras antaŭ.vidi</u> la futuron?

8- Ĉu vi <u>deziras studi</u>, aŭ <u>bezonas studi</u>? Kion?

Korelativaj vortoj 15– کلمات جدولی یا هم‌بسته‌های اسپرانتو

Korelativaj vortoj aŭ tabel.vortoj «کلمات هم‌بسته» یا «کلمات جدولی»

Neni–	I–	Ĉi–	Ki–	Ti–	جدولِ هم‌بسته‌ها
هیچ –	یک – ی	هر –، همه–	چه –، کدام–	آن–	
Nenio	Io	Ĉio	Kio	Tio	–o
هیچ چیز	(یک) چیزی	هرچیز، همه چیز	چه چیز، کدام چیز	آن چیز	– چیز
Neniu	Iu	Ĉiu	Kiu	Tiu	–u
هیچ کس	(یک) کسی، شخصی	هرکسی، همه(کس)	چه‌کسی، کدام شخص	آن کس، آن‌شخص	–کس، – شخص
Nenia	Ia	Ĉia	Kia	Tia	–a
هیچ‌گونه	(یک) گونه‌ای	هرگونه، همه‌گونه	چگونه	آن‌گونه	– گونه
Nenie	Ie	Ĉie	Kie	Ti	–e
(در)هیچ‌جا	(در)(یک)جایی	(در)هرجا، همه‌جا	(در) کجا	(در) آن‌جا	(در) – جا
Nenies	Ies	Ĉies	Kies	Ties	–es
مالِ هیچ کس	مالِ(یک) کسی	مالِ هرکس، مالِ همه	مالِ چه‌کسی	مالِ آن‌کس	مالِ – کس
Nenial	Ial	Ĉial	Kial	Tial	–al
به‌هیچ علت، بدونِ دلیل	به(یک) علتی، به‌دلیلی	به‌هرعلت، به‌هر دلیل	چرا، به‌چه‌دلیل	به‌آن‌علت	– علت، دلیل، چرایی
Neniel	Iel	Ĉiel	Kiel	Tiel	–el
به‌هیچ‌ترتیب، هیچ‌طور	به‌ترتیبی	به‌هرترتیب، همه‌طور	به‌چه‌ترتیب، چطور	به‌آن‌ترتیب، آن‌طور	– ترتیب، طور
Neniam	Iam	Ĉiam	Kiam	Tiam	–am
هیچ‌وقت، هیچ‌گاه، هرگز	یک‌زمانی، یک‌وقتی، باری	هروقت، همیشه، هرگاه	چه‌وقت، کِی، کدام‌زمان	آن‌وقت، آن‌گاه، آن‌زمان	– وقت، گاه، زمان
Neniom	Iom	Ĉiom	Kiom	Tiom	–om
هیچ‌قدر، هیچ‌مقدار	(یک)قدری، مقداری	هرقدر، هراندازه	(به)چه‌مقدار،چقدر	(به)آن‌مقدار، آن‌قدر	– مقدار، اندازه، قدر

در توضیح و تفسیر و تحسین این جدول، بسیاری از افراد دست به قلم برده‌اند – و به‌خصوص از این‌که چه نقش به‌سزائی برای مرتب و منظم کردن ذهن انسان دارند، گفته‌اند – ولی در این‌جا تنها به اشاره‌ای به یک کار علمی/آماری که در مورد آن انجام شده است، بسنده می‌گردد.(Simpson, 2007)

دکتر دیوید جِی. سیمپسون، اسپرانتودان آمریکائی، در سال 2007 تحقیقی را در تنها چهار صفحه منتشر ساخت که نتیجه‌ی بررسی 69 کتاب ارزش‌مند اسپرانتو، که مجموعاً دارای بیش از چهار و نیم میلیون کلمه بودند، است. وی آمار و ارقام و درصدهای جالبی را در مورد میزان استفاده از هر یک از این هم‌بسته‌های 45-گانه را ارائه می‌کند:

جدول و نمودار درصد استفاده از هر یک از هم‌بسته‌های اسپرانتو

	ki-	ti-	i-	neni-	ĉi-
-o	kio (4.65%)	tio (9.41%)	io (1.51%)	nenio (1.17%)	ĉio (2.13%)
-u	kiu (17.72%)	tiu (11.36%)	iu (1.98%)	neniu (1.56%)	ĉiu (6.64%)
-a	kia (1.08%)	tia (2.38%)	ia (0.82%)	nenia (0.32%)	ĉia (0.26%)
-e	kie (1.97%)	tie (3.45%)	ie (0.18%)	nenie (0.06%)	ĉie (0.21%)
-el	kiel (8.54%)	tiel (4.13%)	iel (0.21%)	neniel (0.22%)	ĉiel (0.03%)
-al	kial (1.13%)	tial (1.13%)	ial (0.06%)	nenial (0.002%)	ĉial (0.0004%)
-am	kiam (5.42%)	tiam (2.34%)	iam (0.68%)	neniam (1.19%)	ĉiam (1.59%)
-om	kiom (0.53%)	tiom (0.74%)	iom (1.82%)	neniom (0.05%)	ĉiom (0.003%)
-es	kies (0.89%)	ties (0.35%)	ies (0.04%)	nenies (0.01%)	ĉies (0.03%)

وی نمودار جدول فوق را نیز به این صورت ارائه کرده است:

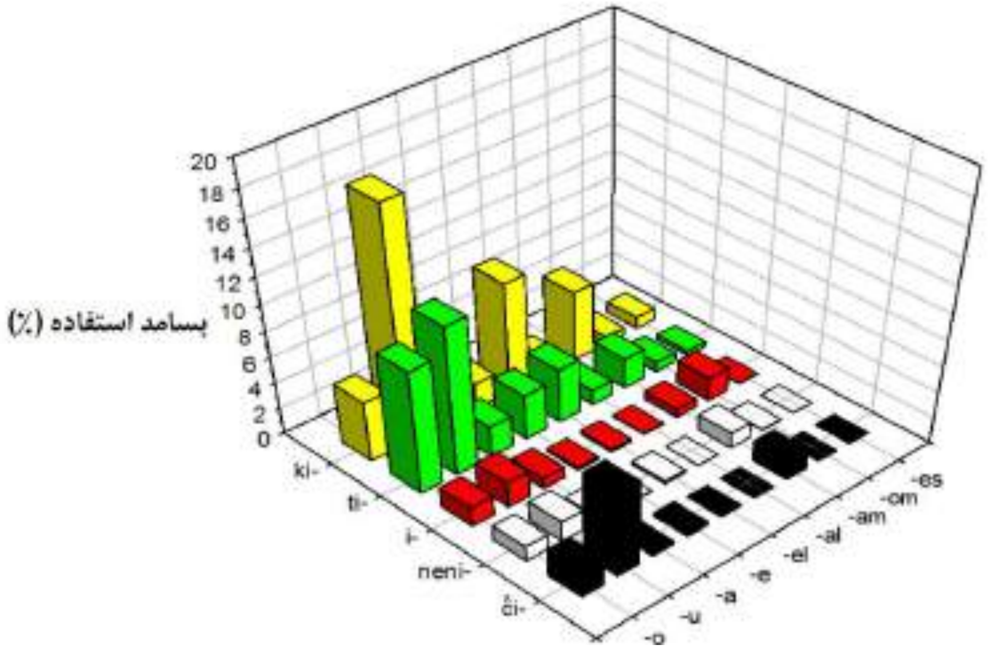

نمودار بسامد استفاده از هم‌بسته‌های اسپرانتو

برگشت به فهرست مطالب

دکتر سیمپسون آماری نیز در مورد درصد استفاده از هر یک از پیش‌تکواژها و پس‌تک‌واژهای همبسته‌های اسپرانتو ارائه کرده است، که در این‌جا به‌ترتیب ارقام نزولی آن‌ها مرتب و ذکر می‌گردد:

جدول بسامد استفاده از تک‌واژهای هم‌بسته‌های اسپرانتو

پیش‌تک‌واژها (٪)			پس‌تکواژها (٪)				
Ki-	41.95		-u	39.26		-a	4.87
Ti-	35.29		-o	18.86		-om	3.15
Ĉi-	10.89		-el	13.13		-al	2.33
i-	7.30		-am	11.21		-es	1.33
Neni-	4.57		-e	5.87			

سه نکته‌ی مهم در مورد دو ستون و یک سطر جدول هم‌بسته‌ها

* چنان‌چه قبل یا بعد از هریک از هم‌بسته‌های ستون -Ti (که همگی اشاره به دور هستند "آن")، واژه‌ی ĉi آورده شود، اشاره‌ی آن‌ها به نزدیک می‌شود "این"، مثل:

آن چیز = tio	→	این چیز = ĉi tio = tio ĉi
آن‌گونه = tia	→	این‌گونه = ĉi tia = tia ĉi

** چنان‌چه پس از هریک از همبسته‌های سطر -u (که همگی اشاره به فَرد، کَس و شخص دارند)، یک اسم (--o) آورده شود، دیگر اشاره‌ی به فَرد، کَس یا شخص نخواهند داشت و تبدیل به صفت می‌شوند، مثل:

Kiu kantas? =کدام‌شخص/فرد/کس می‌خواند؟	→	Kiu birdo kantas? =کدام پرنده آواز می‌خواند؟
Tiu belas. =آن‌شخص/فرد/کس زیباست.	→	Tiu seĝo belas. =آن صندلی زیباست.

*** چنان‌چه هریک از هم‌بسته‌های ستون -Ki (که همگی برای سوال‌کردن استفاده می‌شوند)، در جمله‌ای غیرسوالی استفاده گردند، از کلمه‌ی پرسشی یا استفهامی به «موصول» تبدیل می‌گردند به معنی «–که» یا «که–»، مثل:

Kio okazos morgaŭ? چه‌چیزی اتفاق خواهد افتاد فردا؟	→	**Neniu sci.as, kio okazos morgaŭ.** هیچ‌کسی نمی‌داند که چه‌چیزی فراد اتفاق خواهد افتد.
Kio.n li faras tie? چه‌کاری‌را او انجام می‌دهد (در) آن‌جا؟	→	**Mi demand.is lin, kio.n li faras tie.** من از او پرسیدم، که چه‌کاری را انجام می‌دهد در آن‌جا.
Kio estas en via koro? چه‌چیزی در دل‌تان است؟		**Kio iras el koro, venas al koro.** چیزی‌که از دل برآید، بر دل نشیند (آید).
Kie estas espero? (در)کجا هست امید؟		**Kie estas sufero, estas ankaŭ espero.** (در)جائی‌که رنج هست، امید هم هست.

تمرین: لطفا به سوالات زیر پاسخ دهید

1- **Kiu estas mia nomo?**

2- **Kiu estas via nomo?**

3- **Kiel vi nomiĝas?**

4- **Kie estas via domo?**

5- **Kia estas via domo?**

6- **Kia.n domon vi ŝatas havi?**

برگشت به فهرست مطالب

7- Kiu havas aŭto(mobilo)n?

8- Kiu kantas?

9- Kiu birdo kantas?

10- Kia kaj kie estas via aŭto?

11- Kiu estas vi?

12- Kio estas vi?

13- Kiu estas bona?

14- Kiu domo estas bona? La granda domo aŭ la mal.granda domo?

15- Kiu.n tablon vi ŝatas? La altan aŭ la mal.altan?

16- Kies libro estas sur la tablo?

17- Kies librojn vi <u>ŝatas legi</u> (*ĥandyn*)?

18- Kies filmojn vi <u>deziras vidi/spekti</u>?

19- Kiam vi deziras iri al via domo?

20- Kiom vi amas viajn ge.patr.ojn?

21- Kial vi tiom amas viajn ge.patr.ojn?

22- Kiel vi volas iri al via domo?

23- Ĉu ĉie ekzistas/estas bonaj homoj?

24- Kies estas ĉi tiuj libroj?

25- Kiam vi vidis tiu.n ĉi filmon?

برگشت به فهرست مطالب

16– اعداد Numeraloj/Nombraj vort.et.oj

اعداد اصلی اسپرانتو عبارت است از:

unu	یک	naŭ	نه
du	دو	dek	ده
tri	سه	cent	صد
kvar	چهار	mil	هزار
kvin	پنج	miliono	میلیون
ses	شش	miliardo (= mil milionoj)	میلیارد
sep	هفت		
ok	هشت	nul (= nulo)	صفر

برای ساختن اعداد اصلی ترکیبی، از این قاعده استفاده می‌شود که: اگر عددی قبل از dek, cent, mil, miliono, miliardo, ... بیاید، در آن ضرب می‌شود، و چنان‌چه پس از آن قرار گیرد، با آن جمع می‌شود، مانند:

dudek = ۲×۱۰= ۲۰   dek du = ۱۰+۲=۱۲

tridek = ۳×۱۰= ۳۰   dek tri = ۱۰+۳=۱۳

dudek mil = ۲×۱۰×۱۰۰۰=۲۰۰۰۰   mil dek du = ۱۰۰۰+۱۰+۲=۱۰۱۲

mil tricent okdek kvar = ۱۰۰۰+۳×۱۰۰+۸×۱۰+۴=۱۳۸۴

				2		1
		3		3		1
4		4		4		4
5	mil	5	cent	5	dek	5
6		6		6		6
…		…		…		…
				21 = 2dek 1 = dudek unu		
		= tricent tridek unu1331 = 3cent 3dek				
4444 = 4mil 4cent 4dek 4 = kvarmil kvarcent kvardek kvar						

اعداد ترتیبی (وصفی) و اعداد قیدی

ترجمه	عدد قیدی	ترجمه	عدد ترتیبی	ترجمه‌ی عدد	عدد
اولاً	unu.e	اولین، نخستین	unu.a	یک	**unu**
دوماً، ثانیاً	du.e	دومی، دومین	du.a	دو	**du**
دوازدهماً	dek du.e	دوازدهمی	dek du.a	دوازده	**dek du**
صدماً	cent.e	صدمی، (یک)صدمین	cent.a	صد، یک‌صد	**cent**

تمرین: اعداد زیر را بخوانید و با حروف بنویسید

عدد به حروف	عدد	عدد به حروف	عدد
(سال انتشار زبان اسپرانتو)	1887	(unu)cent du.dek tri	**123**
(سال تولد دکتر زامنهوف)	1859		**1404**
(سال فوت دکتر زامنهوف)	1917		**2025**
	2030	(شماره‌ی دفتر «سازمان جهانی اسپرانتو» در مقر اصلیِ سازمان ملل متحد در نیویورک)	**777**

تمرین: اعداد ترتیبی زیر را بخوانید و با حروف بنویسید

عدد به حروف	عدد	عدد به حروف	عدد
	20-a	dek du.a	**12-a**
	1000-a		**5-a**

برگشت به فهرست مطالب

ساختن کلمات دیگر (کلمات ترکیبی) از اعداد

تمرین: خانه‌های خالی را پُر کنید:

واژه‌ی اسپرانتو	معنیِ آن به فارسانتو	واژه‌ی اسپرانتو	معنیِ آن به فارسانتو
persono	*nyfyr*	du.preson.a	*do.nyfyre*
ĉambro	*otaq*	tri.ĉambr.a	
unu.o	*vahed*	unu.o de long.o	*vahede tul*
unu.iĝ.i	*jeki.ŝodyn, mottyhed ŝodyn*	unu.ig.i	*jeki.kyrdyn, mottyhed kyrdyn*
unu.ec.o	*vyhdyt*	unu.ec.ig.i	
unu.ec.o	*vyhdyt*		*vyhdyt jaftyn*
piedo		kvar.pied.a	*ĉ(ah)ar.pa*
peco	*tekke, qytwe*	tri.pec.a	*se.tekke*

17–مکالمه: اسم شما چیست؟ Kiu estas via nomo?

fari	***yn̂gam dadyn, kyrdyn***	→	**bon.far.ant.o**	***niku.kar***
aero	***hyva***		**aer.a**	***hyvai***
frato	***byradyr***		**frat.in.o**	***ĥahyr***
mastro	***yrbab***		**dom.mastr.ino**	***(ĥanome) ĥane.dar***
vetero	***(abo)hyva***		**veter.aĉ.o**	***(abo)hyvaje byd***
hodiaŭ	***emruz***		**hodiaŭ.a**	***emruzi***
polui	***alude kyrdyn***		**polu.iĝ.i**	***alude ŝodyn***
naski	***bedonja avyrdyn, zaidyn***		**nask.iĝ.i**	***motevylled ŝodyn***
inĝeniero	***mohyndes***		**inĝenier.a**	***mohyndesi***
universitato	***daneŝgah***		**universitat.a**	***daneŝgahi***

برگشت به فهرست مطالب

ĉar	zira, ĉon(ke)		ĉar.o.j	zira.ha, elyl
aĝo	senn		sam.aĝ.a	hym.senn
--iĝ-	ŝodyn, gyŝtyn		grand.iĝ.i	bozorg ŝodyn
domo	ĥane		flor.dom.o	golĥane
okcidento	qyrb, myqreb, baĥtyr		okcident.a	qyrbi, baĥtyri
veni	amydyn		kun.ven.o	hymajeŝ, bahymad
fermi	bystyn		mal.ferm.i	baz kyrdyn
sed	vyli, ymma, likyn		sed.i	ymma (dyr kar) avyrdyn
jaro	sal		unu.jar.a	jeksale
laboro	kar		labor.ej.o	kargah, myhylle kar
respektiv.e	be.tyrtib		respektiv.a	motenazer, myrbute
du	do (2)		du.jara	do.sale
kvar	ĉahar (4)		kvar.jar.aĝ.a	ĉahar.sale (senn)
dek	dyh (10)		du.dek	bist (20)
ses	ŝeŝ (6)		du.dek ses	bisto ŝeŝ (26)

مکالمه

- **Saluton!**
    - Saluton, kiel vi fartas?
- **Dankon. Mi fartas bone. Kaj vi?**
    - Ankaŭ mi fartas bone. Kor.an dankon.
- **Mia nomo estas Hamed. Kiu estas via nomo?**
    - Mia nomo estas Mazijar. Mazijar Azadi. Kiu estas via famili.a nomo?
- **Mia familia nomo estas Ŝokuhi. Mi havas tri ge.fratojn: unu frat.in.on kaj du fratojn. Kio pri vi?**
    - Mi ne havas frat.in.on. Mi havas nur unu fraton.
- **Kiu estas la nomo de via frato? Kiom aĝas li?**
    - Behnam, li nom.iĝas Behnam, kaj li estas 20-jar.a (du.dek-jara). Kiel nom.iĝas viaj ge.fratoj? Kiom-aĝaj estas ili?

برگشت به فهرست مطالب

- **Ili.aj nomoj estas Mina, Mehdi kaj Mani. Ili estas 20-jara (du.dek-jara), 24-jara (du.dek kvar-jara) kaj 26-jara (du.dek ses-jara), respektiv.e.**
    - Kio estas viaj ge.patroj?
- **Mia patr.ino estas dom.mastr.ino kaj mia patro estas inĝeniero. Kion faras viaj ge.patroj?**
    - Mia patr.in.o instruas fizik.on en universitato kaj mia patro laboras en poŝt.ofic.ej.o. Hodiaŭ la patr.ino ne iris al la laboro ĉar universitatoj ferm.iĝ.is pro aer.poluo.
- **Jes, hodiaŭ la vetero estas tre mal.varma kaj la aero estas ege mal.pura. Sed mia patro iris al la labor.ejo.**
    - Kie vi nask.iĝ.is? Ĉu en Tehrano?
- **Jes, mi nask.iĝis en Tehrano, sed miaj ge.patroj nask.iĝ.is en Abadano.**
    - Kiam ili venis al Tehrano? Kie estas via domo?
- **Ili venis al Tehrano antaŭ 30 (tri.dek) jaroj. Nia domo estas en la okcidenta parto de Tehrano.**

تمرین: لطفا به سوالات زیر پاسخ دهید:

1. **Kiuj estas viaj nomo kaj familia nomo?**
2. **Ĉu via patr.ino estas dom.mastr.ino?**
3. **Ĉu nun vi stud.as en universitato?**
4. **Kie estas via labor.ejo?**
5. **Kia.j estas la aero kaj la vetero hodiaŭ?**
6. **Kie kaj kiam vi nask.iĝis?**
7. **Kiu jaro estas nun?**
8. **Kiam kaj kie nask.iĝis viaj ge.patroj?**
9. **Ĉu vi scias, kie estas mia libro?**

برگشت به فهرست مطالب

10- Ĉu via domo estas tie, kie estas ankaŭ la domo de la aktoro?

11- Ĉu vi konas iu.n, kiu iris al la luno?

18- کمی بیشتر درباره‌ی پیشوند - --mal

همان‌طور که قبلاً مشاهده کردیم، پیشوند - --mal برای ساختن کلمات متضاد یا مخالف استفاده می‌شود. حال می‌خواهیم ببینیم اصولاً کدام کلمات – یا مفاهیم – می‌توانند دارای مفهوم «متضادِ مستقیم» یا مخالف مستقیم باشند، و کدام کلمات، خیر: چنان‌چه برای متضاد هر مفهوم یا کلمه، تنها فقط یک مفهوم یا کلمه یافت شود، آن‌را «متضادِ مستقیم» می‌نامیم و می‌توان با این پیشوند آن‌را ساخت؛ در غیر این صورت، واژه‌ی ساخته شده می‌تواند دو یا چند معنی مختلف داشته باشد بنابر متنی که در آن استفاده می‌گردد*:

کلمه Vorto	معنی آن	غیرقابل متضادِ مستقیم کردنِ واضح Ne.mal.ig.ebla klare	قابل متضاد مستقیم کردنِ واضح Mal.ig.ebl.a	چنان‌چه قابل متضادِ مستقیم کردن است: معنی متضادِ مستقیمِ آن	
varma	گرم		√	mal.varm.a	سرد
dolĉa	شیرین	√			
mola	نرم				
feliĉa	خوش‌بخت				
blanka	سفید				
ĝoja	خوش‌حال				
sata	سیر				
rapida	سریع، تُند				
juna	جوان				

* برای نمونه به معانی متفاوت mal.pagi در جملات زیر توجه کنید (pagi به‌معنی پرداختن است):

برگشت به فهرست مطالب

Ĉar mi ne havis sufiĉan monon, mi <u>mal.pagis</u> la lu.prezon de mia loĝ.ejo dum la lastaj monatoj.	از آن‌جا که پول کافی نداشتم، اجاره‌بهای مسکن‌ام را در طول ماه‌های اخیر <u>نپرداختم</u> (درصورتی که *باید* می‌پرداختم).
Post kiam la aktoro pagis la monon, la vend.ist.ino ek.konis lin kaj <u>mal.pagis</u> la monon al li.	پس از آن‌که آن بازی‌گر پول‌را پرداخت، خانم فروشنده او را شناخت و پول را به او <u>پس</u> داد.

Umam.o (japane *umami*, 旨み、旨味, うまみ) estas last.e trov.ita gusto kaj unu el la kvin bazaj gustoj. *Umami* estas japana vorto por "bon.gust.eco". Umam.a.n guston havas ekz-e (ekzemple): tomatoj, fungoj, olivoj, fiŝoj, fromaĝoj kaj soj-saŭco. **اومامی (به ژاپنی: umami, 旨み, 旨味, うまみ) مزه یا طعمی است که اخیراً کشف شده و یکی از پنج مزه‌ی اصلی است. Umami یک کلمه ژاپنی برای "خوش‌مزگی" است. طعم اومامی را خوردنی‌هایی مانند گوجه فرنگی، قارچ، زیتون، ماهی، پنیر و سُسِ سویا دارند.**	

کلمات متضاد از ریشه‌های متفاوت (نوآوری/نوواژه یا Neologismo)

در اسپرانتو گاه برای متضاد یک کلمه، کلمه‌ای کاملا متفاوت از ریشه‌ای دیگر هم وجود دارد، ولی اغلبِ این کلمات، نسبت به کلمات متضاد از ریشه‌ای واحد (که با استفاده از پیشوند - -- mal ساخته می‌شوند) به‌مراتب کم‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرند– حداقل در متون معمولی و روزمره. این‌گونه "نئولوگیسم‌ها" (neologismoj) یا «نوآوری»ها بیشتر در اشعار و متون ادبی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند:

برگشت به فهرست مطالب

کلمه	معنی آن	متضاد هم‌خانواده‌ی آن (با mal) mal.vort.o (mal.neologismo[13])		متضاد آن با کلمه‌ای دیگر mal.mal.vort.o (neologismo)	
		کلمه‌ی اسپرانتو	معنی آن	نوآوری (کلمه‌ی جدید)	نسبت استفاده از آن
dolĉa	شیرین	**maldolĉa**	(با تسامح) تلخ	**amara**	**1.2**
saĝa	عاقل	**malsaĝa**	نادان (احمق)	**stulta**	**1.1242**
ofta	اغلب	**malofta**	به‌ندرت (نادر)	**rara**	**0.5035**
grasa, abunda	چاق، باچربی، فراوان	**malgrasa, malabunda**	لاغر، بدون‌چربی، کم	**magra**	**0.4815**
diligenta, laborema	زرنگ، پُرکار	**maldiligenta, mallaborema**	تنبل، کم‌کار	**pigra**	**0.4058**
mola	نَرم	**malmola**	سفت، محکم	**dura**	**0.1979**
feliĉa	خوش‌بخت	**malfeliĉa**	شوربخت، بدبخت	**povra**	**0.1382**
gaja, ĝoja	شاد، خوش‌حال	**malgaja, malĝoja**	ناراحت، حزین	**trista**	**0.0978**
rapida	سریع، تند	**malrapida**	کُند، آرام	**lanta**	**0.0535**
juna	جوان	**maljuna**	مُسن، پیر	**olda**	**0.0444**
varma	گرم	**malvarma**	سرد	**frida**	**0.0342**
forta	قوی، قدرتمند	**malforta**	ضعیف، ناتوان	**febla**	**0.0302**
longa	طویل، دراز	**mallonga**	کوتاه	**kurta**	**0.0281**
bela	زیبا، قشنگ	**malbela**	زشت، کریه	**turpa**	**0.0119**
dekstra	راست، راستی	**maldekstra**	چپ، چپی	**liva**	**0.0104**

[13] Enkondukita per prof. François Lo Jacomo

برگشت به فهرست مطالب

multta	(بسیار) زیاد	malmulta	(بسیار) کم	poka	0.0042
proksima	نزدیک	malproksima	دور(دست)	dista	0.0013
proksima	نزدیک	malproksima	دور(دست)	lontana	0.0013
bona	خوب، نیک	malbona	بد	mava	0

19 – حروف اضافه Prepozici.oj/Rol.vort.etoj

جدول صفحه‌ی بعد حاوی تمامیِ حروف اضافه‌ی اسپرانتو است.

طبق قاعده‌ی هشتم از قواعد شانزده‌گانه‌ی اسپرانتو:

پس از حروف اضافه، باید حالت *فاعلیِ* اسامی یا ضمایر بیاید (نه حالت *مفعولِ* مستقیم با پایانه‌ی n--).

بنابراین:

جمله‌ی: !Vi iru kun ili صحیح است،

نه: !Vi iru kun ilin

به‌عبارت دیگر، هیچ‌گاه پس از حروف اضافه پایانه‌ی مفعول مستقیم (n--) نمی‌آید (مگر برای نشان دادن مقصد حرکت – در این مورد در بخش 23 صحبت خواهد شد).

چند مثال دیگر در این مورد:

Mi parolas pri li.	من درباره‌ی او صحبت می‌کنم.
Ili laboris por ŝi.	آن‌ها برای او کار (می)کردند.
Li staras apud la arbo.	او کنار درخت ایستاده (است).
Mi prenis tion de li.	من آن‌را از او گرفتم.
Vi povas legi pri ŝi en la libro.	شما می‌توانید راجع به او در (این) کتاب بخوانید.

برگشت به فهرست مطالب

حرف اضافه	معنیِ آن	مثال	معنیِ مثال
al	به (طرف)، به‌سوی	al la domo	به‌سوی خانه
anstataŭ	به‌جای، درعوضِ	anstataŭ mi	به‌جای من
antaŭ	قبل از، درجلوی، پیش از	antaŭ la domo	درجلویِ خانه
apud	(در)کنارِ، نزدیکِ	apud la domo	کنارِ خانه
ĉe	پهلوی، نزد، لبِ	ĉe la maro	لبِ دریا
ĉirkaŭ	(در)حدود، اطرافِ	ĉirkaŭ la urbo	(در) اطرافِ شهر
da	از (مقدار، اندازه)	glaso da akvo	(به‌اندازه‌ی) یک لیوان (از) آب
de	کسره‌ی اضافی، از	la domo de la patro	خانه‌ی پدر
dum	درطولِ، حینِ، مادامی‌که	dum li estis tie	مادامی که او آن‌جا بود
ekster	خارجِ، بیرون(از)	ekster Tehrano	خارج از تهران
el	از(داخلِ، درونِ)	el la sako	از (درونِ) ساک
en	در، درونِ، داخلِ	en la domo	در خانه، درونِ خانه
ĝis	تا	ĝis la kvara horo	تا ساعت چهار
inter	(در)بینِ، میانِ	inter la homoj	در بینِ انسان‌ها
je	مفاهیم متفاوت	je la tria horo	سرِ ساعتِ سه
kontraŭ	ضدِ، روبروی، علیهِ، مقابلِ	kontraŭ la domo	روبروی خانه، مقابلِ خانه
krom	علاوه‌بر، غیر از، علاوه‌بر	krom mi	غیر از من، علاوه‌برمن
kun	با، به‌همراهِ، همراه‌با	kun li	به‌همراهِ او
laŭ	بنابر، له، به‌عقیده‌ی	laŭ ili	به‌عقیده‌ی ایشان
malgraŭ	علی‌رغم، برخلافِ	malgraŭ tio ke	برخلافِ آن‌که
per	به‌وسیله‌ی، توسطِ، با	per aŭto	به‌وسیله‌ی اتومبیل
po	به‌مقدارِ، به‌اندازه‌ی	po 2 klilogramoj	به‌اندازه‌ی ۲ کیلوگرم
por	برای، درجهتِ	por paco	برای صلح
post	پس‌از، بعد از	post 3 horoj	پس از سه ساعت

حرف اضافه	معنیِ آن	مثال	معنیِ مثال
preter	ازکنارِ، ازجنبِ	preter tiu domo	از کنارِ آن خانه
pri	راجع‌به، درباره‌ی، درموردِ	pri tio	راجع‌به آن
pro	به‌خاطرِ	pro homeco	به‌خاطرِ انسانیت
sen	بدونِ، بی، فاقدِ	sen salo	بدونِ نمک
sub	زیرِ، تحتِ	sub la tablo	زیرِ میز
super	فوقِ، بالای، برفرازِ	Super ni estas la ĉielo.	بالای (سرِ) ما آسمان است.
sur	رویِ(سطحِ)	sur la tapiŝo	روی فرش
tra	ازمیانِ، ازبینِ، ازلابلایِ	tra la ĝangalo	ازمیانِ جنگل
trans	آن‌طرفِ، (ما)ورایِ	trans la rivero	آن‌طرفِ رودخانه

در زبان اسپرانتو راه برای ساختن حروف اضافه‌ی جدید نیز از ریشه‌ی کلمات، بسته نیست، به‌عنوان مثال، می‌توان از واژه‌ی fari (به‌معنیِ *انجام دادن*) حرف اضافه‌ی far (به‌معنیِ *انجام‌شده توسطِ* یا *به‌وسیله‌ی*) را فراساخت، و یا از کلمه‌ی rilato (*رابطه*)، حرف اضافه‌ی rilat (*در رابطه با*) را درست کرد.

مانند:

Hamleto <u>far</u> Ŝekspiro	**هَملِت <u>کارِ/ اثرِ/ توسطِ</u> شکسپیر**
La Flor.ejo (Golestano) <u>far</u> Sadio	**گلستان <u>کارِ/ اثرِ/ توسطِ</u> سعدی**
<u>Rilat</u> tio, mi parolos poste.	**<u>دررابطه‌با</u> آن‌چیز بعداً صحبت خواهم کرد.**

البته جملات فوق را به این صورت نیز می‌توان گفت:

Hamleto <u>fare de</u> Ŝekspiro

La Flor.ejo (Golestano) <u>fare de</u> Sadio

<u>Rilate al</u> tio, mi parolos poste.

قاعده‌ی اسپرانتو در مورد حروف اضافه و مقایسه‌ی آن با فارسی و انگلیسی

همان‌طور که در بالا گفته شد، بنابر یکی از قواعد 16گانه‌ی دستوری زبان اسپرانتو، پس از حروف اضافه، کلمات (اسامی یا ضمایر) با حالت <u>فاعلی</u> می‌آیند، نه با حالت <u>مفعولی</u> (همانند زبان فارسی و برخلاف زبان انگلیسی). مانند:

در اسپرانتو	در فارسی	در انگلیسی
<u>Li</u>. kun Ir.u	با <u>او</u> بروید.	Go with <u>him</u>.
<u>Ŝi</u>. al tio.n dir.is Mi	من آن را به <u>او</u> گفتم.	I told that to <u>her</u>.
پس از حروف اضافه <u>حالت فاعلی</u> ضمایر می‌آیند.	پس از حروف اضافه <u>حالت فاعلی</u> ضمایر می‌آیند.	پس از حروف اضافه <u>حالت مفعولی</u> ضمایر می‌آیند.

توجه: از این نظر، آن‌چه در اسپرانتو و فارسی وجود دارد، منطقی است، چراکه اسم یا ضمیر هنگامی که باواسطه (یعنی با حرف اضافه) می‌آیند، دیگر نباید حالت مفعولِ بی‌واسطه (یعنی بدون حرف اضافه) داشته باشند. به‌عبارت دیگر، یا باید از حرف‌اضافه استفاده کرد، یا از حالت مفعولِ مستقیم (نه هردوی آن‌ها به‌طور هم‌زمان).

تمرین برای حروف اضافه‌ی per، kun، al، pri و sen:

در جاهای خالی، لطفاً حرف اضافه‌ی مناسب بنویسید (اگر در مورد/مواردی می‌توان از بیش از یک حرف اضافه استفاده کرد، لطفا اختلاف معنی جمله‌های مربوطه را بگوئید.)

1. Li venis …… trajno …… sia amiko.
2. La mal.bona homo trajnis …… bileto.
3. Ĉu Hamed iris …… Homejra?
4. Manĝ.aĵo …… salo ne estas bon.gusta, kaj ……. salo estas bongusta.
5. Mi vidis vin …… Saman en la universitato.
6. Nun multaj infanoj lud.as …… komputilo.
7. Vi ne povas skribi …… skrib.ilo.

برگشت به فهرست مطالب

8. Hodiaŭ mi venis al la lern.ejo ……. mia biciklo.

9. Ŝi parolis …… telefono …… mia amiko.

10. Hodiaŭ oni mal.facile povas vivi …… komputilo.

11. Ni parolas …… lango (*zyban: ozve bydyn*) …… ĉio.

12. Bon.vol.e sendu* tio.n …… poŝto ……. mi!

13. Bon.vol.u sendi* tio.n …… poŝto ……. mi!

14. Ili preferas manĝi …… siaj ge.amikoj.

15. Ni multon lernas …… Esperanto.

16. Li vojaĝis …… trajno …… Ŝirazo.

17. Bon.volu paroli ……. via familio.

18. Bon.vol.e morgaŭ ven.u …… mia domo.

***Bon.vol.e send.u = Bon.vol.u send.i**

لطف کنید بفرستید (دو فعل پشت سر هم: فعلِ دوم مصدر) = **لطفاً بفرستید** (قید و فعل امری)

20– مکالمه: خارج‌از ایران Ekster Irano

veni	*amydyn*	→	ven.igi	*avyrdyn*
memori	*be jad daŝtyn*		memor.o	*hafeze, jad, ĥater*
monato	*mah (30 ruz)*		monat.a	*mah(ij)ane*
tamen	*ba in voĝud*		tamen.a	*mywylvysfi*
prava	*dorost, byr.hyq*		prav.ig.i	*moheq danestyn*
kelk.a	*qydri*		kelk.a.j	*ĉynd(ta), tewdadi*
tempo	*zyman, vyqt*		sam.temp.e	*(betoŭre) hymzyman*
Angl.io	*engelestan*		angl.a (lingvo)	*(zybane) engelisi*
diri	*goftyn*		dir.aĵ.o	*gofte*
ĝoja	*ĥoŝ.hal*		ĝoj.ig.i	*ĥoŝhal kyrdyn*
vero	*hyqiqyt*		ver.am.a	*hyqiqyt.dust*
lando	*keŝvyr, syrzymin*		sam.land.an.o	*hym.vytyn, hymkeŝvyr*

- **Saluton! Mia kara amiko!**

- Saluton, kiel vi fartas?

- **Dankon. Mi fartas bone. Kiel fartas vi kaj viaj famili.an.oj?**

- Ankaŭ mi kaj miaj familianoj fartas bone. Kor.an dankon. Ĉu viaj ge.patroj nun estas en Irano?

- **Jes, ili re.venis el Angl.io. Ili estis tie ĉirkaŭ du monat.ojn*.**

- Mi memoras, ke vi iris kun ili antaŭ kelkaj monatoj.

- **Jes, vi pravas, mi iris kun ili, sed pro mia universitato mi re.venis sen ili antaŭ unu monato.**

- Ĉu vi havis bonan tempon ekster Irano? Diru al mi pri Anglio, ĉu mal.varma lando?

- **Jes, mi havis tre bonan tempon dum mi estis ekster Irano, tamen mi vere ĝojas, ke mi re.venis al Irano, ĉar tie estis tre malvarme.**

کاربردهای چهارگانه‌ی پایانه‌ی n-- یا آکوزاتیو

⁎ پایانه‌ی n-- (یا آکوزاتیو، akuzativo) دارای 4 کاربرد متفاوت در اسپرانتو است، که در زیر آورده شده است – در جمله‌ی فوق، از کاربرد دوم آن استفاده شده است (بُعدِ زمان).

1- برای نشان دادنِ مفعولِ مستقیم یا مفعولِ بی‌واسطه (یعنی بدون حرفِ‌اضافه)، برابر با «را» در فارسی، مانند:

Mi amas vi.n.	من شما را دوست دارم.
La patrino kis.as la infano.n.	مادر کودک را بوسید.
Ver.on dir.u ĉiam!	حقیقت را بگوئید همیشه!

2- برای نشان دادن ابعاد گوناگون (مانند طول، عرض، ارتفاع، زمان، وزن، ...)، مثل:

La tablo estas 2 (du) metroj.n longa.	(این/آن) میز (به‌اندازه‌ی) 2 متر طول‌اش است.
Ŝi kvar (4) horoj.n leg.ad.is.	او (برای/به‌مدت) چهار ساعت مطالعه کرد.
Li loĝis en Amol.o du jaroj.n	او (برای/به‌مدت) دو سال در آمل اقامت داشت.

3- برای نشان دادن حالت، مانند:

Li parolis la manoj.n en la poŝoj.	او صحبت (می)کرد (درحالتی‌که) دستانش در جیب‌هایش بود.
Ŝi dormis la vizaĝo.n al la ĉielo.	او خواب است (درحالتی‌که) صورت‌اش رو به آسمان است. (طاق‌باز خوابیده)
Li sidis la okuloj.n ferm.itaj.	او نشسته بود (درحالتی‌که) چشم‌هایش بسته بود.

4- برای نشان دادن مقصد حرکت، مثلِ:

La kanario flug.is en la kaĝo.	قناری پرواز کرد در (داخل) قفس. (از ابتدا در قفس بود)
La kanario flug.is en la kaĝo.n	قناری پرید (و رفت به‌سمت) داخل قفس. (ابتدا در قفس نبود)

(برای توضیح بیشتر این کاربرد پایانه‌ی n- لطفاً به قسمت 23 همین جزوه مراجعه کنید.)

تمرین برای کاربردهای گوناگون پایانه‌ی n-- (آکوزاتیو)

هرجا که لازم است، لطفاً پایانه‌ی n-- را بنویسید (یا به صورت اسمِ جمع یا به‌صورت اسم مفرد):

1- Azita venis de la dom..... en la lern.ej.....

2- Ŝi ne iris el la dom.... kaj restis (*mand*) en la dom.....

3- Se vi volas manĝi pom.... vi devas aĉeti pom.....

4- Ŝi estas instru.ist.ino kvar jar.....

5- Ŝi estas instru.ist.ino dum kvar jar.....

6- Mana dormas la vizaĝ..... al la tero.

7- Ili sidis sur la seĝoj la okul.... mal.ferm.itaj.

8- La arbo estas 10 metr.... alta kaj 40 centimetr.... dika.

تمرین برای حروف اضافه‌ی por، pri و pro:

در جاهای خالی لطفاً حرف اضافه‌ی مناسب بنویسید (اگر در مورد/مواردی می‌توان از بیش از یک حرف اضافه استفاده کرد، لطفاً اختلاف معنی جمله‌های مربوطه را بگوئید.)

1. Azita venis .... sci.igi nin .... siaj sukcesoj.

2. Mi ne iris el la domo .... la mal.bona vetero.

3. Se vi volas multe scii .... tio, vi devas vidi/spekti tiun filmon.

4. Ŝi estas instru.ist.ino .... matematiko.

5. Mi ver.e ĝoj.iĝ.is .... lia sukceso.

6. Mana sendis (*ferestad*) mesaĝon (*pyjam*) ...... sia amik.ino .... si.a vojaĝo.

7. .... kio vi ne venis hieraŭ al nia domo?

8. Ne lac.ig.u vin .... tio.

9. .... Esperanto multaj homoj ne scias io.n.

10. Ĉu vi multe laboris .... ĉi tiu projekto?

21- تک‌ایستاها Partikuloj/Sol.star.iv.oj/Vort.et.oj

کلمات تک‌ایستا یا تک‌ایستاها واژگاهی هستند، که بدون پایانه (هم) قابل استفاده می‌باشند، و شامل هفت گروه زیر هستند (که تاکنون با برخی از آن‌ها آشنا شده‌اید، و با بقیه‌ی آن‌ها نیز در همین جزوه آشنا خواهید شد):

1- حرف تعریفِ معین (difina artikolo): la

2- اعداد (nombraj vort.etoj/numeraloj)، مثل:

Unu (1), du (2), tri (3), kvar (4), kvin (5), ses (6), sep (7), ok (8), naŭ (9), dek (10), cent (100), mil (1000), miliono (1,000,000)

3- حروف اضافه (prepozicioj/rol.vort.etoj)، مانند:

en, per, kun, sur, pri, por

4- هم‌بسته‌ها (korelativoj/tabel.vortoj)، مثل:

برگشت به فهرستِ مطالب

kio, kiu, tiu, tiam, ĉia, iel, neniam

5- حروف ربط بستگی‌زا (subjunkcioj/fraz.enkonduk.iloj)، که جمله‌ی فرعی را به جمله‌ی اصلی پیوند می‌زند، مثل:

ke, ĉar, dum, kiam, kvankam

6- حروف ربط پیوندزا (konjunkcioj/kun.ligaj vort.etoj)، که کلمات، عبارات یا جملات هم‌نقش را به‌یک‌دیگر مرتبط می‌سازند، مانند:

kaj, aŭ, sed, do, tamen

7- آواها یا اصوات (interjekcioj/ek.kriaj vort.etoj)، که شامل صداواژه‌های مربوط به حیوانات و اشیاء نیز هستند، مثل:

aj (آی: *درد*), tiktak (تیک‌تاک: *ساعت*), kva kvak (قور، قور: *قورباغه*)

باید توجه داشت که از تمامی تک‌ایستاها می‌توان برای ساختن کلمات پایانه‌دار نیز استفاده کرد، مانند:

la.oj, unu.a, kiu.j, en.a, ĉar.oj, sed.i, tiktak.i

در جدول زیر پاره‌ای از تک‌ایستاها آمده‌اند:

برگشت به فهرست مطالب

تک‌ایستا	معنی	تک‌ایستا	معنی
adiaŭ	خداحافظ	jes	بلی، آری
ajn	باشد، بُود (بی تفاوتی)	ju	هر قدر
almenaŭ	لااقل، دست‌کم، حداقل	ĵus	همین الان، لحظه‌ای پیش
ankaŭ	هم، نیز، هم‌چنین	kvazaŭ	گویی، انگار
ankoraŭ	هنوز، هم‌چنان	mem	خودش، خود
apenaŭ	به‌سختی، تقریبا	morgaŭ	فردا
baldaŭ	به‌زودی	ne	نه، خیر
ĉi	این	nun	حال، حالا، اکنون
ĉu	آیا	nur	فقط، تنها
do	پس، بنابراین، درنتیجه	plej	"— ترین"
eĉ	حتی	pli	"— تر"
for	دور، دوردست	plu	باز هم، بیش‌تر، دیگر
hieraŭ	دیروز	preskaŭ	تقریباً، نه کاملاً
hodiaŭ	امروز	tre	خیلی (زیاد)
ja	البته (که)، مطمئناً، بله البته	tro	بیش از حد
jam	(حالا) دیگر، اکنون، هم‌اکنون	tuj	فوراً، زود

همان‌طور که گفته شد، در اسپرانتو با تک‌ایستاها نیز – مانند تمامی تک‌واژهای دیگر – می‌توان کلماتِ پایانه‌دار ساخت، در جدول زیر چند مثال دیگر آورده شده است:

adiaŭ.i	*ĥoda.hafezi kyrdyn*	mem.o	*ĥiŝtyn, nyfs, ĥod*
hieraŭ.a	*diruzi, myrbut be diruz*	nun.tempe	*dyr hale hazer*
jes.i	*byle goftyn, tywjid kyrdyn*	pli.igi	*biŝtyr kyrdyn, yfzudyn*
ne.i	*nyfj kyrdyn, ĝyvabe mynfi dadyn*	tro.igi	*mobaleqe/efrat kyrdyn*

برگشت به فهرست مطالب

Vojaĝo al Ŝirazo 22- مکالمه: سفری به شیراز

dum	*dyr tejje, dyr tule*		dum.viv.a	*dyr.tule.omr, omri*
longa	*tyvil, tulani*		long.o	*tul, deraza*
pasi	*gozyŝtyn*		pas.ig.i	*gozyrandyn*
vojaĝo	*syfyr, mosaferyt*		vojaĝ.em.a	*mosaferyt.dust*
plaĉa	*ĥoŝ(ajynd)*		mal.plaĉ.a	*naĥoŝajynd*
gasto	*mehman*		gast.ig.i	*mehman kyrdyn*
sana	*salem*		re.san.ig.i	*ŝyfa dadyn*
onklo	*ymu, daji*		onkl.in.o	*ymme, ĥale*
aŭdi	*ŝenidyn*		aŭd.ebl.a	*qabele.ŝenidyn*
knabo	*pesyr*		knab.in.o	*doĥtyr*
biologo	*zist.ŝenas*	→	kosmo.biolog.o	*zistŝenase kejhani*
kuzo (onkl.id.o, onkl.in.id.o)	*pesyr.daji, pesyr.ymu, pesyr.ĥale, pesyr.ymme*		kuz.in.o (onkl.id.in.o, onkl.in.id.ino)	*doĥtyr.daji, doĥtyr.ymu, doĥtyr.ĥale, doĥtyr.ymme*
nokto	*ŝyb*		mez.nokt.o (nokto.mez.o)	*nime.ŝyb*
el	*yz, yz dyrune, yz omqe*		el.kor.a	*yz symime qylb, yz tyhe del*
mal.varma	*syrd*		mal.varm.um.o	*syrma.ĥordegi*
planto	*gijah*		plant.id.o	*nyhale gijah*
lasta	*aĥyri(n), yĥir*		lasta.temp.e	*yĥiryn*

- **Saluton Ara! Kiel vi fartas? Kie vi estis dum tiom longa tempo?**
    - Saluton Mina, el.koran dankon, mi fartas bon.ege. Mi estis en Ŝirazo dum preskaŭ unu monato. Kiel fartas vi kaj via kara familio?
- **Dankon. Ankaŭ mi kaj la familio fartas bone. Nur mia mal.pli granda frato, Dara, pas.igis mal.varm.um.on. Kia estis la vojaĝo? Ĉu ŝiraza vetero bonis? Kie vi tra.noktis? Ĉu en hotelo?**
    - Bone, ke Dara jam re.san.iĝ.is. Tio estis ege bona vojaĝo por mi, ĉar kaj la vetero estis tre plaĉa, kaj ni gastis ĉe mia onklo. Ĉiu.tage mi estis kun la ge.kuzoj.
- **Mi tre gajas aŭdi tiel bonajn nov.aĵ.ojn pri vi kaj via plaĉa vojaĝo. Kiom da ge.kuzoj vi havas? Kion ili faras?**
    - Dankon kara. Mi havas unu kuzon, Behruz, kaj du kuz.in.ojn, Behnaz kaj Behĝyt. Ĉiuj ili studas en la Universitato de Ŝirazo.
- **Kian nov.aĵon vi havas? Ĉu vi ne vojaĝ.is lasta.tempe?**
    - Ne mi ne vojaĝis dum la tuta last.jaro. Mi pensas, ke mi jam vidis vian kuzon, Behruz. Ĉu li ne estas tiu knabo, kiu last.jare estis en via nask.iĝ.taga festo?
- **Jes, ja vi pravas. Vi bone memoras lin.**
    - Pri kio li studas?
- **Li studas pri biologio. Li ek.de infan.aĝo deziris biolog.iĝi. Li ĉiam amis ĉiajn plantojn.**

- Tre interese. Li devas esti ege feliĉa, ĉar li studas tion, kion li vere ŝatas. Bedaŭr.inde mi ne povis studi tion, kion mi vere ŝat.is.

- **Kion vi ŝat.us studi?**

تمرین: به سوالات زیر پاسخ دهید

1- Ĉu vi havas ge.fratojn? Se jes, kiom da?
2- Kiuj estas la nomoj de viaj ge.fratoj? Kiom ili aĝas?
3- Ĉu vi havas ge.kuzojn? Se jes, kiom da?
4- Kiel nom.iĝas viaj ge.kuzoj? Kiom da jaroj ili havas?
5- Ĉu vi havas ge.onklojn? Se jes, kiom da?
6- Kio estas la nomoj de viaj ge.onkloj? Kiom-aĝaj ili estas?
7- Al kiuj urboj de Irano vi vojaĝis?
8- Al kiuj landoj de la mondo vi vojaĝis?
9- Kiu.n urbon de Irano vi plej ŝatas?
10- Kiu.n landon de la mondo vi plej ŝatas?
11- Kiu.n urbon vi plej ŝatas en ekster.lando?
12- Ĉu vi povas paroli german.e?
13- En kiuj lingvoj vi povas paroli?
14- Ĉu vi parolas la anglan (lingvon) bone?
15- Ĉu la persa (lingvo) estas facila (lingvo)?
16- Kia estas Esperanto? Ĉu ĝi belas? Ĉu ĝi facilas?

23– فعلِ حرکتی

بنابر یکی از قواعد دستوری 16گانه‌ی اسپرانتو، (مانند زبان لاتین*) مقصد حرکت در جملاتی که فعل آن‌ها دارای حرکت جهت‌دار است، پایانه‌ی مفعولی (در اسپرانتو n--) می‌گیرد، مانند:

Ir.u en la ĉambro!	راه‌بروید در اتاق! (الآن داخل اتاق هستید)
Ir.u en la ĉambro.n!	بروید در اتاق! (الآن خارج اتاق هستید)
Birdo flug.is en la ĝardeno.	پرنده‌ای پرواز کرد در (داخل) باغ. (از ابتدا در باغ بود)
Birdo flug.is en la ĝardeno.n.	پرنده‌ای پرید (و رفت) توی باغ. (ابتدا در باغ نبود)
La infano saltas sur la lito.	بچه روی تخت (بالا و پائین) می‌جهد.
La infano saltas sur la lito.n.	بچه می‌جهد به‌روی تخت. (تاقبل‌ازآن، روی تخت نبود)

* در جدول زیر این امر به‌خوبی قابل مشاهده است:

مقایسه‌ی استفاده از آکوزاتیو برای مقصد حرکت در لاتین و اسپرانتو

فارسی	Latin	Esperanto	توضیح
شما به (سوی درون) باغ می‌دوید.	**In hortum curris.**	**Vi kuras en la ĝardenon.**	در لاتین **hortus** حالت فاعلیِ باغ است **hortum** حالت مفعولی یا آکوزاتیو آن.
او به‌سوی (درون) ویلا می‌رود.	**In villam ambulat.**	**Ŝi iras en la vilaon.**	در لاتین **villa** حالت فاعلیِ ویلا است و **villam** حالت مفعولی یا آکوزاتیو آن.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در اسپرانتو، بر خلاف لاتین، ساختن حالت مفعولی (آکوزاتیو) کاملا باقاعده و بدون استثنا است (تنها کافی است پایانه‌ی n-- به اسم یا ضمیر اضافه شود).

تمرین افعال حرکتی:

(kaĝo = قفس)

Ir.u rapide en la lern.ej.o!	
Ir.u rapide en la lern.ej.o.n!	

	پرنده‌ای پرواز کرد در (داخل) قفس. (از ابتدا در قفس بود)
	پرنده‌ای پرید (و رفت) توی قفس. (ابتدا در قفس نبود)
La kato saltas en la aŭto.	
La kato saltas en la aŭto.n.	

Ven.u ĉe la lagon! 24- مکالمه: بیائید کنارِ دریاچه!

Novaj Vortoj   واژگان جدید

gaja	***ŝad, ĥoŝ.hal***		**gaj.ig.a**	***ĥoŝhal.konynde***
fakto	***ymr, vaqeijjyt***		**fakt.e**	***dyr.vaqew***
lago	***dyrjaĉe***		**lag.et.o**	***berke, abgir***
promeni	***gyrdeŝ kyrdyn***	→	**promen.ejo**	***gyrdeŝgah***
ĝuste	***dyqiqyn***		**mal.ĝust.a**	***qylyt, eŝtebah***
arto	***honyr***		**art.e.far.it.a**	***mysnui, honyri***
inviti	***dywvyt kyrdyn***		**invit.il.o**	***dywvyt.name***
ludi	***bazi kyrdyn***		**lud.il.o**	***ysbab.bazi***

برگشت به فهرست مطالب

ebria	***(syr)myst, bi.ĥod***		**ebri.ig.a**	***(syr)myst.konynde***
peti	***ĥaheŝ kyrdyn***		**pet.eg.i**	***eltemas kyrdyn***
nubo	***ybr***		**nub.iĝ.i**	***ybri ŝodyn***
verda	***sybz***		**verd.ej.o**	***sybze.zar***
ĉielo	***as(e)man***		**ĉiel.ark.o**	***ryngin.kyman***
kvankam	***hyr.ĉynd***		**kvankam.a**	***hyrĉyndi***
monto	***kuh***		**mont.ar.o**	***reŝte.kuh***
rivero	***rud(ĥane)***		**river.et.o**	***nyhr(e ab)***
ŝtono	***syng***		**ŝton.eg.o**	***syĥre***
folio	***byrg, vyryq***		**foli(um).i**	***byrg dadyn, vyryq zydyn***
proksima	***nyzdik***		**proksim.um.e**	***tyqribyn***
planto	***gijah***		**plant.i**	***kaŝtyn***

- Saluton mia kara amiko, kia bona vetero! Kiel vi fartas en tia vetero?

- Saluton, el.koran dankon, mi fartas ege bone. Fakte la bona vetero tre gaj.igas min. Kiel vi kaj viaj ge.patroj fartas?

- Dankon. Ankaŭ mi kaj la ge.patroj fartas tre bone. Kian nov.aĵ.on?

- La plej bona nov.aĵo estas la bela vetero kaj la pura aero. Ĝuste pro tio, mi petis vin veni ĉe la lagon. Mi ŝat.egas promeni ĉirkaŭ ĝi.

- Jes, ankaŭ mi tre ŝatas la lagon. Kvankam ĝi estas art.e.far.it.a, tamen ĝi estas tre granda kaj bela.

- La blua ĉielo, la blankaj nuboj kaj la proksima ĝangalo ebri.ig.as min.

- Egan dankon pro via invito, ankaŭ mi nun havas tre bonan tempon ĉi tie, kun vi, kaj ĉe la lago.

- La lago re.memor.ig.as al mi pri nia infan.aĝo. Ni ĉiam ludis ĉirkaŭ ĝi. Tiam la arboj estis tre mal.altaj, kaj ne ekzistis multaj plantoj.

Ĉitgyr-lago, okcidente de Tehrano	

تمرین: به سوالات زیر پاسخ دهید

1- Ĉu vi vizitis la Ĉitgyr.an Lagon (Ĉitgar.lagon)? Se ne, ĉu vi deziras viziti ĝin?

2- Kie estas la lago?

3- Ĉu vi vizitis la Kaspi.an Mar.on (*Dyrjaje Ĥyzyr*)?

4- Ĉu la Ĉitgyr.a Lago estas natura aŭ art.e.far.it.a? Kio pri la Kaspi.a Maro?

5- Ĉu la Kaspia Maro estas la plej granda lago de la mondo?

6- Ĉu la Kaspia Maro estas la plej malgranda maro de la mondo?

7- Ĉu vi naĝis en la Kasipa Maro? Se ne, ĉu vi deziras fari tion?

8- Ĉu vi deziras naĝi en la Ĉitgara Lago? Ĉu tio estas permes.it.a (*moĝaz*)?

9- Ĉu vi povas naĝi bone?

10- Ĉu estas/trov.iĝas naĝ.ejo apud via domo?

11- Ĉu vi kutime/ofte iras al naĝejo?

12- Ĉu vi havas naĝ.ilojn por sub.akva naĝ.ado?

13- Ĉu fiŝ.naĝ.iloj estas manĝ.eblaj?

Naturaj kaj art.e.far.it.aj naĝ.il.oj	

برگشت به فهرست مطالب

25– انواع مختلف جمله Diversaj specoj de frazoj

برای آشنا شدن با ساختار جمله در زبان اسپرانتو، که از انعطاف بسیار زیادی برخوردار است – و ارکان اصلی آن را (فاعل، مفعول و فعل) می‌توان به هر یک از شش حالت ممکن در کنار یک‌دیگر قرار داد، بدون آن‌که معنی جمله تغییر کند – در این‌جا به ذکر چند جمله، از انواع گوناگون، همراه با معنی آن اکتفا می‌شود:

(frazo) جمله	(signifo) معنی	نوع جمله
Hieraŭ pluvis, hodiaŭ neĝas, morgaŭ sunos.	دیروز باران بارید، امروز برف می‌آید، فردا آفتابی خواهد بود.	خبری (گذشته، حال و آینده)
Bonvole donu libron al mi.	لطفا کتابی به من بدهید.	تمنایی، خواهشی
Ĉiuj amas pacon kaj amikecon.	همه عاشق صلح و دوستی هستند.	خبریِ تعمیمی
Homeco estas granda espero por la homaro.	انسانیت امید بزرگی برای بشریت است.	خبری
Nenie estas pli bone ol hejme.	هیچ‌جایی بهتر از خانه نیست.	خبریِ منفی
Neniu scias ĉion.	هیچ‌کسی همه‌چیز را نمی‌داند.	خبریِ منفی
Ĉu la vero venkas?	آیا حقیقت پیروز می‌شود؟	سوالی
Jes, la vero ĉiam venkas.	آری، حقیقت همیشه پیروز می‌شود.	پاسخ مثبت
Ĉu ĉio estas malesperiga?	آیا همه‌چیز مایوس‌کننده است؟	سوالی
Ne, ne ĉio estas malesperiga.	خیر، همه‌چیز هم مایوس‌کننده نیست.	پاسخ منفی
Ĉu vi ne volas lerni Esperanton?	آیا نمی‌خواهید اسپرانتو را بیاموزید؟	سوالیِ منفی
Estu ĝentila, tamen ne lasu aliajn ĝeni vin.	مودب باشید، با این وصف اجازه ندهید دیگران اذیت‌تان کنند.	امری
Ne manĝu rapide!	تند غذا نخورید!	امری منفی (نهیی)
Se li estus riĉa, li helpus al vi.	اگر او ثروت‌مند بود، به‌شما کمک می‌کرد.	شرطیِ ناممکن
Se vi bone studas, vi sukcesiĝos.	اگر خوب بخوانید، موفق خواهید شد.	شرطی ممکن
Kiaj belaj okuloj!	چه چشمانِ زیبایی!	تعجبی

تمرین یک: خانه‌های خالی را پُر کنید:

جملات اسپرانتو	معنی آن‌ها به فارسی	نوع جمله
Ŝi estas riĉ.a.	او ثروتمند است.	خبری
Ĉu ili estas riĉ.a.j?	آیا آن‌ها ثروتمند هستند؟	سوالی
	خیر، آن‌ها ثروتمند نیستند.	پاسخِ منفی
Se mi riĉ.iĝ.os, mi aĉet.os grandan domon.	اگر من ثروتمند شوم، خانه‌ی بزرگی خواهم خرید.	شرطی ممکن
Se mi est.us arbo, mi don.us miajn fruktojn al ĉiuj.	اگر من درخت (می)بودم، میوه‌هایم را به همه می‌دادم.	شرطی غیر ممکن
Kiaj/Kiom/Kiel altaj arboj!		
Ĉu vi ne manĝis?		
Manĝ.u sufiĉe!	بخورید به‌اندازه‌ی کافی!	
Ne lud.u multe!	بازی نکنید زیاد!	

تمرین دو: خانه‌های خالی را پُر کنید:

جملات اسپرانتو	معنی آن‌ها به فارسی	نوع جمله
La mondo estas grand.a.	دنیا بزرگ است.	خبری
	آیا دنیا بزرگ است؟	سوالی
	خیر، دنیا بزرگ نیست	پاسخِ منفی
	آری، دنیا بزرگ است.	پاسخ مثبت
Se ni ne zorg.os pri la tero, ĝi pere.os.	اگر ما مراقب زمین نباشیم، از بین خواهد رفت.	

Se mi est.us maro, mi dron.ig.us neniun.	اگر من دریا (می)بودم، هیچ کسی را غرق نمی‌کردم.	
Kiaj/Kiom/Kiel belaj vortoj!	چه کلمات زیبائی!	
Ĉu vi ne ŝatas pomon?		سوالی منفی
Parol.u mal.laŭt.e!	آرام (یواش) صحبت کنید!	
Ne parol.u laŭt.e!	بلند صحبت نکنید!	

26- حذف در کلمات اسپرانتو Elizio

طبق یکی از قواعد شانزده‌گانه‌ی زبان اسپرانتو، به‌خصوص در اشعار و نثرهای ادبی، پایانه‌ی اسم (o--)، و حرف صدادارِ حرف تعریف (la) می‌توانند حذف شوند و به‌جای آن‌ها، آپوستروف (') قرار گیرد، مانند:

amo = am' la = l' forto de la amo = fort' de l' am'

متن این قاعده ی اسپرانتو: "حرف مصوتِ آخرِ اسامی و حرف تعریف، می‌تواند حذف گردد و به‌جای آن، آپوستروف قرار گیرد."

به‌عبارت دیگر، یا به‌بیان دقیق‌تر، پایانه‌ی اسم (o--)، که یک هجای کوتاه است (اُ)، و حرف صدادارِ تنها حرفِ تعریفِ اسپرانتو (la)، یعنی (a)، که یک هجای بلند یا کشیده است (آ)، می‌توانند حذف گردند و به‌جای آن‌ها آپوستروف گذاشته شود.

به‌عنوان نمونه، عبارت « از میان سکوت»، که عنوانی سه‌کلمه‌ای متعلق به مجموعه‌شعری از دکتر ادمون پریوا (1889-1962)، اسپرانتودان برجسته‌ی سوئیسی، است را می‌توان 4 جور متفاوت نگاشت:

باز بودن دست شاعر در اسپرانتو برای حذف هجاهای بلند و کوتاه

اشکال ممکن حذف در عنوان Tra la silento	تعداد و نوع هجا(های) حذف شده
Tra la silento	-
Tra la silent'	یک هجای کوتاه
Tra l' silento	یک هجای بلند
Tra l' silent'	یک هجای بلند و یک هجای کوتاه

و یا، به‌همین ترتیب، اولین مصرع این بند از شعر معروف دکتر زامنهوف تحت عنوان «راه» (La Vojo)، که در صفحات بعد متن کامل آن می‌آید، را می‌توان 36 جور مختلف بیان کرد:

L' espero, l' obstino kaj la pacienco –
jen estas la signoj, per kies potenco
ni paŝo post paŝo, post longa laboro,
atingos la celon en gloro.

یعنی در همین یک مصراع کوتاه، تا 6 هجا (3هجای کوتاه و 3 هجای بلند) را می‌توان حذف یا اضافه کرد:

La espero, la obstino kaj la pacienco
La espero, l' obstino kaj la pacienco
L' esper', l' obstino kaj la pacienco
L' espero, l' obstin' kaj la pacienco
L' espero, l' obstino kaj la pacienc'
...

در متن کامل این شعر، که در صفحات بعد می‌آید، به موارد دیگری هم که در آن‌ها از این قاعده‌ی اسپرانتو استفاده شده است، توجه نمائید:

Doktoro Ludoviko Lazaro Zamenhof (1859-1917) La iniciat.int.o de Esperanto دکتر لودویک لازارو زامنهوف (1917–1859) آغازگر زبان اسپرانتو	

تمرین حذف در کلمات اسپرانتو: تمامی موارد/حروف قابل‌حذف را در جملات زیر حذف کنید و به‌جای آن‌ها آپوستروف بگذارید

1. Amo al patrino estas universala.
   Am’ al patrin’ estas universala.
2. Forto de la vero
   Fort’ de l’ ver’
3. Sorto (*syrneveŝt*) de la homo

4. Afriko: lul.ilo (*gyhvare*) de la homo

5. La amo de la homoj al Afriko estas fama.

6. Potenco (*qodryt*) de la amo

7. Ver.eco de la sentoj

8. Ĉu vi legis libron “Laŭdo (*tyhsin*) de la stult.ec.o (*yblyhi, hemaqyt, divanegi*)” fare de Erasmo de Roterdamo (1466-1536)?

Gerhard Gerhards, pli kon.ata latine kiel Desiderius Erasmus, kaj Esperante kiel Erasmo aŭ pli precize kiel Erasmo de Roterdamo, estis nederlanda pens.ulo aŭ filozofo, scienc.isto, verk.isto kaj la plej granda renesanc.a human.isto. Unu el liaj ĉef.verkoj estas: “Laŭdo de l’ Stulteco” (1509), kiun li verkis latin.e. Ĝian Esperantan tradukon - fare de Gerrit Berveling - en 1988 el.donis UEA en sia ege prestiĝa “Serio Oriento-Okcidento”.	*Erasmo de Roterdamo* Erasmo, pentrita de Hans Holbein la Juna

برگشت به فهرست مطالب

مثالی برای حذف در اشعار اسپرانتو: شعر «راه» از دکتر زامنهوف La Vojo

La Vojo راه

Tra densa mallumo briletas la celo,	از میان تاریکی انبوه هدفی سوسو می‌زند،
al kiu kuraĝe ni iras.	که به‌سوی آن شجاعانه ره می‌نوردیم،
Simile al stelo en nokta ĉielo,	همانند ستاره‌ای در آسمان شب،
al ni la direkton ĝi diras.	مسیر حرکت را به ما می‌نمایاند.
Kaj nin ne timigas la noktaj fantomoj,	و ما را از اشباح شبانه هراسی نیست،
nek batoj de l' sortoj, nek mokoj de l' homoj,	و نه از ضربات سرنوشت و تمسخر آدمیان،
ĉar klara kaj rekta kaj tre difinita	چراکه روشن، مستقیم و کاملاً مشخص است
ĝi estas, la voj' elektita.	راهی که برگزیده‌ایم.
Nur rekte, kuraĝe kaj ne flankiĝante,	فقط مستقیم، باشهامت و بدون انحراف،
ni iru la vojon celitan!	باید راهی را درنوردیم که هدف گرفته‌ایم!
Eĉ guto malgranda, konstante frapante,	قطره‌ای کوچک حتی، با ضربات مداوم خود،
traboras la monton granitan.	کوه خارا را سوراخ می‌کند.
L' espero, l'obstino kaj la pacienco –	امید، پایداری و شکیبایی –
jen estas la signoj, per kies potenco	نمادهایی است، که با قدرت آن
ni paŝo post paŝo, post longa laboro,	گام به گام، پس از کوششی طولانی،
atingos la celon en gloro.	با جلال و شکوه به هدف‌مان خواهیم رسید.
Ni semas kaj semas, neniam laciĝas,	ما بذر می‌افشانیم و بذر می‌افشانیم، و هرگز خسته نمی‌شویم،
pri l' tempoj estontaj pensante.	چراکه در اندیشه‌ی زمان‌های آینده‌ایم،
Cent semoj perdiĝas, mil semoj perdiĝas, –	صدها و هزارها بذر به‌هدر می‌روند –
ni semas kaj semas konstante.	اما ما همچنان بذر می‌افشانیم،
"Ho, ĉesu!" mokante la homoj admonas, –	آدمیان تسخرزنان ما را نکوهش می‌کنند که: "دیگر بس است!". –
"Ne ĉesu, ne ĉesu!" en kor' al ni sonas:	ولی در قلب ما این ندا طنین می‌اندازد که: "ادامه دهید، ادامه دهید!
"Obstine antaŭen! La nepoj vin benos,	با پایداری پیش روید، نوادگان‌تان به‌یاری‌تان خواهند آمد،
se vi paciencе eltenos".	اگر شما با شکیبایی تحمل کنید".
Se longa sekeco aŭ ventoj subitaj	اگر خشک‌سالی طولانی یا بادهای سهمگین
velkantajn foliojn deŝiras,	سبب کنده شدن برگ‌های پژمرده گردند،
ni dankas la venton, kaj, repurigitaj,	ما باد را سپاس خواهیم گفت و پس از این پیرایش،
ni forton pli freŝan akiras.	نیرویی تازه‌تر می‌یابیم.
Ne mortos jam nia bravega anaro,	یاران بس شجاع ما فنا نخواهند شد،
ĝin jam ne timigos la vento, nek staro,	نه باد و نه موانع دیگر، ایشان را نخواهند ترساند،
obstine ĝi paŝas, provita, hardita,	با پایداری هم‌چنان گام خواهند برداشت، مجرب و آب‌دیده،
al cel' unufoje signita!	به‌سوی هدفی که یک‌بار (برای همیشه) تعیین شده‌است!
Nur rekte, kuraĝe kaj ne flankiĝante	فقط مستقیم، باشهامت و بدون انحراف،
ni iru la vojon celitan!	باید راهی را درنوردیم که هدف گرفته‌ایم!
Eĉ guto malgranda, konstante frapante,	قطره‌ای کوچک حتی، با ضربات مداوم خود،
traboras la monton granitan.	کوه خارا را سوراخ می‌کند.
L' espero, l' obstino kaj la pacienco –	امید، پایداری و شکیبایی –
jen estas la signoj, per kies potenco	نمادهایی است، که با قدرت آن
ni paŝo post paŝo, post longa laboro,	گام به گام، پس از کوششی طولانی،
atingos la celon en gloro.	با جلال و شکوه به هدف‌مان خواهیم رسید.

برگشت به فهرست مطالب

Interjekci.oj/ek.kriaj vort.et.oj kaj son.imitoj 27– اصوات و آواها

جدا از اصواتی مانند adiaŭ (خداحافظ)، bis (دوباره) یا hura (هورا)، اصوات یا آواها، که شامل صداواژه‌های مربوط به حیوانات و اشیاء نیز می‌شود، قابل تقسیم‌بندی به انواع گوناگونی است. در جدول زیر تعدادی از اصوات اسپرانتو آمده است:

صوت، آوا یا صداواژه	معنی آن	نوع آن
He!	آهای!	فراخواننده یا ندایی
Ho!	ای	فراخواننده یا ندایی
For!	دور شوید!	دور کننده یا دفع کننده
Ek!	شروع کن! (یالا!)	تشویق کننده، ترغیب کننده یا تحسین کننده
Aj!	آی! (برای ابراز درد)	بیان‌گرِ احساس‌های گوناگون
Kurre, kurre	بَق بقو	صداواژه‌ی کبوتر
Kva kvak	قور قور	صداواژه‌ی قورباغه
Kvivit, kvivit	جیک جیک	صداواژه‌ی گنجشک
Kluk, kluk!; Glu-glu!	قُلپ قلپ	صداواژه‌ی خارج شدن آب از بطری
Pif-paf!	کیو، کیو!	صداواژه‌ی شلیک
Puf!	تَرَق	صداواژه‌ی سقوط یا افتادن
Pum!	شَتَرَق	صداواژه‌ی سقوط از ارتفاعی زیاد
Tik-tak!	تیک تاک	صداواژه‌ی ساعت

نام بسیاری از اصوات یا صداواژه‌های مربوط به حیوانات را می‌توان با blek.i به معنی "صدادرآوردن" ساخت، مانند:

ran.bleko (kva, kvak!)	صدای قورباغه (قور قور)
La ranoj blekis dum la tuta nokto.	قورباغه‌ها در تمامی (طول) شب صدا می‌کردند (قور قور می‌کردند).
ĉeval.bleko	صدای اسب (شیهه)
Mi ege ŝatas ĉeval.blek.ad.on.	من خیلی (صدای) شیهه کشیدن اسب را دوست دارم.
strigo.bleko (hu!)	صدای جغد

28- حروف ربط بستگی‌زا و حروف ربط پیوندزا
Subjunkci.oj/fraz.enkonduk.iloj kaj Konjunkcioj/kunligaj vort.etoj

در جدول زیر حروف ربط یا رابط‌های اسپرانتو به تفکیکِ دو نوعِ رابط‌های بستگی‌زا (subjunkcioj) و رابط‌های پیوندزا (konjunkcioj)، آمده‌است:

رابط پیوندزا	معنی	رابط بستگی‌زا	معنی
aŭ	یا	ĉar*	چون‌که، از آن‌جاکه، زیرا
aŭ… aŭ…	یا (این)… یا (آن)…	ĉu	آیا
ĉu… aŭ…	آیا (این شق)…یا (آن شق)…	dum	در حین، ضمن این‌که، درحینی‌که
ĉu… ĉu…	چه (این شق)…چه (آن شق)…	ĝis	تا، تا این‌که، تا وقتی‌که
ĉar*	چون‌که، از این رو که	ke	که
do	پس، بنابراین	kvankam	اگرچه، با وجود این‌که، هرچندکه
jen… jen…	گاه (این)…گاه (آن) …	kvazaŭ	گویی، انگار (که)، گوئیا
kaj	و، به علاوه	se	اگر، در صورتی‌که
kaj… kaj…	هم (این)…هم (آن)…	se eĉ = eĉ se	حتی اگر، اگر حتی
minus (–)	منهای (–)	nur se	فقط اگر، اگر فقط
sed ne nur… ankaŭ	نه فقط… بلکه هم‌چنین …		
nek	و نه، هم نه، همچنین نه		
nek… nek…	نه (این)…نه (آن)…		
nu	خب		
ol	از (برای مقایسه)		
plus (+)	به‌علاوه‌ی (+)		
sed	اما، ولی، بلکه، لیکن		
tamen	با وصف این، با وجود این		

*همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این حرف ربط هم می‌تواند به‌عنوان حرف ربط بستگی‌زا به‌کار رود، در ابتدای جمله، و هم می‌تواند به‌عنوان حرف‌ربط پیوندزا به‌کار رود در وسط جمله:

Ĉar li estas bona homo, ĉiuj ŝatas lin.

از آنجا که او انسان خوبی است، همه او را دوست دارند.

Li venis mal.frue, ĉar lia aŭto pane.is.

او دیر آمد، زیرا اتومبیل‌اش خراب شد.

به مثال‌های زیر دقت کنید و خانه‌های خالی را نیز پُر نمائید:

Mi amas kaj mian patron kaj mian patrinon.	من، هم پدرم را دوست دارم، (و) هم مادرم را.
Kaj vi, kaj ŝi, estas tre bonaj homoj.	
Nek mi, nek mia patrino ŝatas televidilon.	نه من، نه مادرم تلویزیون را دوست نداریم.
Mi nek manĝas viandon, nek trinkas lakton.	
Kvankam mi satas, tamen mi deziras manĝi tion.	هرچند من سیر هستم، بااین‌وجود مایلم آن‌را بخورم.
Kvankam malvarmas, tamen mi deziras iri al la ĝangalo.	
Ĉu pluvos, ĉu ne, mi iros por promen.ado.	چه باران ببارد، چه نه، من برای قدم‌زدن (گردش) خواهم رفت.
Aŭ vi, aŭ via fratino iru al la universitato.	
Li parolis kun mi tiel, kvazaŭ li estas mia patro.	او با من آن‌طور صحبت کرد، انگار پدر من است.
Ne nur ŝi, sed ankaŭ ŝia familio pensas tiel.	
Hodiaŭ la ĉielo estis jen suna, jen nuba.	امروز آسمان گاه آفتابی بود، گاه ابری.
Eĉ se vi ne konsentas, mi faros tion.	حتی اگر شما موافق نباشید، من آن‌کار را انجام خواهم داد.
Se vi venos al lia domo, ankaŭ mi venos.	اگر شما بیائید به خانه‌ی او، من هم خواهم آمد.
Mi ne povas kompreni, ke ĉu tio veras, aŭ ne.	من نمی‌توانم بفهمم، که آیا آن(چیز) حقیقت دارد، یا خیر.

29– سرود اسپرانتو: «امید» اثر دکتر زامنهوف La Espero

Espero امید

En la mondon venis nova sento,	حسی نو در جهان پدیدار گشته،
Tra la mondo iras forta voko;	ندایی نیرومند دنیا را درمی‌نوردد؛
Per flugiloj de facila vento	بر بال‌های بادی سبک‌پوی
Nun de loko flugu ĝi al loko.	کنون باید از جایی به دیگر جای به‌پرواز درآید.
Ne al glavo sangon soifanta	نه به‌سوی شمشیری تشنه به‌خون
Ĝi la homan tiras familion:	خانواده‌ی بشری را می‌کشاند:
Al la mond' eterne militanta	که به دنیایی که همیشه در جنگ است
Ĝi promesas sanktan harmonion.	مژده‌ی هماهنگی‌ای مقدس را می‌دهد.
Sub la sankta signo de l' espero	در پای نشانه‌ی مقدس امید
Kolektiĝas pacaj batalantoj,	مبارزان صلح گرد هم می‌آیند،
Kaj rapide kreskas la afero	و کار ما به‌سرعت رشد می‌کند
Per laboro de la esperantoj.	به‌یاریِ کوششِ امیدواران.
Forte staras muroj de jarmiloj	دیوارهای هزاران ساله با قدرتِ تمام
Inter la popoloj dividitaj;	مابین مردمان جدایی افکنده‌است؛
Sed dissaltos la obstinaj baroj,	اما همه‌ی این موانع سهمگین ازمیان برداشته خواهدشد،
Per la sankta amo disbatitaj.	به‌یاری این عشق مقدس.
Sur neŭtrala lingva fundamento,	بر بنیاد زبانی بی‌طرف،
Komprenante unu la alian,	و با تفاهمی متقابل،
La popoloj faros en konsento	مردمان با هم‌سویی بوجود خواهند آورد
Unu grandan rondon familian.	یک جمعِ خانوادگیِ عظیم را.
Nia diligenta kolegaro	هم‌یارانِ هوشیار ما
En laboro paca ne laciĝos,	در کارِ صلح‌طلبانه‌ی خویش خسته نخواهند شد،
Ĝis la bela songô de l' homaro	تا هنگامی که این رؤیای زیبای بشریت
Por eterna ben' efektiviĝos.	برای وصول به برکتی جاودانه تحقق یابد.

16 reguloj de Esperanto قواعد شانزده‌گانه‌ی اسپرانتو -30

در طول این جزوه با تمامی 16 قاعده‌ی دستوری زبان اسپرانتو، که متن کامل‌آن‌ها به اسپرانتو و فارسی در زیر می‌آید، آشنا شدیم:

1. Artikolo nedifinita ne ekzistas; ekzistas nur artikolo difinita (la), egala por ĉiuj seksoj, kazoj kaj nombroj. La uzado de la artikolo estas tia sama, kiel en la aliaj lingvoj. La personoj, por kiuj la uzado de la artikolo prezentas malfacilaĵon, povas en la unua tempo tute ĝin ne uzi.
2. La substantivoj havas la finiĝon -o. Por la formado de la multenombro oni aldonas la finiĝon -j. Kazoj ekzistas nur du: nominativo kaj akuzativo; la lasta estas ricevata el la nominativo per la aldono de la finiĝo n. La ceteraj kazoj estas esprimataj per helpo de prepozicioj (la genitivo per de, la dativo per al, la ablativo per per aŭ aliaj prepozicioj laŭ la senco).
3. La adjektivo finiĝas per -a. Kazoj kaj nombroj kiel ĉe la substantivo. La komparativo estas farata per la vorto pli, la superlativo per plej; ĉe la komparativo oni uzas la konjunkcion ol.
4. La numeraloj fundamentaj (ne estas deklinaciataj) estas: unu, du, tri, kvar, kvin, ses, sep, ok, naŭ, dek, cent, mil. La dekoj kaj centoj estas formataj per simpla kunmeto de la numeraloj. Por la signado de numeraloj ordaj oni aldonas la finiĝon de la adjektivo; por la multoblaj – la sufikson -obl-, por la nombronaj – -on-, por la kolektaj – -op-, por la disdividaj – la vorton po. Krom tio povas esti uzataj numeraloj substantivaj kaj adverbaj.
5. Pronomoj personaj : mi, vi, li, ŝi, ĝi (ordinare pri objekto, besto aŭ infaneto), si, ni, vi, ili, oni; la pronomoj posedaj estas formataj per la aldono de la finiĝo adjektiva. La deklinacio estas kiel ĉe la substantivoj.
6. La verbo ne estas ŝanĝata laŭ personoj nek nombroj. Formoj de la verbo : la tempo estanta akceptas la finiĝon -as; la tempo estinta -is; la tempo estonta -os; la modo kondiĉa -us; la modo ordona -u; la modo sendifina -i. Participoj (kun senco adjektiva aŭ adverba): aktiva estanta -ant-; aktiva estinta -int-; aktiva estonta -ont-; pasiva estanta -at-; pasiva estinta -it-; pasiva estonta -ot-. Ĉiuj formoj de la pasivo estas formataj per helpo de responda formo de la verbo esti kaj participo pasiva de la bezonata verbo; la prepozicio ĉe la pasivo estas de.
7. La adverboj finiĝas per -e; gradoj de komparativo kiel ĉe la adjektivoj.
8. Ĉiuj prepozicioj per si mem postulas la nominativon.
9. Ĉiu vorto estas legata, kiel ĝi estas skribita.

10. La akcento estas ĉiam sur la antaŭlasta silabo.
11. Vortoj kunmetitaj estas formataj per simpla kunigo de la vortoj (la ĉefa vorto staras en la fino); la gramatikaj finiĝoj estas rigardataj ankaŭ kiel memstaraj vortoj.
12. Se en frazo estas alia nea vorto la vorto ne estas forlasata.
13. Por montri direkton, la vortoj ricevas la finiĝon de la akuzativo.
14. Ĉiu prepozicio havas difinitan kaj konstantan signifon; sed se ni devas uzi ian prepozicion kaj la rekta senco ne montras al ni, kian nome prepozicion ni devas preni, tiam ni uzas la prepozicion je, kiu memstaran signifon ne havas. Anstataŭ la prepozicio je oni povas ankaŭ uzi la akuzativon sen prepozicio.
15. La tiel nomataj vortoj fremdaj, t. e. tiuj, kiujn la plimulto de la lingvoj prenis el unu fonto, estas uzataj en la lingvo Esperanto sen ŝanĝo, ricevante nur la ortografion de tiu ĉi lingvo; sed ĉe diversaj vortoj de unu radiko estas pli bone uzi senŝanĝe nur la vorton fundamentan kaj la ceterajn formi el tiu ĉi lasta laŭ la reguloj de la lingvo Esperanto.
16. La fina vokalo de la substantivo kaj de la artikolo povas esti forlasata kaj anstataŭata de apostrofo.

1. حرف تعریف نامعین وجود ندارد. فقط یک حرف تعریف معین (la) وجود دارد که برای همه‌ی جنسیت‌ها، حالت‌ها (فاعلی و مفعولی) و تعداد (مفرد و جمع) یکی است. استفاده از حرف تعریف (در اسپرانتو) مانند زبان‌های دیگر است. افرادی که استفاده از حرف تعریف برای‌شان مشکل است، می‌توانند در ابتدا اصلاً از آن استفاده نکنند.
2. اسامی دارای پایانه‌ی o- هستند. برای جمع بستن اسم، پایانه‌ی j- اضافه می‌شود. فقط دو حالت دستوری (در اسپرانتو) وجود دارد: فاعلی و مفعولی؛ حالت مفعولی با اضافه کردن پایانه‌ی n- به حالت فاعلی درست می‌شود. حالت‌های دیگر با کمک حروف اضافه بیان می‌شوند (برای مثال، حالت اضافه/اضافی، وابستگی یا *گنِتیو*، یعنی مُضاف و مضاف‌الیه، با de؛ حالت به‌ای یا برائی یا *داتیو* با al؛ و حالتِ ازی یا ازسوئی یا *آبلاتیو*، با per یا توسط سایر حروف اضافه (مانند (ek)de ، (dis)de و el) بر حسبِ معنیِ مورد نظر.
3. صفت به a- ختم می شود. حالت‌های دستوری و تعداد آن، مانند اسم است (یعنی با پایانه‌ی n- مفعولی و با پایانه‌ی j- جمع بسته می‌شود). صفت تفضیلی با کلمه‌ی pli (–تر)، و صفت عالی با plej (ترین) ساخته می‌شود؛ در صفت تفضیلی برای مقایسه، از حرف ربط ol (به‌معنیِ "از") استفاده می‌شود.
4. اعداد اصلی (که صرف نمی‌شوند) عبارتند از: unu (یک)، du (دو)، tri (سه)، kvar (چهار)، kvin (پنج)، ses(شش)، sep (هفت)، ok (هشت)، naŭ (نه)، dek (ده)، cent (صد)، mil (هزار). ده‌گان و صدگان با ترکیبِ ساده‌ی اعداد تشکیل می‌شوند. برای ساختن اعداد ترتیبی، پایانه‌ی صفت (یعنی a-) اضافه می‌شود؛ برای ضرب از پسوند-obl-- ، برای تقسیم از -on-- ، برای تجمیع و گروه‌گروه کردن از -op-–، و برای توزیع از کلمه‌ی po استفاده می‌کنیم. جدای از آن می‌توان از اعداد به‌صورت اسم (با پایانه‌ی o-) و قید (با پایانه‌ی e-) استفاده کرد.

5. ضمایر شخصی عبارتند از: mi (من)، vi (تو، شما)، li (او، مذکر)، ŝi (او، مؤنث)، ĝi (آن: برای شیء، حیوان یا کودک)، ni (ما)، vi (شما)، ili (ایشان، آن‌ها)، oni (مجهول: کسی، مردم، انسان‌ها)، si (خود، خودش، خودشان، خویش). ضمایر ملکی با اضافه کردن پسوند صفت (یعنی a-) ساخته می‌شوند. نحوه‌ی صرف آن‌ها مانند اسم‌ها است.
6. فعل بر اساس اشخاص (اول‌شخص و دوم‌شخص و سوم‌شخص) یا تعداد (جمع و مفرد بودن) تغییر نمی‌کند. اشکال افعال ساده: زمان حال پایانه‌ی as- را می‌پذیرد؛ زمان گذشته با پایانه‌ی is- ، و زمان آینده با پایانه‌ی os- می‌آید؛ حالت شرطی با پایانه‌ی us-، حالت امری با پایانه‌ی u- و مصدر فعل با پایانه‌ی i- می‌آید. برای حالت فاعلی (به‌صورت وصفی یا قیدی): حال معلوم با پسوند فاعلیِ -ant-، گذشته‌ی معلوم با پسوند فاعلیِ -int- و آینده‌ی معلوم با پسوند فاعلیِ -ont- می‌آیند؛ درحالی‌که برای حالت مفعولی: حال مجهول با پسوند مفعولیِ-at- ، گذشته‌ی مجهول با پسوند مفعولیِ -it- ، و آینده‌ی مجهول با پسوند مفعولیِ -ot- می‌آید. اشکال افعال معلوم و مجهول با کمک زمانِ لازم از فعل بودن (est.i) ساخته می‌شوند، و در جملات مجهول برای ذکر فاعل از حرف اضافه‌ی de یا per استفاده می‌گردد.
7. قیدها به پایانه‌ی e- ختم می‌شوند. درجات مقایسه‌ای آن‌ها، مانند صفت‌ها است.
8. همه‌ی حروف اضافه به خودی خود حالت فاعلی اسم را طلب می‌کنند (نه حالتِ مفعولیِ آن‌را).
9. هر کلمه همان‌طور که نوشته می‌شود، خوانده می‌شود.
10. آکسان یا تکیه در تمامی کلمات، همیشه بر روی سیلاب یا بخشِ ماقبل آخر است.
11. کلمات مرکب از به هم پیوستن ساده‌ی کلمات تشکیل می‌شوند (کلمه اصلی در انتهای ترکیب قرار می‌گیرد). (از این نظر) پایانه‌های دستوری به عنوان کلمات مستقل نیز درنظر گرفته می‌شوند.
12. اگر کلمه منفی دیگری در جمله وجود داشته باشد، کلمه‌ی ne حذف می‌شود.
13. برای نشان دادن مقصد حرکت، کلمات، پایانه‌ی n– را دریافت می‌کنند.
14. هر حرف اضافه معنیِ معین و ثابتی دارد؛ اما اگر باید از نوعی حرف اضافه استفاده کنیم و معنای مستقیم (عبارت یا جمله) به ما نشان نمی‌دهد که کدام حرف اضافه را باید مورد استفاده قرار دهیم، از حرف اضافه‌ی je استفاده می‌کنیم که معنای مستقل (و ثابتی) ندارد. (البته) به‌جای حرف اضافه je (همیشه) می‌توان از مفعول مستقیم (یا بی‌واسطه، یعنی با پایانه‌ی n-) بدون حرف اضافه نیز استفاده کرد.
15. از واژه‌های به اصطلاح بیگانه – یعنی کلماتی که اکثر زبان ها آن‌هارا از یک منبعِ واحد گرفته‌اند – در زبان اسپرانتو بدون هیچ تغییری در آن‌ها استفاده می‌شود و فقط (نحوه‌ی) املای این زبان را به خود می‌گیرند؛ اما برای کلمات مختلفِ ساخته‌شده از یک ریشه، بهتر است که بدون هرگونه تغییری در ریشه‌ی کلمه، فقط از همان کلمه‌ی اصلی استفاده کنیم و بقیه‌ی مشتقات آن‌را طبق قواعد زبان اسپرانتو از آن بسازینم.
16. حرف صدادار پایانیِ اسم‌ها و حرفِ‌تعریف را می‌توان حذف کرد و آن‌را با یک آپستروف جایگزین کرد.

Universitato de Tehrano

Elementa Kurso de

Internacia Lingvo Esperanto

Aprobita kaj rekomendita per Unesko por enkondukado kaj instruado en la lernejoj kaj universitatoj de la mondo

Instruisto: Inĝ. Ahmad Reza Mamduhi

Ĉefdelegito de Universala Esperanto-Asocio (en oficialaj rilatoj kun UN kaj Unesko) en Irano

Prezidanto de Internacia Ligo de Esperantistaj Instruistoj (ILEI)

Membro de la Akademio de Esperanto (AdE)

La dek kvina revizio: julio 2025

برگشت به فهرست مطالب